

بیکار

۴۴ صفحه

۷۷

سال دوم - دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۹ بها ۲۵ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- ۵ صفحه اخباری از کردستان قهرمان
- ۳ صفحه در مورد گزارش نویسی از ناآثیر جنگ در میان کارگران صفحه ۳
- ۱۳ صفحه مصاحبه با رفقا حسین و روحانی و قراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۶)
- ۶ صفحه با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات ناک سرپاز (۸)
- ۱۹ صفحه پاسخ به نامه ها

باز هم خیانتی دیگر: بازگشت

جنایتکاران ارتش شاهنشاهی
روم جمهوری اسلامی، در جنگ ایران و عراق برای رسیدن به مصلحت خود، از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند تا در گمراهی کذب با مردم ایران از خطبه‌های دو کشور را دانه‌دانه جدا کرده و جیب بکنند. با گذر روز ۱۷/۷/۵۹ - ۱۷ شهریور - پس مباحثاتی در میان دو طرف در مورد توطئه‌ها و اقدامات جاری می‌دارد. در ادامه...

بقیه در صفحه ۱۲

مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!

۳ صفحه

اشاراتی چند پیرامون: **ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث**

۸ صفحه

سرمقاله

جنگ و انقلاب

ما جنگ ستم‌کننده با ستم‌کوبان در سال جنگ است. اگر جنگ، جنگی انقلابی و نادر باشد، ستم‌کوبان با آن مبارزه خواهند کرد و اگر جنگی ارتجاعی و غیر-انقلابی باشد، ستم‌کوبان با آن مبارزه نخواهند کرد. در ایران و عراق جنگی ارتجاعی است زیرا طبقه‌های کداس جنگ را... پس سرروزی است. در این جنگ سرروزی ایران و عراق از حدت طبقاتی محض را دنبال می‌کنند که ایران از آن است. با یاد رکوش حیدر که آنجا که کما بدن حسن بوده‌ای، سرکوب انقلاب و ستم‌ناپه‌های سرکوب حاکم بود.

بقیه در صفحه ۲

بگذار فدائی (اکثریت) وار تجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!...

صفحه ۱۱

امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلح می‌کند...

صفحه ۱۵



جنگ برای سزای سزای ایران و عراق
نقطه تلاک و سزای سزای آورد

تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

صفحه ۴

در چین رویزیونیستی چه می‌گذرد؟

صفحه ۱۰

خبرنامه جنگ و بیکار

بسم الله الرحمن الرحیم
این نشریه در تهران و سایر شهرها توزیع می‌گردد.
محرران: حسین...
معاونین: ...
تحریریه: ...
پخش: ...
آگهی: ...

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ جنگ

برواضح است از نقطه نظر کمونیست‌ها شی که در دام سوسال شونینسیسم گرفتار نیامده اند، این جنگ ناعادلانه رزیا بی شده و محکوم است. بیس با دیگران ز نظر کمونیست‌ها دور زیم جمهوری اسلامی و جمهوری عراق بنا به ماهیت خود سیاسی ارتجاعی را در این جنگ تعقیب نموده و هیچ یک از این دور زیم قابل حمایت و پشتیبانی نیستند این مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که رژیم عراق "تهاجم کرده و رژیم ایران به دفاع" برداشته و بنا بر این حکومت ایران قابل حمایت می باشد، تنها رویزونیست‌ها که از سیاست سوسال شونینستی بیرونی می کنند می توانند جنین استدلالی نمایند. بعلاوه این سیز مبتذل خواهد بود اگر گفته شود که رژیم عراق "تهاجم کرده و رژیم ایران علیرغم ماهیت ارتجاعی خود در حالت "دفاعی" بوده و بنا بر این باید در جنگ علیه "عراق متجاوز" شرکت کرده، تنها کسانی که به دفاع طلبی در غلطیده و منافع انقلاب را فراموش کرده اند می توانند جنین استدلال کنند، کمونیست‌ها بفظه آغاز تحلیل خود را ما هیت جنگ و طبقاتی که این جنگ را به پیش میبرند قرار میدهند و سیاست‌ها و شعارهای خود را بر اساس تحلیل طبقاتی از جنگ معین میسازند. ما می گوئیم در این جنگی که ارتجاعی است، در این جنگی که بیوروازی نوده‌ها را به کوبند و تبدیل می کند، در این جنگی که یکی از اهداف اساسی آن سرکوب انقلاب و تحکیم مونیسیسم بورژوازی است، آری در جنین جنگی هیچ وجه نباید شرکت کرد و کارگران دو کشور را بسوی یکدیگر خیر اندازی کنند، این جنگ هیچ وجه نافع کارگران و زحمتکشان دو کشور نیست، این جنگ توسط سرما به داران دو کشور برپا گشته و امپریالیست‌ها بیدان دامن زده و جنگی است که هدف دفاع از میهن بورژوازی را تعقیب می نماید.

وظایف ما در کمونیست - لنینیست‌ها

در این جنگ چیست؟

روشن است که وظیفه اصلی ما در حال این جنگ تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی یعنی انقلاب می باشد، اما واضح است که این شعار انقلابی یک شعار استراتژیک می باشد و باید تبدیل نمی تواند "بی درنگ" تحقق یابد، زیرا جامعه ما مواجه با موقعیت انقلابی نمی باشد، بنا بر این آثار میم خواهد بود اگر کمونیسم که تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ انقلابی علیه حکومت بلافاصله امکان یابد است، اما اپورتونینیستی خواهد بود اگر در افئای بیرحمانه ماهیت جنگ، عوام فریبی های بورژوازی و رویزونیست‌ها، اپورتونینیستی خواهند بود اگر جهت تدارک انقلاب فعالانه تر از

گذشته اقدام نکنیم و اپورتونینیستی خواهد بود اگر در راه گسترش جنینش و انقلاب پیش نرویم. لنین میگفت:

"ما فقط به کارگران توصیه میکردیم همه جا اپورتونینیستی را با بیس گردنی از خود دور کنند و با تمام قوا از نظرات و دیگر اقدامات انقلابی توده‌های پشتیبانی نسی نسوده، آتراضات و وسعت دهند... دعوت به حمله "بی درنگ" امریست بی معنا ولی سنگ است کسی خود را سوسال دمکرات بنا مدیوکارگران توصیه نکنند که بیونسند خود را با اپورتونینیستی بگسلند و با تمام قوا جنین انقلابی در حال شروع و نظرات را استحاگ مبخشد و به آن عمق و وسعت دهند و بر جدت آن بیفزایند، انقلاب هیچگاه بطور کامل از راه خود راه آسمان نازل نمی شود و در آغاز زیدایش تک جوشهای انقلابی هرگز هیچکس نمیداند که آیا این تک جوش - ها بیک انقلاب "حقیقی" و "تمام عمار" منجر خواهد شد یا نه و آیا حوق وقت مخرج خواهد شد."

(اپورتونیسیم و ورنگستی انترناسیونال دوم) امروز اگر در گردستان قیرمان موقعیت انقلابی فراهم است و می باید با است به جنگ انقلابی علیه حکومت ستمگرها کم داده اند، اما در اکثر نقاط ایران این موقعیت وجود ندارد، توده های بسیاری در توهم نسبت به این رژیم قرار دارند و ضیروهای کمونیستی و انقلابی دارای قدرت و نفوذ بوده ای لازم نمی باشد، بنا بر این در این نقاط سیاست کمونیستی با ادماسیست مدارک برای انقلاب است، کمونیست‌ها باید بگویند از افئای این جنگ کینیف و غیره دلالت به خرمن خشم مردم راست به رژیم حاکم بر اثر خوانده - سر کرده و دامن جنین انقلابی سوده‌ها را گسترده تر سازند.

در کوبا به مدت رژیم حاکم می توان دید با اتکا به تبلیغات شونینستی خود سوده های متزلزل و ناعادلانه را به سمت خود و این جنگ جلب نماید، اما بلاگ جنگ بحران سیاسی و اقتصادی موجود را گسترش خواهد داد، این جنگ با خراسهای بی - سعاری که بوجود می آورد و با احساسات زیاد می آورد، میسستم موجود را به سمت وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم سوق میدهد، بعلاوه کرانسی سکاری، کمبود ما محتاج اوله ما نندان و

رفقا! اعضا و هواداران!

هما بطور که در گذشته نیز تا کنید کردیم، رفقا با بگوئیش کنید مقالات و مطالبی را که در نشریه بیگار با علامت ستاره در انتهای آنها مشخص می شود، تکثیر و بخت نمایند.

بیروز با سید!

نفق و ابجا دصفهای طویل، فلاکت و بدبختی سستی توده‌ها، آوارگی مردم مناطق جنگ زده، سرکوب با زهم بیشتر جنینش و انقلابیون و تشدید ستم و استعمار، همه و همه جزنا رضایتی و اعتراض عمومی توده‌ها نسبت به حکومت حاصل دیگری نخواهد داشت، توده‌های آگاه پیش از بیس به تعارض مستقیم تر علیه رژیم کشیده میشوند و توده‌های نا - آگاه پیش از بیس به عوام فریبی ها و دورغ - بردارانی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پی میبرند و پیش از بیس از آن گنده میشوند. کمونیست‌ها با بدبران اوضاع بحران با تمام قوا فعالیت خود را حدت بخشد و آنان با بسند از نشدید بحران جا معدویا مدهای ناگزیرا بیسن جنگ ناعادلانه بهره گیرند، اما بقول لنین:

"نه برای تخفیف بحران و دفاع از میهن بلکه به عکس برای نیگان توده‌ها و بیسراری نسریع سقوط سلطه سرما به..." (همانجا)

فورت تشدید فعالیت انقلابیون کمونیست زمانی دوچندان برحسته تر میشوند که به فعالیت باندهای ارتجاعی بختیا رولسلطنت طلبان توجه لازم کنیم، این باندهای مزدور، امپریالیسم می گورند تا از عواقب جنگ و نا رضایتی توده‌ها نفع گسترش نفوذ خود در میان توده‌ها بهره ببرند، کمونیست‌ها با بردن تبلیغات آگاهانه و انقلابی خود در میان کارگران و سایر زحمتکشان باید سدمحکمی در برابر تبلیغات ارتجاعی و اقدامات نوظفته که این باندهای سرسپرده ایجاد می نمایند و جیهه انقلاب را هر چه بیشتر مستحکم سازند.

آری هما بطور که میبایستیم وظایف کمونیست‌ها در قبال تدارک انقلاب سوده‌ها عظیم است: افئای سوداگران اسلحه و سوده های کلانی که بیس غارت میبرند و افئای سورژوازی جنا پنگار و تبلیغات عوام فریبانه آن، افئای این جنگ ارتجاعی و تبلیغ این اده در میان کارگران که بنا بدیروی برادران خود اسلحه بکشند، افئای سوسال شونینیستی هائین، سرورش روحه سوده‌ها به تحول ایده انقلاب علیه رژیم حاکم، پشتیبانی از مبارزات انقلابی جاری در جامعه و کوشش در گسترش آن تشدید فعالیت سازماندهی در میان کارگران و سایر توده‌ها و آری اینهاست کار تدارکاتی منظم، مصرا نه و مداوم بدون این اقدامات اساسی انقلاب به پیش نخواهد رفت، امروز میسسه مسا عدی جهت فعالیت کمونیست‌ها در میان طبقه و توده‌ها فراهم است، کمونیست‌ها باید با تمام قوا و بر اساس فعالیت نقشه مند از این شرایط استفاده کنند، آنان با بدبران رضایتی ها و اعتراضات ناشی از این جنگ ارتجاعی، را سکوی پرشی برای دامنه بخشیدن به جنین انقلابی سازند و سمله‌های خشم مردم به فلاکت کشیده را به لیهیب انقلاب فردا تبدیل نمایند. ■

توطئه‌های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

جنبش کارگری



در مورد گزارش نویسی از تاثیر جنگ در میان کارگران

رفقا! در شرایطی که جنگ ایران و عراق مسئله محوری و جاد روز است و بنا بر آن فضای ماهیت اجتماعی این جنگ، اصلی ترین وظیفه روز ما کمونیستهای راستین است. شبهه اخبار و گزارش از این نبراد جنگ در اقشار و طبقات مختلف جامعه و بویژه در درخدا اول در طبقه کارگر، از جنبه نایبی برخوردار است. از این رو رفقا باید در زمینه های زیر مطالب خود را برای ما ارسال دارند.

- ۱- اخبار مربوط به مسائل جنگ در میان کارگران و نیروی سحوالی که در رابطه با اوضاع کار و زندگی آنان بوجود آمده است (بالا رفتن ساعت کار، افزایش تولید یا تعطیل کارخانه، سگاری - بدن کارگران و ...)
 - ۲- گزارش از موقعیتهای سیاسی کارگران نسبت به این جنگ و علل آن
 - ۳- برخورد کارگران با انقلاب و کمونیسم را در رابطه با جنگ
 - ۴- برخورد کارگران با اربابان، سادات و اشراف
 - ۵- میزان تبلیغات ضد جنگ در میان کارگران
 - ۶- میزان آشنایی و آگاهی مردم نسبت به این جنگ
 - ۷- میزان کسری بارمسانی ها، سبدها - انبارها، احساسی ... در میان کارگران
 - ۸- برخورد کارگران با مردم مناطق جنگ زده که کوچ کرده اند.
 - ۹- نظر کارگران در مورد هیمن ویکل "حسرت" یا ضد جنگ
- رفقا! سواستند همین سئوالها را در رابطه با آنها و لطفاً دستگیرا متدبرناج کوسید. رفقا! در ارسال اخبار و گزارشات، هر چند تعداد آن سروسرغیر کوسید. موبی بودن اخبار، داخلی یا خارجی بودن آنها را مشخص کنید. سروزناسد!

مرخصی اضطراری، نامحدود و بدون حقوق برای کارگران شرکت نفت!

شرکت ملی نفت مناطق نفتخیز را اخیراً بخشنامه ای صادر کرده است که بر طبق آن، بعلت تعطیلی شرکت، کارگران میبایست تقاضای مرخصی اضطراری بنمایند که نتیجتاً بعد از اتمام مرخصی استحقاقیشان، بدون حقوق خواهند ماند. علاوه بر این، مرخصی نامحدود بوده و با خواست شرکت به سرکارها برخواهندگشت. اینست نمونه دیگری از اعمال ضد کارگری دولت جمهوری اسلامی که با ستم در سنگ مستضعفان را سینه میزند! در رابطه با شرکت نفت که یکی و حاشا ن برانداز جنگ پس از هر زمان دیگر زندگینی کارگران و خانواده ها را شهید میکند، دولت حامی سرمایه داران نیز باید چنین با کارگران رفتار میکرد!

دولت جمهوری ایران
وزارت نفت

دولت جمهوری ایران
وزارت نفت

هویت امنای اما مزاده هاشم از خون کارگران صورت خود را سرخ می کند

حندی سبب عدای از کارگرانی که در وی باخشان - های جدید برای مسافران، در اما مزاده هاشم کار میکنند اخراج شدند. علت اخراج آنها این بود که بعد از مدتی که در آنجا کار میکردند، خواهان دفتر جدید بودند. آنها ابتدا بیست هفت امنای اما مزاده صاحب میکنند که بعد از شنیدن جواب منفی با استناداری و وزارت کار میروند که بعد از مدتی زیاد شرکت بیمه تقاضای لیست کارگران را از هیئت امنای میکند، ولی هیئت امنای اما مزاده بدای بیانه که "اگر امروز کارگران را بحد کسم فردا خواستند دیگری خواهند داد" است. لیست را بعد از مدتی برای فیله دادن قضیه تعداد ۵۲ کارگر را اخراج کرد. بله، هیئت امنای اما مزاده که از فضا خلی هم اسلامی است و بیول نذرونا مردم را بالا میکند از ترس کم شدن مغب خورسحق کارگران را که نمیدهد، هیچ آنها را از کار سگاره هم میکند.

کارگران بیگار رشت همچنان بدنبال کار!

کارگران بیگار رشت وجودند که سدها سال بود سادات اشرافان دستگیر شده است. احرار برای ادا مدعا، در برخشان یک سورا در سب کرده اند. آنها هر چند (کسبها و حیث رسد ها) جلوی ادار و سروی اساسی جمع شده و در سارد حقوقشان و بیوظنه های استناداری و دولت سر علیه کارگران سگار رحمت میکنند. هفته گذشته از جلوی ادار و سروی اساسی با استناداری راهپیمایی کردند و خواهشهای ۱ - کسب استخدا می ۲ - در صورت نبودن کار حق بیمه سگاری ۳ - ... را مطرح کردند.

کارخانه راف:

دو هفته قبل مدیر عامل کارخانه یکی از کارگران را اخراج میکند که در اثر اعتراض و بیگیری کارگران و سورا نشان بدسگاری بازی - کرده، همچنین کارگران در جواب درخواست ادا ردا که به منظور فرستادن نماینده ای از کارخانه برای هیئت حل اختلاف، گفتند که نماینده ما سورا ما سب و هرکاری دارید ما سورا صحبت کنید.

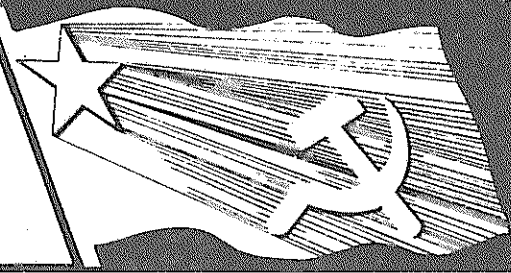
اخراج کارگران شرکت سادلمی

شرکت سادلمی (Sadelmi) که یک شرکت آلمانی است و برای سوا سگاری میکند، روز پنجشنبه ۵۹/۷/۱۷ سادلمی کارگران خود را اخراج کرده و دلیل آن را ترک کارکنان آلمانی آن اعلام نموده است.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

پیکار

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌های



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم

سراغاز

مبدأ سم که کمونیستها و طبقه رهبری مبارزه طبقه کارگر را رسیدن به یک جامعه عدلی طبقه (کمونیستی) را دارند، برای احیای رسالت کمونیستها بکسری وظایف عملی (برائت) و شوریک با بد انجام دهند.

انگلس یکی از معلمین کبر طبقه کارگر "مبارزه طبقه‌ای را با سه بعد اقتصادی - سیاسی و شوریک تعریف میکند" (نقل از حزب بکسر لنین) کمونیستها برای پیشبرد این مبارزه طبقه‌ای می‌بایست وظایف عملی تبلیغ و ترویج سازماندهی را بدانجام آورند. و با بد انجام دهند همانطور که ایما ده‌گاه که مبارزه طبقه‌ای، ارتباط حاد با مادی با بکسر کردار و بدو سر بکسر بدیل می‌سود. وظایف عملی کمونیستها (تبلیغ، ترویج، سازماندهی) بر با بکسر مرستند.

پس تبلیغ سه‌گانه یک ابزار در مبارزه طبقه‌ای شوریک را، عمل میکند، تفریب تبلیغ را از زبان لنین با زکومی کیم: "تبلیغ در بین کارگران عمارت از اسکد سوسال دموکراتها در نما مبط هرات خود - بخودی مبارزه طبقه کار و در تمام نما دما نیکه کارگران بحاطر روز کار، مزد - کار، شرایط کار و غیره و غیره با سرما به - داران بدبا میکنند، شرک و ورزند، و طبقه ما از این لحاظ عمارت از میخندن فعالیت خود با مسائل عملی و روزمره زندگی کارگر، کمک به کارگران برای اینکه ذهنشان در این مسائل روشن شود... سوسال دموکراتها ضمن اینکه بین کارگران برزمینه خواستهای فوری، اقتصادی تبلیغ می‌کنند، در عین حال تبلیغ برزمینه احتیاجات سیاسی فوری، بدبختی‌ها و خواستهای طبقه کارگر، تبلیغ برضد تعدیات پلیسی که در هر اعمت و در هر یک از تضامات کارگران با سرمایه داران بروز میکند... خواه تبلیغات اقتصادی و خواه تبلیغات سیاسی هر دو بطوریکسان برای

برای جلب هر چه بیشتر کارگران به صفوف حزب سوسیال دموکراتیک انقلابی استفاده کرده، مبارزه سیاسی بهر نوعی که ممکن است تسویه نموده (تا کیدار است) و سازمان داده آن را از شکل خود بخودی خارج ساخته و به مبارزه یک حزب سیاسی واحد تبدیل سازیم. از اینرو، تبلیغ میبایستی مبتدا به بیزار (تا کیدار زلنین است) جهت گسترش هر چه وسعت تر عرض سیاسی و اشکال متشکل تر مبارزه سیاسی بکار برده شود. (لنین، گرایش قهقرائی در سوسیال دموکراسی روسیه، صفحه ۴۸)

پس مسئله روشن است، کمونیستها چون معتقدند که انقلاب کار توده‌ها است و استقرار سوسیالیسم محصول خلاق مبارزات انقلابی کارگران، بدین سرنیب برای تحقق آرمانشان، به توده‌ها متکی میشوند، به مبارزات آنان میروند تا مبارزات طبقه‌ای را رهبری کنند و آن نیروی عظیم و لایزال توده‌ها را در جهت تحقق انقلاب سوسیالیسم بکار گیرند. تا زمانیکه سوسیالیسم علمی با مبارزات توده‌ها درهم نیا میخته است فقط سیاسی روی کار است، اما زمانیکه به مبارزات توده‌های وسیع رفت، به نیروی مادی بدل می‌شود و نظام کهنه طبقه‌ای را متلاشی می‌سازد. پس وظایف عملی کمونیستها در جهت آنست که تئوری بقیه در صفحه ۱۵

سطح معنوی سیاسی شوریک را ضروری می‌سازد. چه تبلیغات اقتصادی و چه تبلیغات سیاسی بطوریکسان برای رهبری مبارزات طبقه‌ای کارگرو شوریک می‌سازد. اما کیدار است، (لنین، وظایف سوسال دموکراتهای روس) - پس در حای دموکراتی تبلیغ را چنین برمی‌شود:

"فعالیتهای تبلیغی بین توده‌های مبارز وسیع ترین کیفیت، اعمال اقتصادی و سیاسی، برخوردار بوده در راه کلیه مسائل ممکن نیست به جمیع مظاهر سرگیری با همه اشکال گوناگونی که خود میکنند، صورت بپذیرد، از این تبلیغات می‌باید

سخنی با گزارشگران پیکار

رفقا! پیکار "تلاش دارد در جهت خطی کده سه تاریکی دنبال کرده است، سعی افقای تبلیغی، هدایت کننده و ارتقا، دهنده سازمان - دهی مبارزات بوده‌ها و... ارتباط وسیعی را با بخشهای گوناگون سازمان، هواداران و کارگران و زمینگان بوجود آورد و آنگاه نفس را انفا کید که سواست "مح سنی کار را برزنگه بکسر و آنرا در بین توده‌ها افشا سازد. این کار بدون همکاری فعال و موثر کلمه رفقا و هواداران غیر ممکن است!

"پیکار" علاوه بر خبرنگاران حرفه‌ای که بوجود آورده است با بد خبرنگاران غیر حرفه‌ای تعداد هزاران نفر داشته با شمول لنین "یک ارگان وقتی زنده خواهد بود وقتا بلت زندگی کردن را خواهد داشت که برای پنج دیرروز - تا سه نهار سیاسی که مرثیه قلمزدن می‌بازند با تصدیق پنج هزار همکار بوجود آید که بهیچوجه نویسنده نباشد! "در رابطه با این امر هر یک از رفقا با ایده‌ها و ما تندیک خبرنگاران را زو قایع و اخباری که در دوروبرشان میگذرد، خبر و گزارش (و نه فقط خبر و گزارش، بلکه مطالب افشاگرانه هنری، ترویجی و...) تهیه کنند و آنرا برای

پیکار میفرستند. برای سازماندهی ارسال خبر و گزارش... در تشکیلات شما می‌ارگانه (هسته‌ها و حوزہ‌ها) با بد خبرنگاران خودتان را مسئول تهیه خبر و گزارش و... برای "پیکار" نمایند تا از این طریق هیئت تحریریه مستقیم ترین ارتباط را با توده‌های سازمانی و هواداران و فعالیت آنها در میان توده‌ها داشته باشد.

- ۱ - وظایف مسئولین گزارشگریکا در جمع‌ها: جمع آوری کلیه اخبار و گزارشات روزمره که از طریق رفقا دستشان می‌رسد و ارسال آن به "پیکار"
- ۲ - تدوین اخبار و گزارشات و جمع‌بندی تجارب مبارزاتی و رهنمودهایی درباره موضوع خبر و گزارش و ارسال آن به پیکار
- ۳ - جمع آوری کلیه نامه‌ها و انتقادات و پیشنهادات و اردیه پیکار و ارسال آن برای پیکار
- ۴ - رفقای هیئت تحریریه، هر چند یکبار با این رفقا جلسات هماهنگی گذاشته، رهنمودهایی در مورد نحوه فعالیتشان ارائه خواهد داد و پیشنهادات و انتقادات متقابل را بررسی کرده و از این طریق ارتباط نزدیکی با خبرنگاران غیر حرفه‌ای برقرار نمایند.

پیروز باشید!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

پیکار

خاطرات یلته سرباز (۸)

زحمتگشان و پیکار جوانان سراسر جهان باید یکدیگر برادرند ۱۵ اردیبهشت

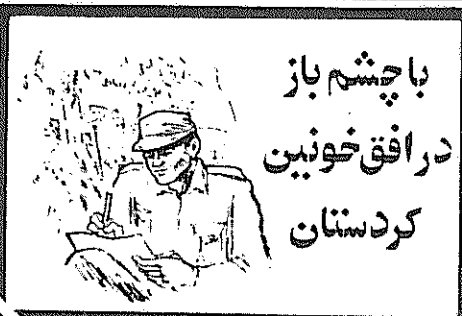
ساعت ۸ و چهار دقیقه صبح

کتابی که خواندم - چگونه فولاد آندیده شد، تا نیر عسقی در روحیه من بحاکم درآمده است. از آنجا که نیکلای آستروفسکی، داستان زندگی خود را در این کتاب بیان کرده است در فلسفه احترام عمیقی نسبت به او احساس می‌کنم. شکر فخرترین مخلوق هنر در دور انقلاب، مردانی هستند که او در کتاب آورده است. کتابی که زندگی خود را در تصویر می‌کند. او می‌گوید: برای من، سرودی بیسی از نادی سبکا ریخا طیر سعادت زیبای نوع بشر نیست.

همه چیز در سیکلای (گورچاکس) آن‌س سلاش و میا زره و سبکا راست، و او آن‌س بهمان انداز که شب با رنگ می‌کرد و دو مرک سبکا را که آغوش دهسرای خود می‌کنند، سلفه و رنر و سوزان تر می‌کرد.

سری که در سالان بر زحمت کودکی از بر گذشت دل‌آورانه "کارمانندی"، بهرمان کتاب "جرمکس" الهام می‌گیرد و سعی می‌کند که با نداد و قهرمانان به زندگی کند. سری که در سالگی در سوار نظام شورونتی بدین می‌نارد، سحی رخمی می‌کرد و سیر از آن دچار بدبختی شد. حصه می‌شود، او هر بار سبک زحمتی با بدبختی به سبکا بر می‌خورد و به دو آرتین و بر خطرترین جیندها می‌رود. خوانی که سیر از آن بدیدن سون فقراتش، بیسائی خود را از دست می‌دهد و با فلج شدن دست و پا، با جار به دیکه کردن مظلومین میرسد و زنده سبکا رسورا بکر خویش با کلام نشن ادا می‌دهد. ساط و خوش بینسی

کیلوه ۵۰ نومان، نندگیلوتی ۱۵ نومان و پنجم مرغ کیلوتی ۴۵ نومان ... بفروش می‌رسد، روستا - های این شهرها سرد فرسار و محاصره می‌شوند و نیز وجود آوارگان شهرهای مبارزان شده و کمبود کالاهای و گرانی بی حد کالاهای قدرت خرید ناخیز مردم، شرایط زیستی طاقت فرسائی را بر مردم روستاهای کردستان قهرمان تحمیل می‌کند اینها نمونه‌ای از نتیجه "عدل اسلامی" رژیم جمهوری اسلامی است که سوز و سوزن سوز و سوز و تانک سوز زحمتگشان کردستان تحمیل می‌شود ولی خلق قهرمان کرد علی‌رغم شرایط طاقت فرسای زندگی و در زیر تهاجم وحشانه رژیم، حماسه‌ها آفریده با بیداری می‌کنند



مبارزه با یکدیگر هستند، به توضیح مبسوطه طبقاتی رسیدیم، اما پیش از آن مالکیت ابزار تولید مورد بحث قرار گرفت و اینکه شما بی‌طبقات در رابطه با جایگاه انسان در مناسبات تولید مشخص می‌شود، بعد از این مقدمات که بر سر آن توافق کردیم، به این نتیجه رسیدیم که برای مبارزه با رگران و زحمتگشان با سرمایه داران یک ایدئولوژی و دستگاه رهبری کننده مستحکم لازم است. در اینجا دو نقطه نظر پدید می‌آید و این مسئله مطرح می‌شود که آیا مذهب می‌تواند این نقش را بازی کند یا نه؟ من گوشیدم تا بحث را خاتمه دهم، چرا که معتقدم چنین بحثی در زمان حاضر کمکی به ما نخواهد کرد، همینقدر خوب است که ما بر سرمایه در دروی زمین با یکدیگر توافق داریم، اتفاق نظر بر سرمایه مثل آسمانی گویم اند تا بعد!

امروز ندانم درد عجیبی داشتم که حوصله خواندن را از من می‌گرفت، از سوی دیگر دلم سخت هوای دوستانم، برادرانم و خانواده‌ام را کرده است، امیدوارم هر چه زودتر این ما موریت لغتنی خاتمه یابد.

۱۶ اردیبهشت

امروز صبح دستور حرکت رسید، ساعت ۸/۵ صبح با تمام تجهیزات به خط شدیم تا معاون لشکر از ما باز دید کند، او در سخنانی کوتاه خود گفت که در با نه جنگ است و مدت اقامت ما در آنجا معلوم نیست.

پس از سخنانی، با تمام وسایل بسنده فرودگاه را تقسیم در میدان توغائی بیابسود هلیکوپترها در رفت و آمد بودند. پس از یک ساعت ۴ هلیکوپتر فرود آمدند و بار خود را خالی کردند هنوز در هلیکوپترها جا بجا نشده بودیم که یک خیار به وسط میدان اما بت کرد، هلیکوپترها سرعت روشن شدند و به پرواز درآمدند، بر فراز کوه‌های زیبای کردستان پرواز می‌کردیم، کوهسارانی که باکی و صفای خلق کرد را دارند و استحکامشان سرخستی و استواری مبارزان کرد را داعی می‌کند، در سقز، کنار با دکان فرود آمدیم، بارها را خالی کردیم و هلیکوپترها، بار دیگری پرواز کردند - آمدند، در اطرافمان جنب و جوش زیسادی بحشم می‌خورد، به یادگان وارد شدیم و در آتشگاه جا گرفتیم، بعد از مستقر شدن، خبرها را شنیدیم: سقز آرام است، با نه خیلی شلوغ است و هلیکوپتر بیعتت سیرانندازی شدیداً در به فرود آمدن نیست شبه‌های اطراف با دگان با نه در دست پیشمرگه - هاست و با دگان در محاصره است، با چتر نجات آب و غذا به با دگان می‌رسانند، بعد از ظهر هوا بیامانی آمد و چند چتر بزرگ با خوار با رویمات به با شین انداخت، در با دگان فرودگاه همه چیز در حرکت است انتظاراً و اطراب بر همه جا سایه افکنده است، (ادا مه دارد)

خسکی با سدر او را بر سر مبارده، اس ساد و سروروی را با مبارزان دیگر، با همه مرد روی زمین که سبکا رنگسود و به پیش می‌آید می‌نهند، می‌دهد، او با چنین مغرور: آه - کاش من آجر را آتیه دارم، می‌داسم: سلامی، امکان حرکت در اس جهان سبکران - او، من بتحویبر سدی و تا سر حد خون، زندگی می‌کردم، او معنای زندگی را در مبارزه میدانم و جان سلفه خویش را در این راه می‌سکندارد.

آفتاب بروسی خشی که از درون این اثر انقلابی می‌شاند، سرمایه رزات سرخستانه خلق سزرگ کرده که در بین جسم جاری است، بر تومی - انکسود آن را واضح تر در نظر می‌آورد، آری، زحمتگشان و سبکا رجویان سراسر جهان باید یکدیگر برادرند، دل‌سای یکی است و عثمان یکی: رهائی سراسر از ظلم وجود.

۱۵ اردیبهشت

سب است، امروز هم حرکت نکردیم و ما تا غما تا ما سده هفتاد کذبت همه ده عمر می‌گذرد، به سبب تا رسمی، سبک بحث طولانی دانستم بعد از مدتانی به ساط مسرکی رسیدیم، او عقیده دارد که مذهب عامل خویشی سرتی است و اسلام تنها ایدئولوژی است که می‌تواند بشر را به جا معنه دلخواهش برساند، اما ما با یکدیگر افکار مترکی سزدا ریم که در بحث توانستیم به آن دست با بیم بحث ما مسطما شروع شد و اینطور پیش رفت: ابتدا دو طبقه‌ای که همیشه در تضاد هستند در تمام جوامع وجود داشته‌اند، بقول او: مظلوم و مظلوم متخس کردیم، آنکا به درجه مع سر ما به داری این دو طبقه مهم را که آنتی تا پذیرند ستا سبسی نمودیم و ما سده کردیم که این دو طبقه در حال



درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

پایان تحصن کارگران شهرداری و نتایج آن (مسجد سلیمان)

"مبارزه" استاندار جمهوری اسلامی با امریکا و عراق چگونه است؟!

بدنبال حمله پاداران سرمایه به تحصن کارگران شهرداری مسجد سلیمان در روزهای اول شهریور ماه و دستگیری چندتن از نمایندگان آنها و نیز بیعت طولانی شدن تحصن و سمیای شبهای رویزیونیت ها در میان کارگران و همچنین ضعف نمایندگان در رهبری و هدایت تحصن، هیز روز از تعداد متحصنین کاسته میشد تا جاییکه در روزهای آخر تعداد کارکنانیکه در تحصن شرکت میکردند از صد نفر کمتر بود (کارگران تحصن را با حدود ۵۰۰ - ۲۵۰ نفر شروع کرده بودند) و این زمین مناسی بود برای سرکارگران و تکنسین های سازشکار (هواداری، ج. فاکتیریت) و سایر نمایندگان کارگران را به نحراف و سازش بکشانند. سرانجام کارگران در تاریخ چهارشنبه ۱۲ شهریور ماه در حالیکه کمتر از ۵۰ نفر بودند توسط مداخلاتی با مقامات شهرداری به تحصن خود پایان دادند بدون آنکه بتوانند به خواسته های اصلی و اساسی خود که بازگشت به کاروروسی شدن بود دست یابند. آنها فقط توانستند ۱۸ روز حقوق (مدتی که قبل از تحصن کار کرده بودند و شهرداری حتی حاضر به پرداخت آن نبود) و نیز سالی ۴۵ روز بختوان را سابقه دریافت نمایند.

جمع بندی حرکت کارگران

تاریخ مبارزاتی کارگران در سراسر جهان و بیویژه در کشورمان نشان داده است که هیچ حرکت مبارزاتی بدون داشتن تشکیلاتی منضبط و آهنگین و بدون برنامه ای دقیق و روشن که با در نظر گرفتن روحیه، سطح آگاهی و سایر شرایط کارگران مشخص شده باشد پیروزی نخواهد رسید، و این دو عامل (برنامه و تشکیلات) آن ابزار لازم می بودند که کارگران شهرداری از آنها محروم بودند. کارگران مبارز شهرداری که در طول یکسال گذشته دست به مبارزات از زنده ای زدند و عماد آگاهان انقلابی نسینا زیادی در میان آنان بود نتوانستند از حرکت های گذشته خود درس گرفتند و تشکیلات خود (شورا و...) را پی ریزی کنند تا این کارگران در هفتم ماه گذشته بعد از طی یک پروژه چند ماهه یک هیات نمایندگی از بخش های مختلف انتخاب نمودند. این هیات نمایندگی با توجه به ترکیب در مجموع مبارز و انقلابی نتوانست با افشاء مواضع سازشکاران ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم و تکیه به نیروی کارگران و ارتقا سطح آگاهی آنها تا آن رابسیح و متشکل نماید. هیات نمایندگی با سیاست های گاه "چی" و گاه راست بطور خود بخودی و بدنبال کارگران و نه در پیش و در کنار آنها لنگان لنگان حرکت میکرد. ضعف های این هیات را میتوان بصورت

زیر خلاصه نمود:

۱- هیات نمایندگی برای ادامه مبارزه کارگران برنامه مشخصی نداشت و تقریباً بطور خود بخودی و بدنبال حوادث حرکت میکرد. این هیات نتوانست از اشکال و نا کتیک های مبارزاتی استفاده کند که در نتیجه منجر به یکنواخت شدن شکل مبارزه و سر خوردگی کارگران گردید.

۲- هیات نمایندگان نتوانست با تسلط همه جا شبهه کارگران نظم آهمن بدهد و با تکیه به توده ها و با برنامه ای از پیش تدوین شده آنها را وسیعاً بمبارزه گشاده و هدایت کند. زاینسرو هیات نمایندگی سبیل به یک هیات سر و سفنگ جدا از خود گردیده که هر چه زمان میگذشت فاصله آن از کارگران را دوزخا دتر مید. این عدم تسلط و بیگانگی با توده ها را میتوان در شکل جمع کارگران در محل تحصن دید.

کارگران در محوطه سستای بزرگی از باغ شهرداری جمع بودند ولی هر چند نفر از آنها در گوشه ای با هم حرف میزدند و کمتر کسی توجه به سخنرانان میکرد. خلاصه نوعی براکتدی و عدم تشکل در میان کارگران حاکم بود که یکی از دلایل نئی تقاطع و بی وفای کارگران نسبت به تحصن و دل سر شدن آنها را در همین مسئله باید جستجو کرد.

۳- عدم افشاء قاطع و همه جا سه هیات حاکمه صد کارگرو سیز عدم افشای سیاست های سازشکارانه برخی تکنسین ها و سرکارگران هواداران آنها (اکثریت) هیات نمایندگی دقیقاً اطلاع داشت که در میان تکنسینها تعدادی عناصر سازشکار وجود دارند که مرتب در حال سمپاشی و غوطه خوردن در سینه کارگران میباشند.

این هیات همچنین میدانست که یکی از این عناصر سازشکار، بعد از ظهرها کارگران قسمت "مددسنگاه" را جمع کرده و در میان آنها تبلیغ میکند که: "ما در حال مبارزه ضد امپریالیستی هستیم، تحصن خدمت به امپریالیست است و...". با اینهمه بیعت نریزلات خود با این مسئله برخورد قاطع نکرده و حتی گاه گاهی تسلیم سیاست های سازشکارانه آنها میشد.

۴- سیاست عقب نشینی قرارگرفته بعضی از نمایندگان و رهبران کارگران بحال خود، بعضی از نمایندگان در هفته آخر تحصن بجای عقب نشینی تاکتیکی و حفظ تماس خود با کارگران و دادن رهنمود برای ادامه مبارزه شان بیسک عقب نشینی استراتژیک دست زدند و بطور کلی صحنه مبارزه را برای ناخوت و تا زهاداران (اکثریت) خالی گذاشتند. که نتیجه آن منجر به شکست تحصن کارگران گردید.

معدن شن و ماسه شاه عباس سرا و ان در اختیار استاندار قرار داد که بوسیله کمیته بهره برداری از معدن آنرا میگردد. مدت یکسال است که این معدن مشغول کار است و هر مساله میلیتی را بختوان حق بیمه و مالیات از حقوق کارگران کسر کرده اند ولی هنوز از دفترچه بیمه خبری نیست. کارگران مدتها پیش شورا تشکیل دادند تا بتوانند برای حقوق خود از جمله دفترچه بیمه و حق اولاد و مسکن و... مبارزه کنند. آنها چند بار به استاندار رفتند ولی هر بار بیعت و نساختن ماهیت فدائیکاری استاندار فریب و عده و وعده های او را خورده و سرکار را زمینگشتند. تا اینکه در شهریور ماه استاندار معدن را بیک نفریونانی بنام "مارکویولو" واگذار میکند. با آمدن این خارجی کارگران روز مزد و پیمانی میشوند و در نتیجه نه تنها خبری از دفترچه بیمه نمیشود بلکه هر آن در معرض اخراج قرار میگیرند کارگران اعتراض میکنند و میگویند لا اقل پول یکسال بیمه و مالیات ما را پس بدهید، ولی استاندار و کمیته بهره برداری آنرا باسالا کسید دیوند. بنا بر این کارگران دست به اعتصاب زدند و تا الان هم مشغول اعتصابند.

کارگران از این موضوع چند چیز را می آموزند: اول اینکه برای کارگر فرق نمیکند کارفرمایش ایرانی یا ششیا خارجی، دولت باشد یا یک نفر سرمایه دار، هر چه باشد دشمن کارگران است، همانطور که کارگران هم دشمن سرمایه داران و دولت حامی آنها هستند و برای دولت هم فرق نمیکند که کارگران بوسیله چه کسی استنما ریشوند. حال میتوان بخوبی قضاوت کرد که آیا این دولت و استاندار هستند که علیه آمریکا مبارزه کنند و کارگران غذا بقلابند یا اینکه برعکس؟

نا گفته نما ندکه در این میان حزب خائس توده که همیشه با اسم کارگر برضد کارگر مبارزه می کند در روزنامه اش تمام کارهای استاندار را تا شید کرده و اصلا حرفی از مبارزات برحق کارگران نمیزند و با لاکشیدن پولها بوسیله استاندار و کمیته بهره برداری رهنبرده بوشی میکند.



۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

اشارات پندپیرامون: ظهور و سقوط تاریخی حزب بعث

بدینال انتشار دو مقاله، یکی درباره اوضاع اقتصادی عراق (سیکار ۷۵) و دیگری درباره عملکردهای فاشیستی رژیم بعث عراق (سیکار ۷۶) در این شماره نگاه تاریخی را بر ما روشن می‌کنیم، ما بپوش از اینکده صفحات محدود نشریه ما اجازه برداختن تفصیلی به این موضوع را نمانده و ناگزیر مطلب را با اجماری که جدا شده است، بعیت آن لطیفه می‌زند می‌آورد و به رفاقتا توصیه می‌کنیم که برای غنی تر کردن دانش سیاسی خود تحولات نیم قرن اخیر درخا و رومنا را مورد مطالعه قرار دهند. زیرا با عنفا دما سرنوشت حبش دموکراتیک و فدا مبریا لیستی و نیز جنبش کمونیستی در مهن ما با آنچه بوسه در کشورهای دیگر منطقه مکذرد، رابطه‌ای تنگ تنگ دارد.

ویژگی ضد کمونیستی اندیشه بعث که ابتدا فقط رنگ انتقاد از تجربه سوسیالیسم در اتحاد شوروی (زمان استالین) را داشت و تحت تاثیر نوشته‌های فاشیستی آندره ژید (با زکشت از شوروی) بود، در مسیرا تحرافی و راست خود منجر به این شد که حزب بعث عمیقاً بر ضد منافع واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان عرب و در خدمت بورژوازی و امپریالیست‌ها درآید. (۲)

"حزب بعث عربی" رسماً در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدتی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنا م "حزب سوسیالیست عربی" به رهبری "اکرم حورانی" بوجود آمد مدینا م "حزب بعث عربی سوسیالیستی"

نا می‌دهد. اما این اسم‌ها ن برکن، اسمی بسیار بی‌مسماست چرا که این با اندتوطئه گر، نه بعث به معنی "رستا خیز" ملت عرب، بلکه بمعنی سرکوب آن است. همچنین در خدمت ملت عرب که تحت سلطه امپریالیسم است تمیبا شد، و با لاکسره سوسیالیستی هم نیست بلکه بورژوازی می‌باشد. ضعف تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی که ناشی از شرایط اقتصادی حاکم بر مناسبات طبقه عربی و نوپا شدی و ابتدائی بودن عنصر آگاه است کسرت درکی وسیع اقترا خرده بورژوازی، تفرقه و پراکنندگی شدید در جامعه عربی که ناشی از عقب ماندگی مناسبات اجتماعی است اختلافات و زد و خورد های قبیله‌ای را بطور بارزی در درون خود حفظ کرده است. و در خاتمه بی حساب

روشنفکری - نسمه سیاسی (که ما از برنا مه دقیق کارنان اطلاع نداریم) تشکیل می‌دهند و در سال ۴۱ اولین اعلامیه خود را که حاوی انتقادا تسی به حاکم وقت سوریه (دست ننا نده فرانس) بسود منتشر می‌شما بند. علق در دوران دانشجویی در فرانسه، با برخی افکار سوسیالیستی آشنا شده بود و از طرف دیگر به ناسیونالیسم بورژوازی مبتنی بر نظریات فلاسه آلمان دهسه ۱۹۳۰ دلستی داشت. او می‌گوید:

"ما از فلسفه آلمان جنبش آموختیم که چیزی ز فرما را بیسما مدهای برونی و روابط اضافی کردا ننده حرکات تاریخی و تکامل احصای آب و این بود که جهان بیستی ما بریا لیستی ما را تعیین کردا." (۱)

او "ناسیونالیسم" را یک واقعیت جاودانه می‌بیند و در سوا معروف حزب بعث را که می‌گوید: "یک ملت عربی دارای رسالتی جاودانی است" مطرح می‌کند.

اندیشه "بعث" سمبل یک اندیشه انتقادی است. در این اندیشه بریده‌ها ن از ما بریا لیسم-مکاسینی یا او ما سوسیالیسم سونالیسم فراطبی (که به حد نویسم می‌رسد) و نکه بارها نئی از اندیشه‌های سوسیالیستی خرده بورژوازی و ایده‌آلیستی درهم آمیخته و ملغمه‌ای نا همگون و سیال آفریده است. این اندیشه انتقادی عجیب که زاده شرایط اجتماعی آن روزها نسمه سوریه و کشورهای مشابه عربی و موضع روشنگران طبقه متوسط است و حجت از رشد جنبش انقلابی بوده‌ای و کمونیستی را سنجو بارزی در خنود نهفته دارد. میشل علق در مباحثه‌ای با مجله آفاق عربیه - نشریه تئوریک حزب بعث عراق - آوریل ۷۷ نا کید می‌کند که "ما با بدالترا تیبوی در برابر کمونیسم میسما ختمیتا جوانان عسرب بدان سمت کشیده نشوند. زیرا کمونیسم تنها ترا تیبو بودا اندیشه‌های کهنه نمی‌توانست آنان را بسوی خود جلب کند".

(۱) - درخا و رومنا نه چه گذشت: ترجمه م. ح. روحانی.

ساقط امپراطوری عثمانی در حاکم جهای اول، امپریالیستهای اروپائی میراث آنرا چون کونت فریانی سین خود تقسیم کردند. قسمت‌های جنوبی سرزمینهای عربی یعنی مناطق خلیج فارس، عراق، اردن، فلسطین، و مصر به انگلستان و لیبیا و سوریه به فرانسه رسید. مناطق دیگر عربی مثلا الجزایر و تونس از قبیل در دست فرانسه بود، لیبی در اختیار ایتالیا و سودان نیز به انگلستان منتقلی داشت. در فاصله دو حاکم جهانی اول و دوم برخی اراضی منطبق از مسمره بودن به تحت الحماکی مستقیم "ارتقاء" یافته بودند؛ فنودا لسم بورژوازی بسیار عقب مانده می‌لکی که نیا ده‌ای برده‌داری را نیز با خود داشت بر سوا سر منطقه عربی حکم - فرما بود. در این فاصله جنبشهای رفومیستی، و انقلابی مذهبی و غیر مذهبی و نیز آزادی‌خواهی ما رگسسی با سه عرصه وجود نهادند (برای مثال در لبنان طی سالهای ۱۹۲۰ و در سوریه و عراق طی سالهای ۱۹۳۰ حزب کمونیست ناسیونالیست و در محدوده‌های از مغالب احصای ناسیونالیستی باقی گذاردند.

پس از حاکم جهانی دوم، همزمان با او حکمی جنبش استقلال طلبانه ملی در سوا راجان و بویژه عربی، و همرا با بلات مجددا امپریالیست‌ها برای ایجاد دولت صهیونیستی اسرائیل در فلسطین، جنبش ملی و آزادیخواهانها ن عسراب کسرتن وسیعی یافت. و توفان سورش و اعتصاب و قیامهای نوده‌های در سوا سر منطقه وز بسدن گرفت.

حزب بعث یکی از آزادی‌خواهی سیاسی مهم و موثری است که نیا استفاده از جنبش فراطبی در بخش حاصی از منطقه عربی با گرفته، کسرتن پیدا کرده و به حیات خود تا کنون ادا مه داده است در اواخر سالهای ۳۰ و اوائل ۱۹۴۰ دور روشنگر سوری بنا مهای میشل علق و صلاح بیطار که پس از تحصیل در فرانسه به سوریه بازگشته و به تدریس در مدارس اشتغال داشتند. محفلی نیمه

(۲) - تا بیان ذکر است که در ایران نیز یک جریان تحرافی و راست نحت تا شیرا اندیشه‌های همین کنا ب در درون حزب بوده در سال ۱۳۲۵ بسعد بوجود آمد. طلیل ملکی و جلال آل احمد ... از حزب نوده نشعبا کردند. آل احمد کشتا ب آندره ژید را ترجمه کرد. ژید بس از سقری به شوروی سفرنا مه با زکشت از کشور شوروی و نیز از سوسیالیسم شوروی را نوشت. این گرایش راست به انترنا سونال سوسیالیست که کرا بسکی و کلا ما بروویلسون انگلیسی در اس آن قرار دارند پیبوند میخورد. و بعدا به حمایت از با ملاح سوسیالیسم نوع دویچک در کسلواکی میانجا مد اصغرا ح سیدجواد دی و آل احمد و دیگر نویسندگان ایرانی که با آنان همفکر هستند، اندیشه آندره ژید و بعد دویچک رویزیو نیست را "سوسیالیسم انسانی" املاح کردند. گویا اگر سوسیالیسم بر اساس ماهیت اصیل خویش، بورژوازی را زیر ضربات خود قرار دهد "غیر انسانی" میشود! اینک اینگونه نویسندگان نظیر آندره ژید تا روشن بیوفورد در دوره شاه بفروش می‌رسید آیا علت "محبوبیت" جلال آل احمد و برخی آثار او در دوره جمهوری اسلامی ناشی از همین ضدیت با سوسیالیسم و همین نقطه مشترک راست نیست؟

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

یکی از ثمرات آن است، بارها گفته شده و ما سه همین اشاره بنده میکنیم.

رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثیها ی سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول ها نمی رفتن جانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفا میکنند!

بعثی ها در عراق هم کارنا مه ای موفق تر از سوریه ندارند و چه بسا بدتر! یکتا در سال ۱۹۶۴ علیه حکومت سوریه و ملی فاسم که کرایه های

تقسیم "جمهوری متحده عربی" به مقدم گردیدند و پس از سه سال و نیم که از وحدت دو کشور سوریه و مصر میگذشت با ارتجائی ترین افسران ارتش همدست شده طی کودتائی جدائی سوریه از مصر اعلام کردند و سریرا قوانینی را که طی دوره وحدت تحت تاثیر سیاست نامرتنا حدودی بیفنج زحمتگان وضع شده بود لغتی نمودند، به این ترتیب یعنی ها یکی از تجارب "وحدت" و "سوسیالیسم" خود را پشت سر گذا ردند، آنها شعار دادائی شان "وحدت"، "آزادی"، "سوسیالیسم" را بهمن ترتیب پیاده کرده اند. چیزی که آنها هرگز فراموش

سیاستهای استعماری جهت جلوگیری از رشد اندیشه های انقلابی و مارکسیستی و نفوذ دیرینه ثوهمات مذهبی، راه را برای رشد اندیشه های انتقاطی و بینا بینی نظیر بعثت با زکذاشت و حزب بعثت با ماهیت خرده بورژواژی و بورژواژی (عمدتا بورژواژی) خود توانست با استفاده از این موقعیت، تقریبا در کلیه کشورهای عربی هوادارانی برای خود پیدا بدو تشکیلاتی بوجود آورد.

با گرفتن دولت اسفند لکرونزاد بر سر است اسراخیل در سال ۱۹۴۸ بمنا به خطری دائمی که ملت عرب را تهدید میکند، زمینه مناسبتری برای پذیرفتن اندیشه های ناسیونالیستی بعثت فراهم آورد. شرایط سیاسی دیگر منطقه از این قرار بود:

ناسیونالیستهای نامری توانسته بودند در مصر رژیم سلطنتی را و از گون سازند (۱۹۵۲) و در مبارزه با امپریالیسم سلطنت انگلیس پیروزی های بدست آورد و بویژه در جنگ کانال - سوئز سال ۱۹۵۶ و مقابله با آنها جمعه جاسه فرانسه، انگلیس و اسرائیل نظر رجهای نیکان و بویژه اعراب را بسوی خود جلب کنند. کوششها در سوریه، عراق و لبنان بصورت خطری جدی علیه امپریالیستها و دست نشاندهگان داخلی آنان در میا مدند و رشد را دیگالیسم انقلابی، حیات بورژوازی را که میکوشد قدرت را با نفوذ رژیمهای نفوذالی بدست گیرد تیره و تار می ساخت. موج مخالفت توده های و انقلابی علیه انعقاد "پیمان بغداد" و قبول دکترین آیزنهاور منطقه را در می نوردید، دارودسته های سیاسی وابسته به آمریکا - منجمله در لبنان - محصور شده بودند از قدرت امپریالیستها برای حفظ رژیم خود کمک بگیرند و کامیل شمعون رئیس جمهور وقت لبنان برای مقابله با موقعیت انقلابی این کشور و سرکوب جنبش دمکراسیک مردم لبنان در سال ۱۹۵۸، از آمریکا تقاضای مداخله نظامی کرد. پیمان بغداد که عراقی سلطنتی و ترکیه ا عضای اصلی اش بودند، با مشارکت آمریکا و انگلیس سوریه را تهدید به دخالت نظامی کردند و مرزهای شمالی سوریه محل تمرکز نیروهای نظامی ترکیه شد. در چنین شرایطی، حزب بعثت که در برابر موج نامریم تاب مقاومیت نداشت، فرصت طلبانه خود را با آن هماهنگ ساخت و پیشینیا دوحده دو کشور مصر و سوریه را مطرح کرد در همان سال ۵۸ این وحدت عملی گردید و حزب بعثت توانست برای اولین بار طعم قدرت را بچشد و اگر محورا نی یکی از رهبران آن معاون ریاست جمهوری "متحده عربی" - که سوریه یک اسنان آن بود - گردید.

یعنی ها که انتظار داشتند از وحدت با ناصر، اسب را هواری برای پیشرفت و کسب قدرت هر چه بیشتر خود بسازند، وقتی با رقابت و سرخشی نامرور و بیرو شدند، وحدتی را که آنها به آن دم مزدند زیر پا گذارده این بار در انشعاب و

- اندیشه "بعث" - سمسبل یک اندیشه انتقاطی است. در این اندیشه بریده هائسی از ماتریالیسم مکانیستی با اوما نیسم و ناسیونالیسم افراطی (که به حد شوینیسیم می رسد) و تکه پاره هائی از اندیشه های سوسیالیستی خرده بورژواژی واید ه آلیستی درهم آمیخته و طغنه ای ناهمگون وسپال آفریده است.
- رژیم جمهوری اسلامی که مبنای بسیج مردم برای جنگ با عراق را "کافر بودن صدام و بعثی های عراق قرار داده است معلوم نیست چرا نه تنها به بعثیهای سوریه حرفی نمی زدند بلکه بقول هاشمی رفتن جانی نقش "محرم اسرار" را برای ایران ایفا می کند!
- "حزب بعثت عربی" رسما در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۲ پس از وحدت سی که بین این حزب و حزب دیگری با همین ماهیت بنام "حزب سوسیالیست عربی" بر رهبری "اکرم حورانی" بوجود آمد بنام "حزب بعثت عربی سوسیالیستی" نامیده شد.

مستشارهای جمده است کودتا کردند (رجوع شود به سیکار ۷۶) و بحسب ویرسی عراق (و در واقع کل ندرت) را در دست گرفتند و به سرکوب تا حده امیر کمونیستها و بوده های زحمتکن و خلق کسرد بردا حسد، یکسال و نیم بعد بدست حاج صب خود - عبدالسلام عارف که رئیس جمهور بود و طرفدار با حزب ارگا ریکار رسیدن ولی مجددا در ۱۷ ژوئیه ۶۸ با عبدالکر، صدام حسن و... ندرت را یکی کودتا بحد کرد و سکه کتون ادا مده ارد. ما در سارده کسده به سرخی از عمل کرده های حسابکارانه و دخالتی آنان اسار کرده ایم و میتوان میدان مرا حد کرد. دوسه حزب بعثت در سوریه و عراق یکدیگر را طرد کرده و سمعوان نسبی قبول ندارند عراقیها میل عقلی و نسلی عممی را که جپا رده سال بین اسوریه طرد شده و بین غیا با محکوم به اعدا مگردیدند، سمعوان بنیا نگذاران مورد اجرام قبول دارند. همچنین اجزای بعثت در هر دو کشور میکوشند در کشورهای عربی دیگر برای خود نسبه ها و هوادارانی بسا بدولی فعالیت یعنی در تمام کشورهای عربی غیر از لبنان و تا حدودی یمن شمالی و بحرین مصموع است. یعنی های دو کشور هنوز همان شعارهای اولیه خود را در رابطه با رزه با "امپریالیسم" و "وحدت عربی" و "مبارزه با صهیونیسم" و "رسالت جاودانه ملت عرب" تکرار میکنند.

حزب بعثت که در ابتدا یعنی بین از بدست گرفتن قدرت، منافع اقشاری از خرده بورژوازی و بورژوازی ملی را مابعدکی میکرد و بدلیل عقب ماندگی شرایط اجتماعی و خلائی ناشی از فقدان یا انفعال کمونیستها، میتوانست عناصری از زحمتگان

نکرده ادمینا رردن برجس دمکراسک و صد امپریالیستی و بویژه جس طنندگای ریکو و دیگر زحمتگان ن بوده و اسلندراس را در کنار اسب جاق، سیاست نان سرسی همکار آده است. یعنی ها با رها در کس و نفوس برای بدست گرفتن قدرت اردت رضای خود کسند. سراجا م در ۱۹۶۶ حمئی از افسران نسعی منحلده علاج جدید و حافظ اسد کودتا کرد و در رهبری سایر حزب ارحله میل عقلی را طرد کرد. اسان افسران یک نسعی غیر نظامی بنام مدکسیروالدن - آتاسی را که حزب جناح را در کمال حرب بسود برنا سب جمهوری سرکردند. حکومت ایما ن تا ۴ سال بیشتر دوام منیا و رد و طی این مدت مواضع نسبا مترقیانه ای جد در رابطه با سیاست اقتصادی داخلی و جد در رابطه با مساله فلسطین اتخاذ کردید، ولی حافظ اسد که رهبری جناح راست درون حزب را در سوریه به عهده داشت وقتی در کنگره حزبی در سال ۷۰ رای کافی نساورد و سیاست منفعل اش سمعوان وزیر دفاع در قبال سرکوب انقلاب فلسطین در اردن مورد انتقاد قرار گرفت، با یک کودتا قدرت را بدست گرفت و خود را دبیرکل حزب معرفی کرد و این بار همان کنگره ا و را تا شه نمود!

حافظ اسد که ده سال است قدرت را در سوریه بدست دارد، هر چه بیشتر سوریه را بسمت وابستگی به امپریالیستهای غربی کنانده و اقتصاد سوریه را که تا حد قابل توجهی به تجارت منگی است به اقتصاد کمپرادوری تبدیل نموده است. سیاست بعثی های سوریه در قبال مساله فلسطین و نقشی که در سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و لبنان داشته اند و کشتارهایی نظیر شال الزعتر

در چین رویزونیستی چه میگذرد؟

در سگارسا رده ۷۵ با تمام است اطلاعات
حسن مقاله ای در مجله مردم در اتحاد جماهیر
دشمنانه مطالب دسیس را با وجود حواس پرتی
رویزونیستی های حسی را بر ملا کشید:

دست زد، اما برعکس رویزونیستی های خدا نقلی با
با حامیان مینی پرولتری سلطه آور آشتی ناپذیر
رفضا رگردهند و جز آن هم نمیتوانست اتفاق بیفتد
بعنوان بنمونه بگوئیم چند ماه پس از بیقصدت
رسیدن رویزونیستها ۴۰ درصد از اعضای کمیته
مرکزی (۱) مورد مقصیه قرار گرفتند (۲) تصفیه
شدگان کمونیستها بی بودند که از انقلاب فرهنگی
به این سوید عضویت کمیته مرکزی ارتقا پیدا کرده
بودند.

امروز رویزونیستها، حزب و دولت را تحت
سلطه خود دارند و ممتی خدا نقلی آن در عرصه
های مختلف در حال پیاپی شدن میباشد. آنان حزب
پرولتری را به یک حزب بورژوا - رویزونیست
و دیگنا توری پرولتاریا را به دیگنا تیسوری
بورژوازی تبدیل نموده و پرشتاب در راه بازگشت
سرما به داری حرکت می کنند. امروز اگر چه همه
رویزونیستی های جینی در تحکیم مناسبات
سرما به داری شواق دارند، لیکن در عین حال
دارای بکسری تصادفات درونی نیز می باشند.
کمونیستها در میان خود وحدت دارند و حاصل
اختلافات ایدئولوژیک سیاسی میان خود را مبارزه
ایدئولوژیک میدانند. اما رویزونیستها بر
اساس دیدگاه بورژوازی و تنگ نظری خود به
با نندازی دست می زنند و علیه یکدیگر توطئه می
کنند. در حال حاضر جناح قدرتمند "تنگ" می
گوندتا هر چه بیشتر جناح "هوا" را به عقب
براند و دستگا حزبی و دولتی را تحت کنترل
همه جا تبه و مستقیم خود در بیاورد. البته تا گفته
نماند که از زمان تصرف قدرت توسط رویزونیست
ها مملکت مسلط، ممتی تنگ بوده است.

... اجلاس مجلس ملی "که با شرکت ۳۰۰۰
نماینده در ۶ سینا میرا مال پایان یافت نه
فضا خط ممتی سرما به دارانه حزب و دولست را
تدقیق نمود، بلکه همچنین بکسری تغییرات در
مقامهای حزبی و دولتی بوجود آورد. در این
تغییرات جناح "تنگ" باز هم موقعیت خود را
تحکیم نمود. "هوا کوفنگ" از مقام نخست وزیری
کنار رفت ولی کماکان مقام دبیر کلی حزب را
حفظ نمود. "تنگ" همراه با ۶ نفر دیگر از معاونت
بقیه در صفحه ۲۱

بر ما وارد ما را سورونیست و رویزونیست
با تمام سرسلیس طلبی که در راه سرمایه داری کما
سرمه دارند، دیگر یک مبارزه درون حزبی بینار
ممتی آمد. سطح سیاسی ایدئولوژیک مداوم بوده
- های حزبی علیه انکال مخلص رویزونیست
ساررد ایدئولوژیک مداوم علیه خود ایدئولوژی
بورژوازی و عنعنه عماد رویزونیست و خاش به
آزمان پرولتاریا، خطی است که تا من ملامت
پرولسری حزب می باشد.

عدم رعایت این خط یکی از عواملی بود که
به انحطاط رویزونیستی حزب کمونیست چین
انجام شد. اگر چه حزب کمونیست به رهبری رقیبی
مانند سارزات وسیع علیه رویزونیستها و
رویزونیستی های درون حزبی تهنیت برد، اما
علاوه بر این سارزادها و سارزادها ایدئولوژیک
کراستدر آن، حزب در سگارسا اصول لنینیستی
سارزاد ایدئولوژیک درون حزبی دچار انحراف
شده و به راست روی در غلغله، در دوران انقلاب
فرهنگی تعداد بسیاری از عناصر حزبی و دولتی
به عنوان رویزونیست و خدا نقلی معرفی شده
طی مبارزات آن از مقامات بالای حزبی بائین
کننده شدند لیکن اسباب همکار دکارت عضویت
حزب را از دست ندادند لیکن از این عتار متنگ -
سا شونگ بود. او یکبار در ۱۹۲۳ بعنوان عمومی
ایورونیست مورد انتقاد قرار گرفته و به سطح
بائین حزبی شزل داده شد، دوباره او "سارزاد
ترقی" را طی کرد، در انقلاب فرهنگی در سال ۶۷
بعنوان "خروجی جینی" مورد انتقاد شدید قرار
گرفته، از این به بائین کشیده شد، ولی با زهم و
به انتکا، افراد همگرایش خود ارتقا پیدا نمود. در
سال ۱۹۷۴ ارجانب کمیته مرکزی و شخص رفیق مائو
بمعوان یک رویزونیست تمام عیار و عمومی ضد
انقلابی "افتا" گشته از کمیته مرکزی اخراج شد،
ولی کماکان او در حزب باقی ماند. پس از مرگ
رفیق مائو به دستاری افرادی چون هوا کوفنگ
و با انتکا، به جناح راست درون حزبی ارتقا پیدا
کرده تا اینکه در ژوئیه ۱۹۷۷ تمام مقامهای مهم
حزبی و دولتی خود را با زبافت، بدین ترتیب
می بینیم که انحراف راستروانه در بر خورد به
تصفیه و اخراج عناصر رویزونیست و مرتد خود
زمینه ساز ضربات مرکبا بر حزب است.

رویزونیستی های جینی بعضی اینکه قدرت را
در قبضه در آوردند تا هم ایدئولوژیک رویزونیستی
خود را در درون و بیرون حزب گسترش داده و حامیان
ممتی انقلابی را مورد تصفیه و اخراج قرار دادند
خط ممتی مارکسیستی یا رویزونیستی به معانات

در یک جامعه سوسیالیستی بعد از ده های خفا سوسی
ظلمات و مبارزات جانی وجود دارند. در این
حاضر بعد از نظر نظریاتی خدا نقلی بعد از
پرولتاریا و بورژوازی است. پرولتاریا که قدرت
سیاسی را تحکیم آورده و حکومتها را انکال
دیگنا توری انقلابی خود را بعد از دست خدا
می طلبد اما کمونیسم سوسی دهد، حال آنکه بورژوازی
که قدرت را از دست داده و حکومتها دوباره قدرت را
بندت گرفته و گوزر را بر سر ما به داری کشاند.
سرما به داری و انصاف عسی مبارزه ظلماتی
در حزب پرولتاریا انکال می باشد، وجود دور
عنا صریح رویزونیست و رویزونیست در درون حزب
و ارتقا سارزادها و سارزادها رویزونیستی ارجانب
انسان بیان ادامه سارزاد بورژوازی علیه پرولتاریا
مستند، اسباب می گوندتا اطرطی حزب در جزئی
حزب، کنترل دولت را دست گرفته و حاصل
اساس ممتی بورژوازی خود را خطی سارزاد
رویزونیستی سارزاد علیه کند و در واقع قدرت به
دست بورژوازی افتاد است.

در سگارسا کوس های مداوم بورژوازی و سارزادگان
آن پرولتاریا در طی سوره ها خندان سوسالیم
می نایست آکا ها به و سگارسا سارزادها طبقا سوسی و
انقلاب را ادامه دهد، هر کوبه کوتاهی در سارزادها
علیه بورژوازی رسته های است تا در سگارسا امواج
تجاهات بورژوازی گسترش یابد.

در دوران سارزادها سوسالیم و
تداوم انقلاب تجدیدکننا توری پرولتاریا نقش
حزب و دیگنا توری پرولتاریا تهنیت کننده است
اگر حزب پرولتری نتواند مبارزه طبقه کارگر را در
عرشه ایدئولوژی، سیاست و اقتصاد سحر قدرت
هدایت کند و اگر حزب نتواند ده در بیرون حزب و
جهت درون حزب بورژوازی و ایدئولوژی اورا به
سنت تا بودی سوق دهد، شرایط اضطرار خود را
فراهم نمینماید. در این ارتباط مبارزه حزب
کمونیست علیه سیاستها، کراشات، ممتی بورژوازی و
حامیان ایدئولوژی بورژوازی یعنی رویزونیستها و
ایورونیستها دارای اهمیت فاطمی میباشد. میباشد
مبارزه ایدئولوژیک فعالی را علیه سیاستها و
کراشات رویزونیستی به پیش برد و از هر کوبه
سیاست سازش ایدئولوژیک اجتناب ورزید. در
تداوم این مبارزه، زمانی که یک گرایش ایدئولوژیک
رویزونیستی انجام یافته و به یک خط ممتی
تبدیل میگردد، با سطح سوده های حزبی میباشد
بطور قاطع به تصفیه آن پرداخت و حامیان این خط
- ممتی را از حزب پرولتاریا بی اخراج نمود.

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بگذار فدایی (اکثریت) و ارتجاع درهم آمیزد و نگهبان جمهوری اسلامی گردد!

بورژوازی بکشایند.

فدائیان خلق (اکثریت) اکنون به عاوسان و نوکران بورژوازی بدل شده اند، آنها وظیفه دارند با یهوی برآه بیاندازند، فرسکاران عدم از منافع بیولتاریا بزنند و خاک در چشم توده ها بپاشند و سپس به راحتی بسودرما به داران عمل کنند، از کار ۵۹ به بعد و مخصوص بی از جدا شدن بحث اقلیت مارکسیستی از رویزیونیستها دیگر فدائیان سه یک جریان بورژوازی استحال پیدا کرده اند. توضیح روند استحال یک جریان انقلابی - خرده بورژوازی بی یک جریان بورژوازی ریزیونیستی از جدا این مقاله خارج است. ما فقط در اینجا میگوئیم تا نشان دهیم، چگونه این شیسانان بورژوازی در مورد جنگ ایران و عراق بی ماهیت طبقا نشان را آشکار می کنند.

سوسیال شوینیسیم تکامل یافته ترین شکل نوکری بورژوازی است

فدائیان (اکثریت) در مورد این جنگ چه میگویند:

آنها این جنگ را عادلانه و سیردی میدان انقلاب و ضدا انقلاب میدانند: "جنگ عراق با ایران جنگی میان انقلاب ایران و ضدا انقلاب عراق، جنگی است بین رژیم که در راه مبارزه با وابستگی به امپریالیسم بر میآورد و رژیم که در مسیر وابستگی به امپریالیسم گام نهاده است، جنگ عراق با ایران، جنگ بین رژیمی است که از اردوی بهترین دوستان خلق جدا شده و خود را بطور کامل در برابر آن قرار میدهد، با رژیم که در جریان یک انقلاب فدا میریالیستی و درگسترش های بعدی آن بدترین دشمنان خلق را از پای در آورده و خود را در برابر آن قرار داده است." (ضمیمه کار ۷۸) و نیز:

"ما و همدنیروهای ترقی خواه جهان - حق دفاع را برای شما می ملت ها کما ملا عادلانه و برحق می شماریم همین دلیل وظیفه همه نیرو - های انقلابی است که با قاطعیت با این - تاجا و زگری مرتجعین مقابله کنند و بطور آشکار جانب دولتی را بگیرند که قربانی این تجاوزات مرتجعین شده است."

پس فدائیان (اکثریت) معتقدند که این جنگ جنگی عادلانه است، جنگی میان انقلاب و ضد - انقلاب است. این جنگ ارتجاعی نیست چرا که بقول "کار" نویسان: "جنگهای ارتجاعی همواره از جانب رژیم های ارتجاعی آغاز میشود."

فدائیان (اکثریت) "تدبیر بیگانه" دارند آنها به هیچ وجه گرا بیتهای التقاطی ندارند، منسجم شده اند، میدانند که چگونه با طبقات گوناگون برخورد کنند، سیاستشان نسبت به بیولتاریا، بورژوازی، هیئت حاکمه و... مشخص است. در مورد جنگ ایران و عراق نیز آنها به هیچ وجه دفاع طلب نیستند، آنها میدانند که نمی توانند بدون اینکه تحلیل مشخص از ماهیت حکومت های طرفین درگیر در جنگ داشته باشند تحت عنوان دفاع از میهن جانب حکومت کشور خود را بگیرند. (ضمیمه کار ۷۸)

آنها صلح به ثوری هستند ثوری ای که بصورتی منسجم در تمام مسائل زندگی اجتماعی حضور دارد! و رژیم توده های مشخص میدهد. ثوری آنها با بیگانه مشخص طبقا نمی دارد. آنها بیسروی خود را صرف دفاع از طبقه ای میکنند که بی آن تعلق دارند و چون از منافع طبقه واحدی دفاع میکنند طبقه ای که اکنون از فرط کینشالی، فروت و محضرت شده است - میدانند که در مورد هر قضیه ای چه برخورد مشخص داشته باشند ثوری آنها بگورزه بدیدنیامده و برای خود تارخیخته و ثوری بیسیتهای "دوروز بورژوازی بی سید" و منسجم تر و در عین حال واضح تر و شفاف تر شده است. این ثوری "واحد"، بدون التقاط "و منسجم" کدام است؟! این ثوری که با شروع سرمایه به احتیاج روگنیده شدن بدیدآمد پیش از تبدیل دوران سرمایه به عصر امپریالیسم، منسجم و بیسیم فزوده گشت چیست؟! این ثوری که آنتی تیز - مارکسیسم و نفوذ دشمن بیولتاریا یعنی بورژوازی در صفوف جنبش کارگری است "نامش ریزیونیسم" است.

جاسوسان بورژوازی قلعه را بروی دشمن میکشایند

پس از آنکه مارکسیسم در عرصه جهانی خود را بعنوان بیگانه اندیشه راها سازنده طبقه کارگر تثبیت کرد، بورژوازی نه تنها با تیرباران و سرکوب مارکسیستها کوشید با آن مبارزه کند، بلکه بتدریج در تمام اعدا موشکنجه، مارکسیسم را نیرومندتر میسازد و برای مبارزه با آن باید از درون رخنه کرد، بورژوازی دژیولتاریا راستحکم و نیرومنددید، توپخانه بورژوازی برای درهم شکستن برج و باروی این دژ، بیس قمبر و عاجز بود و چنین شد که ریزیونیسم بمشابه موثرترین حربه سرمایه داران آفریده شد تا با توجه به اینکه "دژ" را از درون گرفتند از همه آسانتر است. (تاریخ مختصر حزب بلشویک) ، به خدمت بورژوازی درآید ریزیونیسمتها بعنوان مدافعین بیولتاریا وظیفه دارند، هایهوی راه بیاندازند، در درون دژیولتاریا رخنه کنند و سپس شبا هنگام بیس از خواب کردن توده های درون قلعه، قلبه را بروی

(هما نجا) بتدریج ما هیت طبقاتی ریزیونیستهای اکثریت مشخص میشود آنها می نویسند:

"... ما زمان ما در تلگرام مورخ ۴ مهرماه ۵۹ خود به آیت الله خمینی صراحتا نوشت که در شرایط فعلی دفاع از استقلال میهن هیچ معنایی جز دفاع از جمهوری اسلامی ایران ندارد."

ما اکنون قاطعانه این نظر را صحیح و عادلانه می شناسیم و توده ها میگوئیم که ادعای "دفاع از میهن" در برابر تاجا و زات رژیم عراق، تنها به شرطی معنای واقعی پیدا میکند که بی دفاع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات رژیم عراقی و توطئه های امپریالیسم آمریکا بیانجامد. (هما نجا تا کیداز "کار" است.)

ریزیونیستهای اکثریت اکنون آنکارا به مدعی بورژوازی هستند. آنان دفاع از میهن را به معنای دفاع از جمهوری اسلامی و دفاع از انقلاب را به معنای جان باختن در راه جمهوری اسلامی میدانند، آنها دستان آغشته به خون جلادان کارگران و زحمتکشان، خلق کرد، خلق ترکمن و... را بعنوان ناجیان انقلاب می بوسند، آنها حکومت ارتجاعی ای را که بجز ستم و استخما بربرای زحمتکشان و کشتار و سرکوب برای توده ها به ارمان نیاورده است، میستایند و از توده ها مسخاوهند که برای دفاع از آن خود را بکشتن دهند. ریزیونیسم اکثریت، آشکار و رو قیح است، دیگر از پیره پستی خبری نیست، نوکری آشکار بورژوازی است، مدح و ثنای عربان رژیم است که اجساد هزاران شهید میهن را سکوی پرتی برای رسیدن به قدرت کرده با تمام قوا به ساز سازی سیستم سرمایه داری وابسته پرداخت، بارها انقلاب را در کردستان، ترکمن صحرا، انزلی، اندیمشک، دورود، داندشگاه و... بخون کشیده است و با گلوله های آمریکا اش سینه پاکترین فرزندان خلق را در جها رگوشه میهن خونین - ددمنشا نه دریده است. هم اکنون که ریزیونیستها اینگونه جمهوری اسلامی را بزرگ میکنند، فانتوم - های رژیم سردشت و دیگر مناط کردستان را

بمباران میکنند، صدها انقلابی در زندانهای رژیم بسر میبرند و انقلابیون بسیاری در خطر ترور و تیرباران قرار دارند، کارگران و زحمتکشان با زوبیا زهم در کارخانه های وابسته جان می کنند و بشدت استخما میشوند، ارتش اینها در سرکوب و وابسته به امپریالیسم بدست رهبران مورد ستایش اکثریت با زسای میگوید... برآستی کدام اقدامات جمهوری اسلامی ستایش آمیز است؟



رژیم هایی که خلق های کشور خود را سرکوب میکنند نمیتوانند در جنگی به نفع مردم شرکت نمایند!

گامهای سریع بسوی کارگزاری

فدائیان دورالت بعهدہ دارند، یکسوی نوکری بوروازی "خودی" و دیگری حمایت از سوسیال امپریالیسم روس و درهم آمیختن هر دوی این وظایف در مقطع کنونی. آنها گذشته را برمنافع شوروی نیزبتدریج استوار میکنند آنها مجلس شورایملی وکابینه رجا جی را شایدا فدا مپریالیست می خوانند، خویشان را با خون پاسداران درهم می آمیزند تا یادشان را به سوی سوسیال امپریالیسم بکشانند، آنان عراق را تا زمانیکه بقول خودشان "با اردوگاه سوسیال - بسم" رابطه داشته، انقلابی میدانند و از زمانی که روابط عراق با شوروی کم رنگ تر شده و اراشد انقلابی میخواهند و از آنجا که عراق هنوز سلاح از شوروی میخرد، البته هنوز رژیم ارتجاعی و فاشیست عراق را کما ملا همسویا امپریالیسم نمی دانند. "سیاست حاکم بر رژیم عراق هنوز در تمام زمینه ها با سیاست امپریالیسم همسو نیست" (ضمیمه کار ۷۸) فدائیان هنوز به آخرین رمقهای مقاومت جناحهای فدا مپریالیستی حزب بعث اشاره میکنند. "مقاومت خلعت های فدا مپریالیستی در بلوک قدرت آخرین رمق های خود را هم از دست میدهد. فدائیان جاز و جنگا لهای دروغین ضد امپریالیستی صدا محسین مانند محکوم کردن مذاکرات کمب دیوید و روغیای مبثی برکمسک به فلسطینی ها را جادی قلمداد کرده، آنرا تأخیر فازی در جهت وابستگی به امپریالیسم میدانند و نه تنها گذشته کثیف و ضد خلقی حاکمان بعث عراق را به خاطر روابط با شوروی، انقلابی جا میزنند، بلکه الان نیز اقداماتی مثبت برای عراق تصویر میکنند، چرا که آنها اکنون از ماهیت طبقاتی دولتها، حرکت نمی کنند، از میزان بودی که سوسیال امپریالیسم از آن دولت - ها می برد، حرکت نمی کنند و چنین است که برجنایات آن دولتها سرپوش میگذازند، مادر شماره قبل بیکار شده ای از جنایات بعثی ها را در همان زمان که فدائیان آنها را انقلابی مینامیدند آورد بپرووشن میشود که فدا شیبهای اکثریت بخاطر منافع شوروی ماهیت ضد خلقی بعث عراق را می پوشانند، آنها مسئله جنگ را از دیدگاه همزیستی مسالمت آمیز و خروشقی - برزنتی نیز مینگرند و از آن زاویه آنرا تحلیل می کنند. بهر صورت تحلیل آنها در مورد جنگ نشان میدهد که آنها اکنون کما ملا رویونیست و سوسیال شوینیست و نوکس - بوروازی گشته و از راه تبدیل شدن به کارگزار امپریالیسم روس نیز قدمهای محکمی برداشته اند. اما آنها باید بدانند سرنوشتشان همان سرنوشت همه خائنان به توده ها خواهد بود و خلق ماهرگز نوکری ارتجاع را بر آنها نخواهد بخشود.

فدائیان (اکثریت) هواداران انسان را به نوکری ارتجاع فرامی خوانند

چنین است که سوسیال شوینیستهای وقیح و بی برده اکثریت توده ها را می فریبند، رژیم جمهوری اسلامی را بزرگ می کنند و میخواهند توده ها را با این نیروی سرکوبگر و ارتجاعی وحدت بخشند. آنان از توده ها میخواهند - کامیته ها و سپاه پاسداران همکاری کنند - به "سخ بیبوندند و حتی تابعه برانگاران" و در حقیقت مخالفین رژیم را (که البته از نظر فدائیان (اکثریت) طیف وسیعی، از طرفداران امپریالیسم تا نیروهای انقلابی کمونیست را در بر میگیرد) به کمیته ها معرفی کنند. اوج وقاحت است، رژیم را که بزرگ می کنند، توده ها را فرامی خوانند تا در پشت سر ارتجاع قرار بگیرند! حتی اگر این رژیم نیز انقلابی بود، کمونیستها بیبایست از صف مستقل طبقه کارگر حرکت میکردند و توده ها را بیست سرخود بیچ میگردند، کمونیستها در حمایت از نیروهای انقلابی "همواره کارگران را متما یز خواهند نمود، همواره جنبه موقتی و مبروت این همبستگی را توضیح خواهند داد، همواره مجزا بودن طبقاتی بیولتاریا را که فرادامکن است در جنبه مخالف متفقین امروزی خود قرار میدهند، خاطر نشان خواهند کرد." (لنین) وظایف سوسیال نوکری تهای روس)

اکنون فدائیان کما ملا به صدف فدا انقلاب نشا فته به با و ارتجاع بدل گشته اند، آنان با ورسپاه پاسداران، این ارگان ارتجاعی که در کنار ارتش ضد خلقی دستت بخون هزاران بین از زحمتکشان میهن آغشته است، قرار گرفته اند آنان توده های هواداران را به جاسوسی برای ارگانهای ضد خلقی فرامی خوانند، طبیعی است کمونیستها در صورت مشاهده توطئه های بختیار و دیگر نوکران امپریالیسم به افشای آن دزد توده ها بپردازند و سرکوب آنان شرکت می کنند، اما فدائیان هواداران را به مقابله با "وحدت شکنان" و "تفرقه افکنان" یعنی نیرو - های انقلابی را که خواهان "تفرقه ارتجاع و انقلاب" و جلوگیری از "وحدت - شوروازی و زحمتکشان" هستند، فرامی خوانند و می خواهند مخالفین جنگ را به عنوان روحیه شکنان به کمیته ها معرفی کنند، فدائیان نه تنها می - خواهند در راه "جمهوری اسلامی، خون پاسدار و فدائی درهم آمیزد" (تلگراف به خمینی) بلکه خواهان جاسوسی هواداران را برای ارتجاع هستند برآستی هرجا احتضار و گندیدگی امپریالیسم بیشتر میشود، رویونیستها نیز کثیف تر و وقیحانه تر به نوکری بوروازی می پردازند.

سرکوب جنبش کارگری و دهقانی، تکد کولده شدن تنها هرات کارگران سکار؟ با زسازی سیستم سرمایه داری و استبداد استعمار رسن از حسد زحمتکشان بسودنحصار با امپریالیستی؟ کسنا ریسرچا بدخلق کرد، ترکمن و...، ترور و سرباران انقلابیون، سرکوب آزاد بسپاسی دموکراتیک، آزادی اجتماعات، مطبوعات مترقی و سایر انبای انقلابی، سرکردن زندانها از انقلابیون و شکنجه آنان؟ تعطیل دانشگاهها و جناسات وحشانه در اول اردیبهشت؟ سیخ حماقداران و اوباش سرعده نیروهای انقلابی، بقویت ارتش و سد قدرت رساندن فلاحی ها و طهرنژادها؟ میخکد مجلس؟ اخراج کارگران، مملمان، دانشس - آموزان و کارمندان انقلابی، فدا انقلاب با اصطلاح فرهنگی؟ قطع سود و سوز و سحیل کراسی، سیکاری و فلاکت به زحمتکشان؟ هاپیوی دروغین ضد - امپریالیستی برای فریب مردم و در اصطلاح انقلاب اسلامی و حمانت از جناسات ارتجاعی خون اخوان المسلمین مرست با سا و عربستان سعودی و باداب و حرب الدود و رجا عی (کهه) رویونیستها از انقلابی خوانندند. و گروههای سا ما خنده مملمان انقاسی؟ اما رویونیستیهای فدائی کدا کنون به یک نیروی شوروازی استحالده با فته و وظیفه مشاطه گری بوروازی حاکم را بعهدہ دارند، می - کوشند تا توده ها را به رژیم متوهم بکشد رند. آنان از کارگران میخواهند تا دست به فزاین تولید بزنند و در همین شماره "کار"، کسانیکه کارگران را به اعتصاب بکشند یا بند برادر بزرگکشان حزب توده فدا انقلاب میخوانند، آنها تحت عنوان استکد خواست امپریالیسم و "فدا انقلاب بختیاری" سرنگونی این رژیم است، هرگونه مبارزه علیه ستم سرمایه داری وابسته را به این داور دسته ارتجاعی نسبت میدهند. بدین ترتیب آنها خواهان عدم مبارزه طبقاتی بیولتاریا علیه بوروازی و زاشده کردن توده ها به بسوروازی هستند، اینک اکثریت فدائیان به امپریالیسم تکمیل شده یعنی سوسیال شوینیسم رسیده اند. بقول لنین "این جریان برای اتحاد علنی و اکثریت مبتذل با بوروازی، وستادهای ارتش به نفع خود رسیده است." (امپریالیسم و ورنگستگی انترناسیونال دوم) اکنون رویونیستیهای اکثریت تمام خصوصیات را که لنین برای سوسیال شوینیستها برمی شمرد، دارا هستند: "همکاری طبقات، استنکاف از دیدگاه توری بیولتاریا، استنکاف از عملیات انقلابی شناسایی بدون قید و شرط قوانین بوروازی، بی اعتمادی نسبت به بیولتاریا و اعتماد به بوروازی" (همانجا) و خلاصه "اتحاد نوکساران بوروازی با بوروازی سر ضد طبقه ای که به توسط بوروازی استعمار میشود." (همانجا)

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳

(قسمت ششم)

پیکار: آیت الله خمینی در همان سخنرانی خود (مورخه ۴ شيرماه) از کسانی سخن گفته است که به حمایت از مجاهدین خلق بها و نامه نوشته و حمایت از مجاهدین را خواستار شده اند. ضمناً آیت الله گفته است که مجاهدین، آنها را "فرب" داده و اغوا کرده بودند توضیح شما چیست؟ وجه منظور با آن اشخاص تماس برقرار شده بود؟ رفیق تراب: مقدمات اشاره کنم که قبلاً از شهریور ۵۰ یعنی پیش از آنکه تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان ما (در آن زمان مجاهدین خلق) و تقریباً اکثر اعضای رهبری آن به اسارت پلیس شاه خائن بیافتنند برخی از روحانیون که بطور نسبی اندیشه مبارزاتی داشتند و برداشتهای مترقیانه را از اسلام ارائه می دادند تماس داشتند و آنها بمنظور دستیابی به مقامات و وضع البلاغه کمک میکردیم ولی با دیدگی کم در همان زمان ما به این نتیجه رسیده بودیم که هیچوجه نمی توانیم از آنان انتظار داشته باشیم که با اصطلاح آئینسروز خودمان "تدوین ایدئولوژی انقلابی اسلام" را برای ما بپذیرند، گرایش ما به قبول برخی از اصول مارکسیسم، نقطه افتراق ما و آنان را تشکیل میداد. موضع طبقاتی ما و گرایش ما به سمت حل تضادهای درون جامعه به نفع زحمتکشان (هرچند این گرایش و سنگبری جنبه کاملاً علمی نداشت، بلکه شدیداً به ایده آلیسم آغشته بود) ما را بر آن میداشت تا آنجا پیش رویم که از مبارزه بیگیر علیه امپریالیسم و لنوا ستیما رخس بگوئیم و ما تریالیسم تاریخی را در تحلیل ایمان مبنای قرار دهیم، البته روشن است که بسودن ما تریالیسم دیاکتیک قبول ما تریالیسم تاریخی معنا ندارد.

از میان روحانیون نزدیکترین فرد به ما آیت الله طالقانی بود ولی در مورد او نیز مثلاً نه کتاب "پرتوی از قرآن" او را می توانستیم مبنای کل بپوش خود قرار دهیم و نه کتاب "اسلام و مالکیت" اش را. بهر حال چون جای شرح و تفصیل این قضایا اینجا نیست از آن میگذریم و در عین حال به این نکته نیز اشاره میکنم که ما از مواضع مبارزاتی آنان هر چند بسیار اندک بود تا آنجا که در توان داشتیم و در آن شرایط ففان از دست سازمان ما که مرحله جنبینی و مخفی بودن خود را میگذراند بر میامد حمایت میکردیم. پس از تبعید آیت الله خمینی به عراق تا بداولین اعلامیه او پس از چند سال، اعلامیه ای بود در حمایت از انقلاب فلسطین و بویژه الفتح که همزمان با حج در سال ۴۷ صادر شده بود. ما این اعلامیه را ترجمه و در تعداد قابل توجهی تکثیر و پخش کردیم و این اولین کار تبلیغی ما در آن شرایط نیز محسوب میشد که تا شیر قاقابل توجهی بخشیدند و صندوقی برای کمک بطور مخفیانه در تهران ایجاد شد.

پیرا: از ضربهای که در شهریور ۵۰ به سازمان وارد

آمد، سازمان تصمیم گرفت که از پوسته محدود تشکیلاتی خود بیرون آید، رژیم را طی فعالیت تبلیغی وسیع افشا نماید و با برخی از مراجع و روحانیون و افراد مبارز و مبارزان مواضع عام سیاسی و اعتقادی خود، حمایت آنان را از مبارزین در سنجش کند، و احیاناً با تسخیر آن شود که رژیم خونخوار شاه انقلابیون اسیر را در زیر شکنجه در میدان اعدام بقتل برساند و با استفاده از کمنا می آنها و هدفشان هرگونه تحریفی در مورد افکار و فعالیتها ی مبارزاتی آنان بعمل آورد.

● آیت الله خمینی روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعائی، بهزاد نبوی و دیگران، مارا که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فربکاری" متهم کرد باند. این اتهامی است بغایت نادرست. من برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فربکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه، به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بر دیوار میکشد و مردمی نادان را میفریبت اینان نیز به فربکاری مشغولند.

در این میان خانواده های زندانیان و نهادی سازمان، نقش بسیار فعالانه و افشاگرانه ای - که تا آن زمان سالها بیباکانه بود - داشتند و مسافرتها و جلسات متعدد در قم و تهران و شهرستانها برپا کردند که بیان آنها فرصت دیگری میخواهد. در ادامه این سیاست افشاگرانه و بسیجی توده ای، سازمان با برخی از اشخاصی که در آن زمان و در جای خوب اهداف طبقاتی خود را رژیم شاه و مبارزهای داشتند تماس گرفت و آنها که مستقیم و غیر مستقیم از اهداف انقلابی سازمان مطلع شده بودند متجملاً قدم به ارسال نامه ها شای برای آیت الله خمینی گزیدند:

- یک نامه را مهندس عزت سحابی به آیت الله نوشته بود.

- نامه ای مفصل از هاشمی رفسنجانی بود که نسخه ای از آن را خودم به نجف بردم. در این نامه نویسنده نه تنها از مجاهدین خلق بلکه از فدائیان خلق (بخصوص رفیق شهید مسعود احمدزاده) بخوبی یاد کرده، حمایت آیت الله را از مبارزین خواستار شده بود. در اینجا با زهم به تفصیل موضع رفسنجانی و امثال او با یاد اشاره کنم که دقیقاً بدلیل آنکه امروز قدرت را بدست گرفته و به صف بورژوازی و فدا انقلاب پیوسته اند، مواضع گذشته خود را از یاد برده و در سخنرانیهای خود - کمونیستها و مجاهدین لجن پراکنی میکنند.

- آقای مطهری هم سفراتی شفاهی به آیت الله کرده بود.

- نامه ای مهمتر از آیت الله منتظری بود که در آن، ضمن تأیید از مجاهدین زندانی آیت الله خواسته بود بفتح آنان اقدام نماید و

البته در آخر هم تصمیم را به خود آیت الله خمینی محول نموده بود این نامه را خودم به نجف بردم. (نامه آیت الله منتظری خطاب به آیت الله خمینی را خوانندگان پیکار در جایشها - مصاحبه میتوانند ملاحظه کنند).

- اعلامیه ای نیز از آیت الله بهاء الدین - محلاتی بود که به نام چندین نفر از مجاهدین زندانی بعنوان مسلمانان پاک و مبارزین صادر کرده بود. آیت الله خمینی هیچ جواب مثبتی به آن نامه نداد.

- همچنین آیت الله قاضی در تبریز، مجاهدین

من متالیهای فراوانی دارم که همگی، بر اساس تحلیلی که در قسمت های قبلی مصاحبه اشاره کردم نشان میدهد که بسیاری از مخالفین امروز کمونیستها و مجاهدین، موضع گذشته شان را بفتح فدا انقلاب تغییر داده اند و با مسک عوام فریبی را از چهره آنان درید و حقایق را برای توده ها روشن کرد.

آیت الله خمینی و روزنامه های اطلاعات و جمهوری اسلامی و کسانی امثال هاشمی رفسنجانی دعائی، بهزاد نبوی و دیگران ما را که در آن سالها در یک سازمان انقلابی (مجاهدین خلق) فعالیت میکردیم به "فربکاری" متهم کرده اند. این اتهامی است بغایت نادرست. من برعکس، این حملات گسترده و ارتجاعی علیه کمونیستها و مجاهدین را فربکاری بزرگی میدانم که با استفاده از ناآگاهیها و توهمهای موجود در جامعه به شیوه همان کسی که بجای نوشتن کلمه "مار" شکل مار را بر دیوار میکشد و مردمی نادان را میفریبت اینان نیز به فربکاری مشغول اند.

ما پس از چندین سال کار سیاسی - تشکیلاتی مداوم و مخفی، خود را برای مبارزه ای سخت و انقلابی آماده میکردیم و در این راه خطرات و زحمات زیادی را تحمل نموده بودیم. ما بدستی معتقد بودیم که در برابر بر دشمن، که عسارت از امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه خائن بود با بد همه نیروهای خلقی را بسیج کنیم و از کلیه نیروهای که فکر میکردیم در این راه با ما هدف مشترکی دارند، یاری بخوایم.

پیکار

در حاشیه مصاحبه

آیت الله حسینعلی منتظری در سال ۵۱ مطابق با ۱۳۹۲ هجری قمری نامه‌ای به آیت الله خمینی نوشت که دلیل سرباز بیگانه‌داری "خمینی" در نامه ذکر شده و در آنجا مضمون کلمه "جراحی" (بخش وزیر نفتی) که در آن زمان معلم مدرسه بود و دوست بهجا همدین سیاسی داشت بدست آورده و چوادر فرقی دوست تا حرمز درسدان تره‌ها و شهران گذر حال حاضر است میمسی در سیاه‌ساران دارنده جارچ برده. اشخاص اخیر ما سدساری دگرگنده در گذشته افکار و نشان این سود که برای مداخله‌ی خدمتی انجام دهیم. امروز سراز دست گرفتن قدرت در دست سوزواری و عدا غلاب عراق گرفته اند و گفته‌اند سوزواری کمونسنتها و جده همدین خلق می‌زنند. امریک متنی نامه‌ها می آوریم اما کیده‌ها و یادداشت‌های داخل بر استرازا ماست.

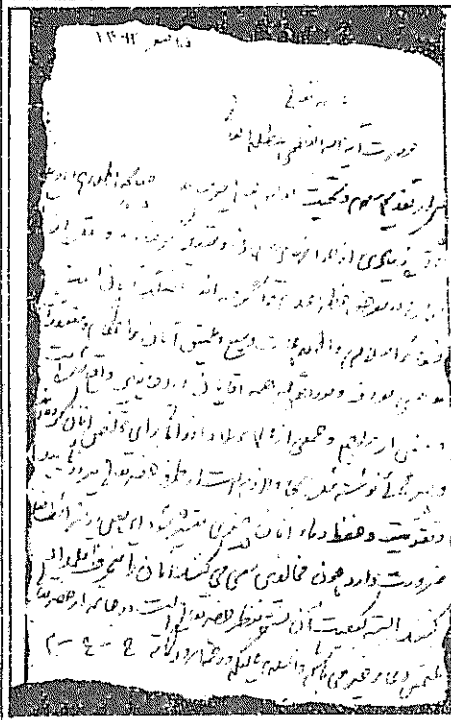
با سعه تعالی

حضرت آیت الله العظمی مدظله العالی

پس از قدیم سلام و محبت عربی عالم سوسی می‌رساند، چنانچه اطلاع دارم بعد از زیادی از جوانهای مملتان و متدین گرفتارند (حالی - کوبند) "مرگ بر ما نقیض!" او عده‌ای از آنان در معرض خطر اند! مقرر کرده‌اند (مرور در مجلس شورایی برای آنان تقاضای اعدام میکنند) "تخلیب آنان نسبت به ما کز ایالاتی و اطلاعات وسیع و عمیق آنان بر احکام و متعلقات مذهبی معروف و مورد توجه همه‌ی آقایان و روحانیون واضح شده است (آیاتی بسید حرق‌های دیروز و امروز آقایان چندریا هم‌نوا و دارد؟! این دقتها انکسار موضع طبقاتی آنان است، که در مباحثه شرح داده‌اند... اربعضی از مراجع و جمعی از علما بلاداً فدا مانی برای نخلی آنان کرده اند و جبر - ها کی نوشته‌اند، بجای لازم است از طرف حضرت عالی سوز در تان بدو تقویت و حفظ و ما آسان جبری مستر شود. اس معنی در شرایط فعلی

عنت‌سازان ما با آیت الله خمینی با توجه به سوانح غیبت او با تاه، حلب باری و پستی‌نایی او در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در رژیم تا نبود، اما آزادی و بهروزی توده‌های زحمتکش و ستم‌سیر آرزویمان "تحقق آرمانهای واقعی اسلام" را هدف داشتیم، در صورتیکه همدین‌ساز مبارزاتی آن اشخاص بسیار محدود و مبهم بود. ما بخاطر همان التقاط و دوگانگی در اندوختولوزیما، در عین حال که اختلاف سیاسی اهداف و سرنوشت‌های خودمان با اهداف آیت الله خمینی را درک میکردیم ولی نسبت به تقاطع اشراکات او با خودمان دعا و توهم بودیم، ما حتی سراز و وظایف که از خانواده‌های زحمتکش ما - حاصل شده بودند (تظلم همی آفاق دعا‌ئی) و هنوز دشمنان به سفره رنگی سر ما به داران ترمیمه بود، فرق سنگدان ستم‌سازان ناسی از با نگاه طفیاسی مان و سرکرت همان برداشتهای ناصی بود که در ما رکسیم لنتیم داشتیم. در عین حال چون ترک کاملی از تحلیل علمی و لایق‌نایی ما را نبودیم، نسبت به سرنوشت‌های ناسی و کماکی که فضا دستان با رژیم‌ها امپریالیسم در سطح محدودی برده‌جا رتوهم بستیم که مثلاً آیت الله خمینی مینواند درک و موعج ما را نسبت به سانسسل مبارزه سوزدنا شود و چنانچه بی‌تصا در دهه باری، وقتی ما به اسلام نگاه میکردیم، "جهاد" و مبارزه آنتی ناسی را بر سراز می فهمیدیم و در سراز راه خود را با هر کسی که در راه مبارزه با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌ها مبارزه کند - محموله کمونسنتها - همراهی می‌کردیم (رجوع شونده‌ها عذاب مجاهد شهید علی مهین دوست و معاله "در باره آنها ما تا اخیر رژیم" ۱۳۵۲) در صورتیکه زهان اسلام که ما آرا! اندوختولوزی خودمانی میکردیم، سربین سراسر ما هیبت طبقاتی شان در کی دگرگنده‌ها، ما مبارزه افکار متوسط و با شن خورده سوزواری تحت ستم را نماندگی میکردیم که هر روز تحت فشار سرمایه - داری و بسته، سمت طبقه کارگر را نمانده میبند در صورتیکه آیت الله خمینی شیر عزم فداش با سلطنت، فخر خورده سوزواری مرفه‌سنسی را سانسنگی میکردیم و منادی حکومتی بود که سانسوگی "ولایت فقیه" شخص میشود و به دست سراز اینها او به اصل مالکیت خصوصی بر وسایل تولید کالا اعتقاد نداشته‌ها و در محدودیتی هم نمی - تواند برای آن قائل باشد. علت اینکه کتساب اجنما دیزبان ساده "تهیه شده بیوسله سار زمان (مجاهدین) استند در بین برخی اطره‌ها را ن سار زمان ناراحتی و مخالفت بر میآید، همین مسئله تا کید آن کتاب برالیا: استنما رسود (هر چند آن کتاب، بهحقاً طرحی علمی برای حل مسئله استنما را میسوزانست اما نمانده‌ها و غشبه به التقاط بود).

در ادامه سیاسی که برای شما گفتیم در بیمن ما سال ۵۱ ما تصمیم گرفتیم طی تماس‌های بنا آیت الله خمینی، اجول نظرات و بینش خود را



خبر و در حوز مخالفین سنی میکنند. آن را بحرف علمدا کنند! مخالفین آرزو رژیم شاه بود آقایان از حوزای آرا گرفتارند و سخت‌گیرند! البته کینیت آن بسته بنظر حضرتعالی است. در خاتمه از حضرتعالی علی‌سین دعا خیر میسازد و اسلام علیکم ورحمدا لله و سرکاته ج - ع - م - (آری، آقایان! حفظ منافع طبقاتی حیا و رودریا سستی نمی‌تواند، فقیهای عالیقدر و مراجع و مجتهدین عظام، دیروز چنین میگفتند و امروز فقط میگویند "ما فریب خورده بودیم!" شما با اعتبار و موضع طبقاتی آن که در تضاد با قدرت حاکم قرار داشت، بهر خود او اندوختولوزی خود در مبارزه با رژیم‌ها در در ندادت محاهدین و دیگر انقلابیون می یافتید و غیره و میبویت به آنها میگردیدند ولی امروز سجدای آنان را "دزد" مینا میدویرای زنده‌ها شان خط و نشان می‌کنید!

با ایتان در میان بگذاریم، آیت الله خمینی و روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و رادیو و کسانیکه از بسته‌های اجنما شهیدان انقلاب برای خویش و طبقه‌شان مشورتیون ساخته، به فریب توده‌ها برده‌ها خسته، انقلاب دمکراتیک و فدا میریالیستی خلق را، هر چند موقت از بی‌شوری مانع گشته‌اند، ما را به "فریبکاری" متهم می‌نمایند و سراز می‌کنند که گویا ما در گذشته در طرح مسائل اعتقادیمان دروغ می‌گفته‌ایم! ما درک خود از اسلام را صریحاً بیان می‌کردیم. ما روی پای خود ایستاده بودیم. ما مقلد کسی در امر مبارزه‌ها امپریالیسم نبودیم. پایه‌سرای مبارزه کردن اجازه از کسی نمیخواستیم، این منطق مبارزه تبلیغاتی بود که در آن سالها هسته‌های انقلابی شکل میگرفت و هیچ نیازی هم به اجازه رهبر سفیدان نبودیم، ما زما شهسای



امپریالیسم آمریکا عربستان سعودی را مسلم می کند

پس از سقوط رژیم سربرده شاه امپریالیسم آمریکا بیش از گذشته به تقویت رژیم وابسته عربستان سعودی پرداخته است. جنگ ارتجاعی ایران و عراق فرصت دیگری بود تا آمریکا نوکران خود را بیشتر مسلح نماید و نفوذ امپریالیستی خود را در منطقه تحکیم کند. هما بطورکلی میداند که دولت کا و ترنجندی پیش چپ راه باستانی آ و اکس تحویل رژیم ارتجاعی عربستان دادند. هوا بیما ها که وظیفه اصلی شان جاسوسی در منطقه است فادریه کرد آوری اطلاعات از مسافت ۴۰۴ تا ۵۶۴ کیلومتری می باشند. بدین حال تحویل این هوا بیما ها در یک سوبت ۹۶ کارشناس نظامی آمریکا کئی برای نصب ویکارا انداختن دستگاه های رادار به عربستان رفتند و در سوبت کئی دیگر از جانب بنیاد کون جها رصد نفوذ از متخصصین موشکی های زمین به هوا به این کشور اعزام شدند البته تا گفته نمائند که در عربستان سعودی بین ۱۵ تا ۲۰ هزار مستشار نظامی و جاسوس آمریکائی وجود دارد. حدود ۲۵۰۰ مستشار فرانسوی و انگلیسی وجود دارند. این مستشاران امپریالیستی، آموزش و هدایت ارتش ۷۰ هزار نفری سعودی و سلاحهای مدرن آنرا به عهده دارند. بعلاوه امپریالیسم آمریکا اخیرا تعدادی موشکهای فدهوائی "هاوک" در اختیار فرماندار کذا شد و پنج ناو جنگی در جنوب شرقی خلیج فارس مستقر نموده است. در ضمن آمریکا رژیم وابسته خود را در این راستا مورد نظر دارد و یکصد تا یک صد و پنجاه نفر فکن های ویژه شان به اردن بدهد و اضافه بر این اعلام شده است که رژیم حسین حلال میتواند سلاحهای ساخت آمریکا را به عراق بدهد بدین ترتیب می بینیم که امپریالیسم بانکی برای بسط نفوذ و گارتگریهای خود چگونگی از موقعیتی که جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوجود آورده استفاده میکند و میکند تا سلاحها و ابزار جنگی خود را به رژیمهای ارتجاعی منطقه بفروشد. این امریکار دیکر نشان میدهد که چگونه این جنگ سه امپریالیسم سود میسراند.

سوداگری نیسیلیجاتی امپریالیسم فرانسه

اخیرا امپریالیسم فرانسه و رژیم سعودی یک قرارداد نظامی امضاء کردند. این قرارداد به مبلغ ۱۴ میلیارد فرانک (معادل ۳/۴ میلیارد دلار) میباشد. براساس این قرارداد در عربستان چپا رکنتی دوهزار رکنتی مجهز به موشکهای خودکار زمین به زمین، دو کشتی نفت کش مخصوص ناوگان نظامی بد ظرفیت ۱۷ هزار تن و همچنین تعدادی هلیکوپترهای دو فمین مجهز به تانک و موشک فذکننتی تحویل میگردد. طبق این قرارداد نیروی دریائی عربستان که از یک هزار نفر تشکیل شده توسعه یافته و مجهز خواهد شد. ایس قرارداد داخلی ثنائیه اعتراضات وزارت دفاع فرانسه سررکنترین قراردادی است که تا به کنون فرانسه با یک کشور خارجی منعقد شده است. در ماه سپتامبر امپریالیسم فرانسه قراردادی با قطر برای فروش کشتی مجهز به موشکهای زمین به زمین با برده ۴۰ کیلومتر امضا نمود. بعلاوه مذاکراتی بین امپریالیسم فرانسه و رژیم سعودی در باره امضای قرارداد برای اعطای ارض برای جهت تجهیز نیروی دریائی فرانسه در جریان است. بعلاوه چندی پیش که نیروی هوائی جمهوری اسلامی شمعی از تجهیزات اتسی عراق را بمباران نمود، عراق برای جرات از بقیه تجهیزات اتسی خود که ساخت فرانسه میباشد، موشکهای زمین به هوای "کرونا ل" را فرانسه درخواست نموده است. براحتی این جنگ ارتجاعی به چه کسائی سود میسراند؟



موضع چین در باره جنگ ایران و عراق

رویزونیستهای چینی معتقدند که ایران و عراق جنگ موجود را باید پایان دهند. مینبای تحلیل آنان چیست؟ رویزونیستهای چینی

از اینجمله حرکت نمیکند که این جنگ دارای ماهیتی ارتجاعی است و بنا بر این باید پایان یابد. آنان معتقدند که رژیمهای ایران و عراق "مترقی" و متعلق به "جهان سوم" میباشد. رویزونیستهای سدهائی از اینجمله حرکت نمیکند که این جنگ ضد مردمی برای کارگران و زحمتکشان دو کشور فقر، فلاکت و گرسنگی بسیار میارود و بنا بر این باید قطع شود. آنان هیچگاه به منافع ترده ها نمی اندیشند، آنان همیشه از منافع بورژوازی حاکم در این کشورها حمایت میکنند. رویزونیستهای سدهائی از اینجمله حرکت میکنند که امکان دارد این جنگ باعث تضعیف نفوذ امپریالیستهای اروپائی و آمریکائی در ایس کشورها شده و نتیجتا سوسیال امپریالیسم نوری نفوذ کم تر شده بتری پیدا نماید.

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ ...

رها تبلیغ ما رکیسم لنینیسم را نتوان با مسازات توده ها در هم میزند که این تئوری بقول انگلس "به گوشت و خون توده ها وارد نشود" پس تبلیغ برای رخنه در توده های وسیع برای وارد کردن تئوری مارکسیسم به گوشت و خون توده ها از طریق شوکت فعال در مبارزات سیاسی و اقتصادی توده ها، پاسخ صحیح به مسائل مبارزه طبقاتی و بطور کلی برای رهبری این مبارزات ضرورت حتمی دارد و چنانکه بعدا خواهیم گفت تبلیغ از دیگر وظایف عملی می بایستی بیشتر در توده های وسیع رخنه کند و آنان را بسوی مارکسیسم و راه طهای انقلابی آن جذب نماید.

بیش از آنکه تئوریا ت لنینی تبلیغ را بشکافیم و قانومندی ها، تبلیغ را بررسی کنیم، لازمست بیک نکته اشاره کنیم: از آنجاکه تبلیغ برای تاشرکذاردن و جذب توده های وسیع، ابزاری مهم و حیاتی است، نتنها کمونیستها، بلکه سرمایه داران و اواسولا نمایندگان سیاسی کلیه طبقات در سراسر جهان همواره به آن توجه فراوان میدارند داشته اند. تنها می طبقات جامعه همواره کوشیده اند، پاسخ خود را به مسائل مبارزات طبقاتی توده ها از دیدگاه منافع طبقاتی خودشان بدهند و بطور کلی ایدئولوژی طبقاتیشان را بنیان توده های وسیع ببرند، تا حاکمیت طبقاتیشان را ممکن سازند. مثلا طبقات استعمارگر در طی تاریخ همواره کوشیده اند تا با تبلیغ خود، مبارزات طبقاتی توده ها را به سبب کشند و آنرا در چهار چوب منافع طبقاتیشان بکار بگیرند و در این راه از یک سو

بصدا از معجزه ۱ باز هم...

«ما مجبور بودیم جنگ برادری کنه... با سل بنده کاری همسدا جا رد بدهیدد بنا سدوما از بین اسکا را کرده ایم و بنا سد حدود جدید دعوت نده اند.» (انقلاب اسلامی ۱۹ مهر)

اکنون کارگران و زحمتکشان ما از خود می پرسند: چرا رژیم جمهوری اسلامی این سرسیردگان امیرالاسم را رد بکره خدمت در ارتش نوا میخواهد؟ سرما همداران هر دو کشور ایران و عراق برای دفاع از منافع خاص خود سما مدسکا همای سرکوبگر خود را در جنگ کموسی بکا رکوفه اند. برای آنها از سن رهن هزاران نفر از زحمتکشان دو کشور کوجکس اهنمنسی ندارد. آنچه که اهمیت دارد، دفاع از منافع طبقاتی خود در مقابل سما همداران کسور دسکراس در ضمن رابطه مسوان کفب که رژیم جمهوری اسلامی برای نامطلاح "دفاع از زمین" نامدرواح دفاع از منافع خود، از فرما ندهان مردور اراج بنده دعوت کرده است که در جنگ سرکب کند و البته که آنها سربا جان و دل سن ندهان کار داده و جا همداد. چرا که این مردور - ان برای هموار کردن راه بقودکامل امیرا - لیسما جراهی جرحمدت کردن به سوز و آزی ندارند. حال ما بوجه دیوار دتوی رژیم جمهوری اسلامی بخصوس سنی صدروحمسی از دعوت فرما ندهان مزدور ارتش باهی بکا رکفد و همدت دارند:

۱- بعویت و بازاری کا مل ارتش آریامپری: رژیم جمهوری اسلامی بواسطه جنگ ایران و عراق فرصت مناسبی برای بازسازی کا مل ارتش آریامپری بنده آورد و دست همه مناسا، اعراضات و راهیما نینها و نظا هرات زحمتکشان و خصن برسلا انقلابی ارتش در مسجدا سگاه سهران را بیا دداریم و میداسیم که از حملنه حواسنها آنها اراج و محازات اسبران و فرما ندهان جنا بکتا را ارتش آریامپری بودا ما رژیم جمهوری اسلامی در باج به خوا سنها مردم و برسنال انقلابی، آنها را دستگیر و زندانی کرده و برسلا مبارزان ارتش اراج کرد و در مقابل تیمساران مزدور و سرسیرددهای همچون مدسی، فرید، علوی، ظهیریزاد و فلاحی را در بستنهای فرما ندهی خودشان ایفا، نمود. مردم زحمتکس ما می پرسند اینان در زمان حاکمیت ما چگونه به مقامات "تیمساری" رسیده اند، آیا بجز از راه قتل عام خلقهای زحمتکشان ایران بدستور سا هو خدمت مستقیم به امیرالاسم آمریکا میتوا سنند به چنین مناصبی برسند؟ مگر همین فلاحی نبود که در سخنرانی ان در دادگاه سنگده آفری به ما ریخ ۵۸/۴/۸ گفته بود:

"ما با بدوا بسنه به آمریکا با سیم زیرا وسایل نظامی ما وابسته به امیرالاسم آمریکا می باشد و ما اصلا نمی توانیم غیر متعهد باشیم." (هفته نامه سربا زوا انقلاب شماره ۹)

آیا حسین مزدورانی می توانند از زحمت - کسان و صنایع آنها دفاع کنند؟ مگر همینسن "ظهیریزاد" نبود که با همدستی "جعرا ن" خاشن خاشها و سا واکینها را در گردستان بر علیه خلق کرد و صلح میکرد؟ در این رابطه منسی که ملاحظه میکنید تمسلی از نا مه ای است که "مهدوی بهادران" فرما نده آیت الله خمینی" به گردستان برای او فرما نده است:

"بعضی از ادا له و نوا هدر دست است که در گردستان و آذربایجان غربی یک توطئه در موز در جریان است زیرا فو دا الهیا و مالکینی که در رژیم گذشته ما مل اجرائی ما در منطقه بوده اند توسط افرادی نظیر آقای دکتر جعرا ن، ساسا رظهریزاد، فرما نده لسکر ۶۴، سرهنگ شهبا زیان و سایر فرما ندهان ارتشی و زاندار امیری تاسن - د ندهان ملخ نده اند." (با مداد ۵۹/۷/۲۶)

انسان بورجمنان آقای حمینی و منصوب انسان همدونان ما ما محاسباتی که حد قبیل ارمنیا بند سوز رژیم سرسیرددها و حه سدا زمام بند سوز جمهوری اسلامی احام داد و انداز خود - ما مرسن اصرا ن سا هسا هی در سردر رژیم جمهوری اسلامی و محبوب آیت الله خمینی می باشند.

اکنون سنی صدرا لیدها مواضبت آیت الله خمینی آند سدا رجا نیکاران ارتشی که در جاتابان سرهنگی نوسند سست، بنده خدمت فرا جواد نده اند. با در جنگ ایران و عراق سرکب کند، و بتول اسبا "جربست خود را با سست نماند زحمتکشان ما می برسند که جلادان در روز خلقهای ایران با دستهای ما مری آ نوده خون زحمتکشان امروز کجونه مسوا سدا کینان "حر" و با کسره کرده، بنده ما مینا، فرسی بسن سست رژیم جمهوری اسلامی با اس سلسعات عوام سربا سده جود مسخوا هدا رسن آریامپری را برای سرکوب و کسرا رخلقیها، و نسر و ههای انقلابی بقوسسب و نسبت نماند.

۲- کسرا سربا بدر زحمتکشان عراقی بند سست جنا بکتاران اراج سدا ز ارتش

رژیم بعشی عراق با بمباران مناطقی سگونی، مردم سد دفاع مناطق جنوب ایران را بیلکت می رساند. رژیم جمهوری اسلامی نیز بتلافی آن، از قسی القلب ترین جنا بکتاران خدمتگزارها را خاشن برای کسرا رژیم کسنان عراقی کمک میکند. چون رژیم میداند در خاشی که جان هزاران نفر از زحمتکشان ایران در قتل از قیا برای این مردوران سبیری ارتش ندهان جان زحمتکشان و خلقهای عراقی نیز کوجکترین ارتشی در بین اینان نخواهد داشت. و از آنجا که برسلا انقلابی ارتش از سن دادن به اسن جنگ و ادا هکسرا رخلقیهای دو کشور خودداری می کند پس برای کسرا ره جده و سبعتر زحمتکشان عراقی رژیم از فرمان و طلبانان اراج شده وابسته به امیرالاسم کمک میکند.

حال زحمتکشان ما می پرسند مگر این افراد

اخراج شده حتی بزم خود رژیم جمهوری اسلامی "سا واکینها"، "فدا انقلابیون"، "وطن فروشان"، "خاشین به خدا و خلق" و "مفسدین فی الارض" نبودند؟ کربودند چرا تا بحال اعدا مبنده اند و چرا با رد بکسرای خدمت در ارتش و جنگ با عراق و برای با صلاح دفاع از زمین بخدمت فسرا - خوانده شده اند؟ شرکت جنا بکتا را ن اراج شده ارتش سا هسا هی در این جنگ دلیل دیگری بر ما هسا ارتجایی و غیر ما دلانه آن می باشد. برای زحمتکشان ما بکا رکفدن این عنا صر مسز دور توسط رژیم جمهوری اسلامی امری طبیعی است. چرا که رژیم برای سرکوب نوده ها و انقلاب نیازمند کمک این جنا بکتا را ن و مزدوران سرسیردده امیرالاسم می باشد.



ملا امیرا طوران برده دار با فو دا ل بنا ری سلخ انده "نرزی الهی" خود سربیده ها و رعینها با ن از ناس خود نما با نه و سرکوبه و خلال و سراز مساک مذهبی سودمی حسند. رزده های توسط اطرا ن لکسرا با ن، لسا نه ای طلائشی و سرزری و سوز، حسنیای روانسان که بر دوش بردگان حمل مسد، کا خهای عظیم و افسا بهای - سان و معبدنهای حرب اسکیزی که مساختند، در حبس برای رخنه در زمان نوده ها، برای وارد ساجن اند در سرتی آبان بند رعینها با ن، برای وارد کردن احساس برین، ارعاب و احترام هراسناک بنده س اخلاط طبقاتی خود با زحمتکشان، به کوس و خون نوده ها بود، در این راه طیف سنا ب اسما رکارا ز مذهب، مساک و عبادات مذهبی هرا سنا س، محسما ساری، سیماری، موسیقی خطا بو... ادا سنا ب، رزده های نظامی و ... اسفا نده میکند.

همس مثلده میم که همه طبقات و ارحله بوز و آزی میکود سنا ب خود را به مسائل مبارزه طبقاتی نوده ها با کوس و خون آنها در هم آمیزد ضرورت شرکت فعال در تبلیغ را برای کوسسب - ها سجدان مسکسدا صولا بدون شرکت فعال در امر تبلیغ نمی توان ادعای شرکت فعال در مبارزات طبقاتی نوده ها و بسن آن ادعای رهبری مبارزات طبقاتی آنان و تحقق آرمان سوسا لیسما را داد.

تبلیغ از آنجا که برای جذب نوده های وسیع است می بایستی مسائل نوده ها را نیز کا ملا در نظر گیرد. تبلیغ برای آنکه با نوده ها در هم آمیزد، می بایستی غرایز طبقاتی و احساسات منفیر نوده ها و سنا زهای آنان را بشناسد و آنرا در نظر گیرد و اینهمه را در متن منافع استراتژیک نوده ها با بدنا نجا مدهد. بی آنکه بد سنا ل جریان خود بخودی نوده ها بقفتد و با از آنان منفرد شود. ما فا نونمندی های تبلیغ، و انحرافات سنا سات رویزونیستی و آنارشیستی در تبلیغ، انبوع تبلیغ و انحرافات مربوط به آن، مشخصات تبلیغ و رابطه تبلیغ با ترویج و سنا زاندهی را بتدریج در سنا ره های سدی بیکار خواهیم آورد.

ادامه دارد

منتخبان ۵۶ برای کردستان یا برای مرز؟

طبق گفته بعضی از منتخبان خدمت سال ۵۶ که برای دیدن دوره آموزشی به تهران آمده اند رژیم تصمیم دارد تا عده ای از آنان را برای جنگ در کردستان بفرستد. این تصمیم جنایتکارانه رژیم باعث شده تا یکسری از افراد منتفی فرار کنند. رژیم حاکم یکدم از سرکوب جنبش خلقهای ایران و از جمله جنبش خلق قهرمان کردستان غافل نمیشود. رژیم در جنوب سرپازان راه پوست دم - توب تبدیل کرده و برای جان آنان هیچ ارزشی قائل نمی باشد و در کردستان به ارسال نیرو دست میزند تا جنبش خلق کرد را سرکوب نماید.

فرمانده نیروهای "جریکی" ارتش جمهوری اسلامی کیست؟

رژیم برای مقابله با ارتش ارتجاعی عراق در غرب کشور یک نیروی جریکی ایجاد کرده است فرمانده این نیروها تیمسار ملک نام دارد. این فرمانده مزدور ارتش شاه، در سرکوب خلق قهرمان عمان مستقیماً شرکت داشته و از فرماندهانی است که همراه ارتش آمریکا بی شاه به ظفار رفته بود و بعداً رقیب نیز از طرف رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب خلق قهرمان کرد، به فرماندهی عملیات میا با دگما رده شده بود تا از تجربیات ضد انقلابی خود برای کشتار زحمتکشان کردستان استفاده کند.

آبادان ۵۹/۷/۱۹

ادامه جنگ هر روز بیش از پیش فاسد رژیم جمهوری اسلامی و مردم را بیشتر میکند. با گفتگو - هائی که با کارگران و زحمتکشان داشتیم انزجار خود را از جنگ بیان میکردند و رژیم را عامل بروز آن میدانستند. در میان زحمتکشان گروهی هستند که بخواهند طسرن آکا هسی در اثر اوضاع نابسامان کنونی، کرابیاتی به وضع گذشته بیدار کرده اند که این امر وظیفه نیروهای انقلابی و بیوزده کمونیستها را در دادن آکاهی و افشاکری بیشتر و بیشتر می کند تا زحمتکشان با بریدن از رژیم جمهوری اسلامی بسمت انقلاب کشیده شوند.

اهواز

بدنبال بروز جنگ بین دو دولت ایران و عراق عده ای از نمایندگان با صلاح مردم بطرف خوزستان سرازیر شدند. آنها در بحثها و مصاحبه های تلویزیونی خود در اهواز با انواع توجیحات غوا مغریبانه برای تطهیر ارتش آریا مهری و جا - دادن آن در دل مردم متوسل شدند و در همینجا موضع ضد مردمی خود را بخوبی منضحی کردند. خا منتهای این با صلاح نماینده مردم و سردمدار حزب معلوم الحال جمهوری اسلامی و نماینده امام در وزارت دفاع و ایضا امام جمعه

منتخبی از اخبار جنگ

تهران و همچنین معاد میخواه، اپین عنصر جلا د و قاتل، در مصاحبه تلویزیونی خود در اهواز می گویند: "مردم مسلمان و متعهد ما در شهرها دست خالی واللله اکبر در مقابل ارتش عراق ایستادگی می کنند. فقط عده ای عیاشی و خوش گذران شهرها را تخلیه میکنند و... همین جمله برای بیان خصلت ضد مردمی اینان و همپالکی - هایشان گویاست این مرتجعین، مردم بی دفاع را که حاضر بر شرکت در جنگ غیر عادلانه نیستند و به ناچار مجبور به ترک شهر شده اند، مثنی عیاشی و خوشگذران مینامد. در حالیکه خود جرات نزدیک شدن به خط مقدم جبهه را ندارند، از آنها میخواهند که تن به شهادت بدهند!

اهواز ۵۹/۷/۲۰

در حالیکه مردم بی اترسیمباران شهرها تاجر به ترک شهر و دیار خود میشوند، را دیوا هواز و رادیو - های خوزستان مرتب اطلاعیه ها در کرده و بسنه مردم اخطار می کنند که هر کس شهر را ترک کند، با قوانین زمان جنگ با وی رفتار خواهد شد ادارات اطلاعیه میدهند و میگویند هر روز حضور و غیاب کارکنان به استناداری تسلیم میشود با غائبین همانند زمان جنگ رفتار میشود!

دزفول ۵۹/۷/۱۶

در اثر اصابت سه موشک زمین به زمین منطقه بزرگی در کوه خرسند که ۲۰ خانه در آن زندگی میکردند بکلی ویران شده است و بیش از ۶۰ نفر کشته شده است. این محله از قسرنشین ترین محلات دزفول است. بسر خرد سالی که خانه عموبش ویران شده بود میگفت: "همیشه فقیر فقر در جنگ کشته میشوند." در این ناحیه تنها یک خانه کوه کد

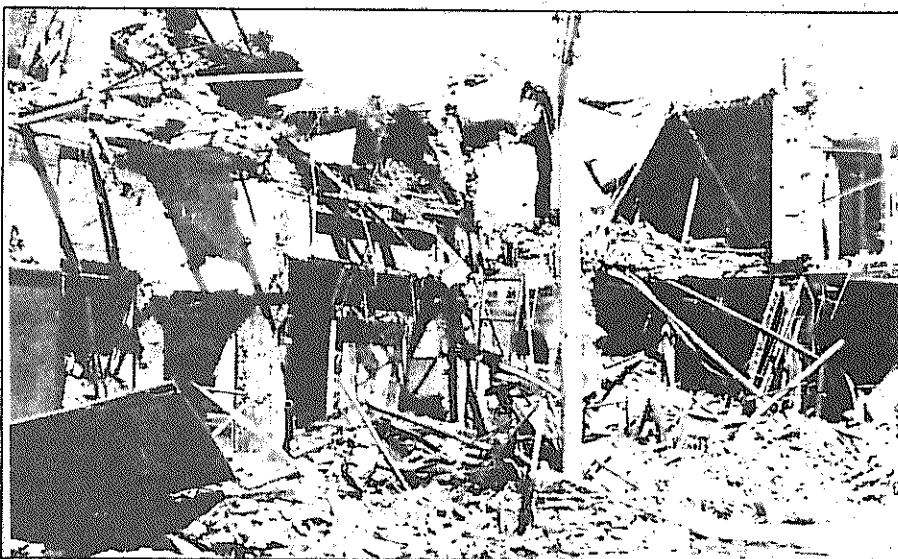
زیر زمین داشتند و واقع جان سالم بدر برده بودند. این مسئله نشان میدهد که اگر مردم ما از وسائل ایمنی برخوردار نبودند تلفات بسیار کمتری بود. اکثر مردم دزفول شهر را ترک کرده - اند و کسی در سنگرها دیده نمیشود. پاسداران دائم از مردم میخواهند که زیر لوای مساجد مسلح شوند. مردم زحمتکشی که در شهر مانده اند با کمبود هایحتاج روبرو هستند. آنان در هر برخوردی نفرت خود را از جنگ نشان میدهند.

شیراز ۵۹/۷/۲۰

آبادانی های رانده شده از خانه شان، در ادامه جنگ تحمیلی و ارتجاعی دست به افشا - گریهای وسیعی زده و نفرت خود را از رژیم و جنگ غیر عادلانه نشان میدهند.

مقامات محلی با وحشت از این فعالیت افشاکرانها که تا تیر زبانی روی مردم میگردد دست به اقدامات گوناگون زده اند سیاه باسداران اطلاعیه داده و آنها را "فراریان از جنگ" نامیده و گفته عده ای از آنان را دستگیر کرده با ستم و "هتدار" داده که "گول آنها را نخورید" که "بناها نوکران حلقه بگوش امیرالاسم آمریکا هستند" استنادار مصاحبه کرده و گفته که فقط خا نواده ارتشیان را جا میدهم و "ما جمعه" مرتجع در نماز جمعه از مردم خواسته که به "روی زبانی این - ها تف بیابند از بد" این نمونه ای از رفتار غیر انسانی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی است کسانیکه با هزار مصیبت خود را از زیر سیمارانهای ارتش ارتجاعی رژیم یعنی عراق نجات داده و آواره شهرها گشته اند.

منطق رژیم ایست، در شهر سیدفا عثمان بما نشد اگر کشته ندیدند شهید هستند و به بیست می - روید اولی این مرتجعین که لالائی بلند معلوم نیست چرا خودشان حواسان سی برد!



بهره برداری عوام فریبانه رژیم جمهوری اسلامی از جنگ غیر عادلانه کنونی را افشا کنیم!

بفیه از صفحه ۲۴ یادداشتها...

به ۳ سودینی صدور ترکیب فعلی در شرایط فقدان جبران ۵ به ۳ سود حزب جمهوری و در شرایط حضور ۴ و ۴ مساوی است (و این همان چیزی است که احتمالا ولایت فقیه طبق گفته سید صدر بر بینه دوی افروخته است. اگر چه کماکان سنی صدر بعنوان رسمی فرمانده کل قوا را دارد! ما فرمان آیت الله خمینی هرگونه امکان فرماندهی واقعی را از او سلب کرده است. این مسئله را هاشمی رفسنجانی نیز در مصاحبه خود تصریح کرده است:

"س: آیا این درست است که آقای رئیسی جمهوری دیگر تنها مسئول ورئیس ارش نیست؟ ج - هاشمی رفسنجانی: "جنگ را الان باید شوری. عالی دفاع اداره کند" (انقلاب اسلامی، ۲۲ مهر)

جالب اینجاست که طحوی منکک گوشه های آقای بنی صدر به حزب جمهوری نیز گرفته شده است، چرا که فرمانده کل قوا را بنا بر این بخش مصاحبه ها و نظایاتش از شورای عالی دفاع اجازه نگردد (طبق فرمان آیت الله خمینی). بدست آوردن یک امتیاز (تحرکز) او درست دادن یک امتیاز دیگر (تعمیر ترکیب شورا) او گرفته شدن فرماندهی واقعی کل قوا از بنی صدر را در سخنان فلاحی مینوان بخوبی دریافت. او از یک طرف با دل سردی گفت:

"من بعنوان یک عضو نظامی این شورا در گذشته وظایف خودم را انجام میدادم و در آینده هم بعنوان عضو این شورا به آن وظایف ادامه میدهم."

و از طرف دیگر ضرورت تحرک و اتحاد قدرتی برای حرف شنوی ارگانهای تازه حزب جمهوری را ضروری میسورد:

"من حضور تورا را بر اساس این اصل کسبه نظارت مستقیم و هماهنگی و همکاری نیرو - های مختلف مردمی را در منطقه تا مبین میکند. بسیار ضروری و مفید میدانم."

(انقلاب اسلامی، ۲۲ مهر)
فرمانده سیاه پادشاهان نیز وجود این شورا را عاملی برای تحقق وحدت کلمه (و جسد ت لیسرا لیا و حزب جمهوری) تا شید کرد.

شورای عالی دفاع در حقیقت ممالحه دیگری بین جناحهای رقیب در هیئت حاکمه بود که هماهنگی بیشتری میان این جناحها ایجاد کند. اما بهر صورت دعوا بر سر سرکردگی و اعمال رهبری در سابقتهای هیئت حاکمه همچنان بر جای خود باقی است و ما! از این پس هم کش و قوسهای باز هم بیشتری را میان جناحهای رقیب شاهد خواهیم بود.

نیچ نکته در سخنان بنی صدر

نکته اول: بنی صدر، جنایتکار جنگی

آقای بنی صدر در سخنان خویش در هفته

گذشته، ما هیت بورژواش را هر چه بیشتر آشکار ساخت او در مصاحبه تلفنی با تلویزیون گفت: "در صورتیکه عراق به بمباران شهرهای ایران ادامه دهد، از مردم عراق خواهیم خواست شهرها را ترک کنند تا جواب آنها را بدهم." (کپهان ۱۹ مهر)

بدین ترتیب آقای بنی صدر اعلان کرد که مناطق مسکونی عراق را بمباران خواهد کرد. ما در اینجا نمیخواهیم این حقیقت را که تا کنون رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق مناطق مسکونی کشورهای یکدیگر را بمباران کرده اند، با زگو کسم، فقط این! اعتراف بیمی صدر را افسا می کنیم.

آقای سنی صدر، بمباران مناطق مسکونی یک جنایت عظیم است که از قتل هیتلر هابرمایت بدین اقدام جنایتکارانه بنما در تاریخ ثبت خواهد شد. شاید بگوئید ما از مردم خواستیم که شهرها را ترک کنند. آقای سنی صدر شهرها را مردم عراق ترک کنند که چه شود؟! واره بینا بنها شوند، از سی خانمانی و گورسکی. وی غذایی تلف شوند، از آن گذشته، و مسائل زندگی خود را که نمیتوانند بپسند. بمبارانهای شهرها حتی اگر بپذیریم که مردم شهرها را ترک کرده باشند، (که عملا چنین چیزی نیست) برای زحمتکشان عراق بضمیمه خانمانی، آوارگی و از دست دادن کلیه هستی زندگیشان تمام میشود. جدا دستان در دستگیرند و روی بسیاری از جلادان تاریخ را سفیدی کنید.

نکته دوم: بنی صدر رژیم را رسوا میکند

آقای بنی صدر در همان مصاحبه گفت: "رژیم سخت شهرهای... و سردست در کردستان را بمباران کرده اند که موجب خرابیهای شد" (کپهان ۱۹ مهر)

گذشته از آنکه رژیم ایران سیرتا کنون بارها کردستان را بمباران کرده و اخیرا نیز در کنتار رژیم بعث عراق خلق کرد را بمباران نموده و سپس بگردن ما شستهای سخت انداخته است. کاری نداریم، فرض کنیم بمباران اخیر بدست کارفا شستهای سخت بوده است (در دو هفته اخیر هم میگهای عراقی و هم فاشتهای جمهوری اسلامی خلق کرد را بمباران کرده اند) آقای بنی صدر، شما، آیت الله خمینی، حزب جمهوری اسلامی و خلاصه همه جناحهای رژیم مگر بوق و کرنا بریداشته بودید که پیشمرگان دلاور خلق کرد با عراقیها در ارنما طند؟ پس چه شده است که اعلان میکنید سردشت را عراق بمباران کرده است.

مگر سردشت زیر کنترل پیشمرگان دلاور گرد نیست، اگر سا زمانهای انقلابی چون کوهلند طبق ادعای دروغین شما با بعثتها در ارتسا ط بودند، پس چرا عراق مناطق زیر کنترل این قهرمانان را زیر آتش بمبارانهای خود میگيرد؟ آقای بنی صدر، خود خویشتان را رسوا کرده است.

نکته سوم:

بنی صدر، ارتش عراق را تطهیر میکند

بنی صدر در مصاحبه اش (انقلاب اسلامی، ۲۵ مهر) میگوید:

"حساب ارتش عراق را هم با حساب رژیم صدام حسین کاملاً جدا می توانیم."

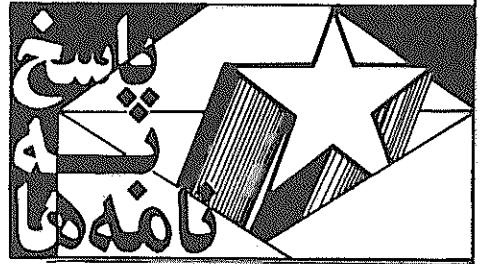
آقای بنی صدر همانطور که حساب ارتش ضد خلقی ایران از حساب رژیم جمهوری اسلامی جدا نیست و کل رژیم جمهوری اسلامی با تفاق تمامی ارگانهایش از جمله ارتش، عاملین واقعی کشتار کارگران و زحمتکشان و خلق کرد، ترکمن و... ابزارهایی برای سازای سیستم سرمایه داری وابسته اند، همینطور هم حساب ارتش ضد خلقی عراق هیچوجه از حساب رژیم ارتجاعی بعث جدا نیست و میباید هیئت حاکمه عراق (و از جمله ارتش) عامل کشتار کارگران، زحمتکشان و... خلق کرد عراق و جنایتکارانی هستند که مایهات خلقهای عراق را استنما و کرده و کسار میکنند.

درست است که سربازان ارتشهای ایران و عراق فرزندان زحمتکشان دو کشور هستند، اما ارتش سیستمی جهشی و ضد خلقی است و همواره در حساب سرکوب طبقات استنما و گور علیه زحمتکشان بوده است. این ارتشها مدخلقی هستند، چرا که در جهت منافع سرمایه داران دو کشور سرکوب و کشتار میکنند، طبیعی است اس ارتشها از زحمتکشان تشکیل میشوند و همانطور که همه ارتشهای جهان در تمامی حوامع طبقاتی از زحمتکشان نا آگاهانه تشکیل یافته اند، سیستم هدایت و کنترل ارتش تعیین کننده ما هیئت ارتش است و اینکه در خدمت کدام طبقات قرار دارد و نه وجود زحمتکشان نا آگاهانه تشکیل دهند. این ارتشها که همیشه گوشت دم توب ارتجاع هستند.

نکته چهارم: بنی صدر ملک حسین را بخدمت در راه خلق فرا میخواند

در همان مصاحبه آقای بنی صدر میگوید: "اینجا (منظور ملک حسین است) تا زود است اگر از ما و از قبا یح پند بگیرند و بسوسی مردم خودشان برگردند دوست از نوکری اسیر قدرتها برده اند." (انقلاب اسلامی، ۲۵ مهر)

جنا ب بنی صدر، با دمان هست که چگونه آیت الله خمینی در قریل از سال ۴۲ و با زرگان، جبهه ملی و دیگر لیبرالها حتی در سالهای ۵۶ و ۵۷، شاه را تحسین میکردند، اما شاه مزدورستانه ما هیت طبقاتی یعنی وابستگی به امپریالیسم آمریکا، جنایتکار روخا ش بود و نمایح آنچنانی جز آنکه خاک در چشم توده ها بپاشد و امکان بازگشت شاه مزدور را به غلظت برای توده ها تبلیغ کند و جواب لای جرح مبارزات انقلابی توده ها بگذارد تا شیری نداشت، شما



رهنمود ما در قبال مسئله کوچ مردم جنگ زده خوزستان

رفقا! تعدادی نامه بدستمان رسیده است که در آنها بر سریده شده است، دربار مسئله کوچ مردم از خوزستان، رفقای ما و ادارات سیاسی را با بدترین گیرند.

رفقا! کوچ مردم زحمتکش خوزستان به شهرهای دیگر نه از روی بزدلی و زبونی، بلکه به دلیل بیزاری و بی اعتنائیمان نسبت به این جنگ ارتجاعی است. کوچ مردم از مناطق جنگ زده نشان میدهد که شمار ما سنی بر محکوم نمودن جنگ ارتجاعی، بیاحتی در میان زحمتکشان مناطق جنگ زده، قابل تبلیغ است. خودتوده ما نیز این جنگ را محکوم میکنند. این حرکت مردم نشان دهنده خط بی‌لانی است بر شعراهای رویزیونیستها، سوسیال شوونیستها و کلیه دفاع طلبانی که انتظار داشتند مردم در این جنگ دست به مقاومت مسلحانه بزنند.

اما وظیفه رفقا در قبال توده‌های کوچ کنده: ۱- رفقا با بدترین توده‌هایی که کوچ می کنند بیشتر تبلیغ را علیه جنگ برآوردند چرا که اینان از آماج دگی ذهنی بیشتری برخوردار هستند.

۲- رفقا با بدترین اسامی مادی گوناگون به توده‌های کوچ کنده بخصوص سکنای آنها در شهرها بی‌گناه آمده‌اند، با تمام قوا بکوشند ۳- رفقا باید شعار "مسکن برای کوچ کنندگان" را در میان آنان برده و ممانده انقلابی هتل‌ها و مراکز عمومی و سکنای کوچ کنندگان را در آن‌ها تبلیغ نمایند.

۴- رفقا با بدترین فدا انقلابی افرادی نظیر آیت الله دستغیب که در شیراز علیه کوچ کنندگان سخنرانی کرده و آنان را "فراری و ترسو" خطاب کرده و از مردم خواسته است که به کوچ کنندگان خانه ندهند، افشا کنند.

۵- رفقا با بدترین اسامی هر چه سریعتر گزارشات و اخباری که در مورد کوچ توده‌ها بکوشند و توضیحات خود را در مورد علل این کوچ و عکس العمل توده‌های شهرمان که کوچ کنندگان به آنجا رفته‌اند بنویسند.

موفق باشید

رفیق شیرکو

پیشنهادت در مورد انتشار نشریه برای سربازان ارتش و فعالیت بیشتر در میان ارتش مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نامه‌ای از یک مادر

نامه‌های محبت آمیز و در عین حال پاکله و نکایت از ما در عزیزی بدستمان رسیده است ما ضمن درج بخش‌هایی از نامه، جواب آنرا نیز درج می‌کنیم.

ای بیگار عزیز: با روزهای سختی و مشقت فراوان بجه بزرگ کرده‌ام. ۴-۳ دختر که با زحمت فراوان بزرگ کرده‌ام خودتان میدانید بزرگ کردن بچه قدر سخت است. الان اینها وقتی که با یاد دست من بگیرند به من برسند، بول بیاورند. نان بیاورند و خلاصه به وضع من برسند... ۲، چهار بار برای سرم‌خانه درست کردم و هم‌هانش را دادیم بیگار ۱۲ سال است با زحمت و مشقت زیاد دختر بزرگ کرده‌ام اما مال می خواست معلم بشود و برای من بول بیاورد که بخاطر بیگاری بودنش اخراج کرده‌اند. یک خانه کوچک دارم. صبح میشود در راه می‌زنند یکی از اینجا دوتا از آنجا و غیره می‌آیند وقتی می‌برسم با که کار دارم می‌گویند: (بیگار)... یک سرو عروس دارم که بیگاری نیستند می‌گویند اینها کیست و آنها همه من خرج نمی‌دهند می‌گویند برو از بیگار بگیر، نمی‌دانم. به‌صفت نفت بروم. صف گوشت بروم یا نان و بچه‌ها هم هم‌شان برای بیگار کار می‌کنند و به من نمی‌رسند. شما برای کارگران - زحمتکشان و مردم کار می‌کنید، من راهم به جای یک زحمتکش بگذارید و به درد من هم برسید...

الان تا بستان است من می‌روم با رک و بیرون می‌نشینم فردا که زمستان شدن چکار کنم به حال من فکری بکنید... یک شوهر بیرونی کار دارم که چهار رده سال است که در خانه نشسته است و هر وقت بچه‌هایی بیگار می‌آیند می‌روند می‌گویند اینها کی هستند و از این سؤالها و به هیچ کس هم در دودلم را نمی‌توانم بگویم به جز شما، در ضمن من میدانم که شما آدم‌های خوبی هستید و به شما اعتماد دارم من شما را از خیلی از ملامت‌ها ترجیح می‌دانم و این را هم میدانم که شما به هیچ کس نظری ندارید و همیشه کم می‌خواهید و زیاد کار می‌کنید. ولی من به آن شوهر بیرون چه بگویم و مردم که چیزی حالیشان نیست هر حرفی داشته‌ام به شما گفتم یا بیدیه در دامن برسید.

ما در عزیز: ضمن تشکر از نامه محبت آمیزت در پاسخ به آنچه نوشته‌ای چند نکته را ذکر می‌کنیم: اول از اینکه فرزندان نشان در سنگراسان این چنین فعالانه مبارزه می‌کنند بخود افتخار می‌کنیم.

دوم از اینکه شما نیز با آنها در راه فعالیت‌های انقلابی همکاری می‌کنید، نیز بخود می‌بایم. سوم ما در جان! همانطور که میدانسی، کمونیستها جز منافع طبقه کارگر و زحمتکشان، به چیز دیگری فکرمی‌کنند، بنا بر این نمیتوان

توضیح چند نکته مهم

۱- رفقا! در ارسال پاسخ به پرسشنامه بیگار ۷۲ با آنکه سه هفته از آن میگذرد بسیاری از رفقا در پاسخ دادن تاخیر کرده‌اند. البته مسئله جنگ ایران و عراق و وظایف سنگینی که در این ارتباط بردوش رفقا قرار دارد، باعث گردیده تا مسئله پاسخ به پرسشنامه تحت الشعاع قرار گیرد، ضمن اینکه بین دلیل تاخیر موجه است، اما نباید مانع از آن گردد که رفقا نسبت به وظایف دیگرشان، از جمله پاسخ به پرسشنامه، سستی به خرج دهند. با ردیگری یادآوری می‌کنیم که رفقا هر چه زودتر پرسشنامه را با پاسخ دهند و برای ما ارسال دارند. در عین حال از کلیه رفقا می‌خواهیم تا در مورد تغییرات وارده در بیگار از شماره ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ترکیب محتوای شکل و زبان آن نیز نظرات خویش را ارسال دارند. بویژه نظر کارگران و زحمتکشان در این باره از اهمیت خاصی برخوردار است. چه ما در این دوره جدید فعالیت "بیگار" سعی کرده‌ایم در توده‌های ترمودن شریه بطور همه جانبه بکوشیم. بیگار شما راه‌های نامیده میشوند با مملکت قضاوت شما قرار گیرد.

۲- رفقا در ارسال اعلامیه‌ها، تراکت‌ها، نشریات محلی و فابریک برای "بیگار" بصورت فعالتر اقدام کنید تا ما بتوانیم گزیده‌های آن را در "بیگار" منعکس نماییم.

۳- بسیاری از رفقا، اخبار روگزارشاتی را در نشریات فابریک محلی منتشر میکنند بی آنکه آن اخبار روگزارشاتی را برای بیگار ارسال نمایند! رفقا! فراموش نکنیم که نشریات فابریک محلی "آلترنا تئودر" را بر بیگار نیستند، بلکه مکمل آنند. "بیگار" نشریه مرکزی سازمان است و نشریات فابریک محلی با بدبجول مضمون این نشریه مرکزی فعالیت نمایند. وانگهی نشریات اخبار برای بیگار رومند درج کردن آن در نشریات محلی و فابریک باعث میشود بیگار نتواند نقش واقعی خود را در انعکاس و رهبری مبارزات توده‌ها ایفا نماید و نتیجتاً به نشریه‌ای روشنفکری تبدیل گردد.

ارسال سریع و منظم اخبار از کارخانجات، محلات و موسسات دیگر... باعث میگردد که اولاً "بیگار" نقش خود را در انعکاس مبارزه طبقاتی توده‌ها ایفا کرده، ثانیاً نفوذش در میان توده‌ها هر چه بیشتر گسترش یابد، ثالثاً به این ترتیب میتوان در مبارزات و مسائلی جاری بسه سرعت موضعگیری کرد و بالاخره اعتماد توده‌ها به نشریه بیشتر میگردد.

پیروزیا شید

از هیچ کمونیستی انتظار داشت که از فعالیت‌های انقلابی اش دست بردارد و منافع خودش را بر منافع طبقه کارگر مقدم بداند. چهارم: کمونیستها هرگز سربا ردیگران نیستند

ملاحظات کوتاه

کشتن اسیران، سنت اسلامی؟

بعنا ظهر روز یکشنبه ۲۷/۲۰ حرفهای طحالی از اردیبهشت میداد و میگفت: «با اسیران جنگ را میکنیم، صورت پیغمبر هم میکنیم». اینگونه در جمهوری اسلامی اسیران را برخلاف کلیه قوانین بین المللی بکشند، مری عجیب نیست، کسانی که زندانبانی مثل رفقا دکترین بودند سردهای ری، مهرانمندی، رهبران خلق ترکمن، مسعودی، صالحی و نجم الدینی و... را بکشند مستواتند اسیران جنگ راهم کشتند. کشتن اسیران از طرف شوروی و یابلیون چون اگندگی از سبب آنان بریسانان ماده است، حالا میرفت جمهوری اسلامی آقای طحالی از آن بمبوان یک سنت اسلامی دفاع میکند. کسی چه میداندندنا بد از اول هم که بکشند بخوامم "مملکت محمدی" بر ما کسم بطورمان حسن جرها بوده است!

افسار را به دم می زند!

فلسفی، وایط معروف دربارنا دکدا ورا در حسنا ره پینر ما حدی معرفی کردیم دو سارده به دلیل رسانی انشاده و کلمه است "ما زنگانان و مدیران صنایع در آغاز انقلاب بحورا عمما بیا و کوس ها برای برانداختن رژیم طاغوت بودند و در آن مبارزه میان حق و باطل اربابان ارگان و مال دروغ بگردند (جمهوری اسلامی ۱۴ مهر) انقلابی که در اربابنا نلاطم و نونان و خون و زندان، ارجسن خارج محدودده سال ۵۶ شروع نمود ما مرحمتگان مژورسرو ۱۷ شهریورنا نیام مسلحانه بوده ای ۲۲ بهمن ۵۷ ادا مدیافت و به سرکوسی رژیم ما ادا میداد، آسانی بود که ما خون زحمتگان خرجدورما به داران از آن سوءاستفاده کردند و بکشند و حرف آقای فلسفی، حبا الاسلام بوردنول رژیم جمهوری اسلامی جز تحریف و قضا نه تاریخ، جز سنن افسار به دم الاغ نیست، خوب بود آقای فلسفی در برابر هزاران شهیدان زحمتگان فقط یکی هم از بازرگانان و مدیران صنایع سراغ میداد!

چاپ ونگران "صلح و جنگ"!

امیرالینسها که خطب استما زکرا بود ابکلی تان به منشا درجه خویش رسیده، هم از دوران باصلاح "صلح میخورند هم از دوران جنگ آنها که حتی عمدا جنگهای منطقه ای را برپا میکنند تا خودسودش را بسود، از عوانب مصیبت - باری که جنگ بین دوروزم دخلتی عراقی و ایران از جنبه های مختلف برای نوده های دو

رفیق م- از هسته هواداران سازمان اسلام شهر نامهات رسید تحلیل سیاسی مورد نظرت در نشریه شورویک پیکار خواهد آمد.

اشعار رسیده

رفیق خ - الف

شعری که خطاب به رفقای سازمانی و رفقا حق شناس و روحانی سروده و فرستاده بودی رسید ما ضمن ارج نهادن بر او انتم صمیمت زینقا به نوکیندای که نسبت به سرما به داران و کلیه دشمنان طبقه کارگرداری تعهد و وظیفه خویش را بکار بردیم و در آنجا که در راهم که در راه تحفی آرمان بیولاریا، با همه وجودگوشا با شرم و با سخوی انتظاری با شرم که رفقای خون نشو که فرزندان زحمتگان، زحمتگانی که سالها در آفتاب بالانگانه آیدان سوخته است هستی "از سازمان ما دارد، استک حدس طرا زینر بلندت را ریت سخن صحاب بیکاری کنیم:

رفیق! بدستاب در خوم جاری کنت، زرا کدا و ج کسه ات بود و بخون شهیدان خلق قسم خورده ام که دستنه های سازمانت را تا آخرین نسیم به میان نوده ها برم و آنگاه که جلادان رژیم خونم را برسد با خونم، با ما زمان بیکار ...



اررفعی مهرداد - لک: شعر جنش، اررفعی م- زهو دار از آسادان شعر: مبارزه طبقاتی زندگی من است "اررفعی کنا و رور - ر امین شعر "سرت و سزه" "رفیق م- ن ۹۲ شعر "جنگ" و اررفعی "مرکت" شعر "جنگ ایران و عراق" با تشکر از رفقا، منتظر دریافت دیگر آثار هری نما برای صفحه "هنرمقاومت هنر و پرولتری هستیم.

سروزناشد



رفقای حوزه قزوین، رفیق م- ن دانش - آموز، رفیق د- ج، رفیق ت- با زنجبار محال - اختیاری رفیق ع - ج ۱۲، رفیق دانش آموز از دبیرستان بنای آزادی، رفیق ناصر - م ، رفیق SI، رفیق علی کابانی، رفقای محلات جنوب غرب، رفقای کمیته کارمندان، رفیق م- ب دانشجوی هوادار رفیق دانش آموز - از غرب، نامه ها بنان رسید، پیشنهادات و اشقا دانشان مورد توجه قرار گرفت، برخی از سئوالات شما در پاسخ به نامه های این شماره و شماره های قبل و در نوشته های بیکار جواب داده شده است. ضمن تشکر از همه شما رفقا در مورد برخورد انتقادی و فعالان به بیکار، منتظر نامه های بعدیشان هستیم

بیروزناشد!

اشقا دشما به رفقای فرزندان و ارداست، آنها حتما با بیدار کارهای خانه، چه در کارهای زندگی، چه در نمازین در آسود... شما را کمک کنند عا! فرزنداننا منرا میخواهم که به این نگه توجه داشته باشند و اگر در امور خانه شرکت ندارند حتما این وضعیت را تغییر دهند.

بسخم رفقای ما که فرزندان شما هستند اگر حدیبا بدست رفقا لنتهای انقلابی خود بکشند اما بسیار بد معا لیب های آنها برای خانواده مان مزاحمت و ناراحتی بوجود آورد، ما به عیبی زحمتگان رسیده ایم، بهمین دلیل حاضر نیستیم برای آمان مزاحمت و ناراحتی بوجود آوریم ما در عزیز با صدا و آرمه توانسته با شرم در حل مشکلات کمک کنیم، منتظر نامه های دیگر سرت همس، با درود فراوان!

سیاست آلبانی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران

رفقای ریادی در مورد مواضع آلبانی نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر کنند سو داده اند و از باربان خواسته اند که آلبانی را که از رابط ایران خیردار نیست، در حرمان نگذاریم، با بنده این رفقا گفت اکثر حاکمان و دارم که به وجود رفقای آلبانی نسبت به آلبانی سرعنا تالی اوسی اطلالی آنها با سندان این همه اعتقاد دارم که ما بدستار زده اید و شولوزیک فعالی را با رفقای آلبانی در بیخوردند مجموعه مسائل ایران و جهان به پیش برد، در عین حال نظر شما رسما را در مورد ضرورت استقلال اطلاعات از رابط ایران به آلبانی برای عیبی سر نمودن آنها نسبت به وضعیت سیاسی و قدرت حاکم درست میدانم در همین رابطه رفقای هوادار خارج از کشور در ترجمه نشریات سازمان و قرار دادن آنها در اختیار رفقای آلبانی، با بسد فعالانه ترکیب کرد.

رفیق ج - الف کارگر

نامهات رسید، در مورد حسرتنا مه جنگ واهست آن، نظرات نوموردنا بیه ما است، در مورد مصیبت آن ما نوجده محدودیتهای مالی سازمان معانی کردن آن امکان ندارد، ولی سعی می کنیم حداقل نصبت را بزیسم و راسته هموارها امکان توزیع محاشی آن نیز در میاردم شخص وجود دارد بسنها در مورد در شک کردن حروف خیرنا مه و "بیکار"، جهت مادی تر شدن این نشریات برای کارگران و زحمتگان اقدام نمودیم.

رفیق کشاورز از ورامین

نامهات در مورد شرح چگونگی اشتمارتو توسط سرما به داران و سنگگران بدستمان رسید با زعم گزارشانی از شرح حال کارورندگی ات برایمان بصورت با میدروزی که هر نوع ستم و استنما را با بود کنیم.

دفاع از زمین

سرما به در جنگ است
و مدافعان نفاقا را استعمار
کوچه ها و خیابانها را
با زوزه های فریکارانه "دفاع از زمین"

پیکره اند.

ستمگران

رودررو

عرق کرده

خراسا میکنند

وسازشکاران

جا کرانه آنان را با دمیزنند.

برده کنندگان

ران رو که فاندرا نتر

نسمه از کرده برده ها پرکشند

انبوه بردگان خودی را

به دفاع از حاکمیت بردگی میخوانند

و باران روز مسادا

غفلت را با بزمی سمرند

نفاقهای سرخ دروغین را

از چهره میدرند

و سنا سناک

به دستگیرشان

سفره های "دفاع طلبی" برمی آرند



آه ای وازه های مزور

ای بیرقهای سید تسلیم

ای کلامهای عربیان سازش

اینک شما

با سرعت سرسام آورنور

از صف سرخ رنجبران

فاصله میگیرید
اینک تما چشمها خوا هندیید
بروشهای لرزانتان
این برچم خونین سوسا لبیم نیست
که افراشته میشود
در عمق تیره مردمکها تان
این اختران سرخ سوسا لبیم نیست
که سو سو میزند

اینک شما

ترسان

بدشال ستمگران

انبوه عاصی امواج خلق را

به ساحل سرما به فرا میخوانند

اینک شما

اسمان سرخ خویش را

آشکارا

به بیگارتوده ها

از دست میدهد

اینک شما

این مانند اب سرما به راه

با هزار زلوی استعمار

همچون دریای بیگران آزاد

تقدیس میکنید

اینک تمام نگاها خوا هندیید

این لجنزارسترون

چرا که سرسبزیتان شده است

اما

ما رهروان بیگارهای بی سازش

بی چشمداشت آشتی

با دشمنان آشتی ناپذیر

سیلاب خلق را بی وقفه

بسوی سرزمین سرخ رها می

خواهیم خوانند!

(سرتوک)

ملاحظات کوتاه

کشور بیبا را مده و خوا هدا مدنیاد گفته شده و مسادر
اینجا به این نکته میخوانیم اما راه کنیم که در
نتیجه این جنگ طی دوسه هفته گذشته امپریالیست
- های فرانسوی دوقرار دادند فروش تجهیزات
نظامی را با سعودی (بمبلغ ۳/۵ میلیارد دلار)
و با دولت قطر بمبلغ ۳۰۰ میلیون دلار مضاف
کرده است. هواپیما های آواکس آمریکا هم
با زبانه سعودی داده شده است.

جنگ با اشتها شای سیری ناپذیر مهمسات و
سلاحها را می بیلند و امپریالیستها با سرازیر
کردن سلاح به این جا و بیل بحران درونیشان
را فرو میینانند و اقساما در حال احتفالشان را
نیرویی بختند!

معما از زبان رژیم جمهوری اسلامی

رژیم عراق یعنی است رژیم سوریه هم یعنی
است. اولی "مردم مسلمان" عراق را سرکوب
کرده و میکند دومی هم "مردم مسلمان" سوریه را.
اولی حزب البعث و دیگری را اسلامی عراق (کسسه
دوستان جمهوری اسلامی هستند) را سرکوب می -
کند دومی هم خوان المسلمین را که بسیار از
دوستان رژیم ایران است. اولی در سیتا میر
سیا سال ۷۰ در اردن در سرکوب انقلاب فلسطین
شرکت کرد دومی هم با دخالت نظامی در لبنان
کشاکش ارتل الزبیر را باعث شد. اولی با شوروی
قرارداد دوستی چند ساله دارد. دومی هم همبند
اولی افتخاراتها را رون الرشید را میخوانند
زنده کند. دومی هم افتخارات بنی امیه را.

حالا بگوئید چرا رژیم یعنی عراق "کافر" است و رژیم
یعنی سوریه - بقول هاشمی رفسنجانی - "محرمان اسرار"؟! *

بقیه از صفحه ۱۵ در چین ...

اول نخست وزیر استفاده، اما کماکان مقام مساون
رهبر حزب را در دست خود نگاه داشت، نکته ای که مهم است
اینجاست که "ژائو زئیانگ" که در انقلاب فرهنگی بعنوان
روشن بین و نبیت افشاده بوده مقام نخست وزیر رسید.
"ژائو زئیو" نیز نبی نیستی است که دارای خط مشترک با تنگ
میباشد. احتمال می رود که در گذر آینه که در دنیا می
بازتاب آتی خواهد بود تغییرات با زهم بیشتر در
جهت تقویت جناح تنگ صورت بگیرد.

آری امروزگان رهبری چین از ایدئولوگها و رهبران
مارکسیست لنینیست، خالی شده و جای آنها را روینو نیست
- های "پراتسین" گرفته اند. آری حزب مارکسیست
لنینیستهای حزب تکذوگرا، متفصلین و بیوزگراهای
روینو نیست تبدیل شده است. اما ویژگیهای خط
مشی اینان کدامند؟ "اجلاییه مجلس ملی" چه خط مشی -
ای را مورد تصویب قرار داده است؟
اما مدارد.

آری، رژیم در فکر شده هائی که بر اثر ایسن
جنگ کشاکش میشوند، زحمتکشانی که بی خانمان
و آواره میشوند، زنانی که بی شوهر میشوند و
کارگرانی که بیگار میشوند، بی فکر قحطی، گران و
فلاکت زحمتکشانی نیست، بی فکر تشبیت خویش است
رژیم به این می اندیشد که چگونه از توهم توده ها
استفا ده کند تا بیشتر برگردد زحمتکشانی سوار
شود بنی مدر و آبت الله خمینی در فکر این هستند
که چگونه خود را ناجی ملت جا بزنند و آنگاه
توده های بیشتری را بفریبند و خود را تحکیم
بخشند. جنگ برای زحمتکشانی ما فلاکت و بدبختی
به ارمغان می آورد، اما رژیم کاسبکارانه بر
فلاکت و بدبختی توده ها تکیه زده و در اندیشه آن
است که چگونه از فلاکت زحمتکشانی بسود خویش
استفا ده کند. او کاری به زحمتکشانی ندارد. در
اندیشه اینست که کلاهی از نمد نفرت انگیز جنگ
غیر عا دلانه برای خویش تدارک ببینند. راستی
چه نفرت انگیز است فدا انقلاب که فلاکت زحمتکشانی
را میخواند به پلکان ترقی خویش بدل سازد، اما
اگر بتوانند زحمتکشانی بگذارند ... *

بقیه از صفحه ۱۸
نیذا کنون به فریب خلق ستم دیده اردن برداخته
- آید و میگویند نشان دهید که نگار راه بازگشتی
برای این سگ زنجیری امپریالیسم وجود دارد.
خیر تنها انقلاب راه حل خلق ستم دیده اردن است
و سخنان شما نیز نخواهد توانست، زحمتکشانی تحت
ستم اردن را بفریب دوگا مایشان را در راه
سرتکونی رژیم ملک حسین خائن سست نماید.

● نکته پنجم: بنی صدر از جنگ برای تثبیت رژیم استفاده میکند

در همان مباحثه بنی صدر گفت:
"دور ز پیش که نزد ما مبود ما بشان مطلب
جالبی گفتند... اگر ما در این جنگ
پیروز شدیم این رژیم اسلامی بقدری مستحکم
خواهد شد که هیچکس نه در داخل و نه در خارج
از کشور به این زودبها هوس توطئه نخواهد
کرد."

بفیه از صفحه ۵

اخباری...

با ساداران (در همان محل) را خراب کرده مقداری خرابی مهوشا رهای انفلاسی سردیوارها بجای میگذازند. بعد از اینکه بیسمرگان با آرمی عقب نشینی کردند سر و کله با ساداران پیدا شد که از ترس آن تمام کوههای منطقه را به در کسار بستند.



۵۹/۷/۶ - بیسمرگان قهرمان کومه له در مسیجر جاده (کا میاران سندیج) اتوبوسی را که حاکیل ۴۵ سرباز بوده و بدست سندیج می رفته اند کشته کردند.



۵۹/۷/۷ - در این روز بیسمرگان بیکار (دسته شهید مسعود - شهید کرم) در جاده (میسوان - سندیج) در بین (نودار - نیر تیز) در ساعت ۴ سونتی را که از سندیج به طرف میروان در حرکت بود به رگبار می بندد در این تیر - اندازه میاشین آخرسون از کار افتاد و منوفت میشود. سر نشینان آن در سربازیکار عصبانیت بیسمرگان از هر گونه عکس العملی عاجز میمانند از نیروهای دشمن چند نفر کشته و زخمی میشوند. که از تعداد تلفات اطلاع دقیقی در دست نیست. بعد از این عمل بیسمرگان سالمه با یکاههای خود بر میگرددند.



۵۹/۷/۸ - بیش از ۲۰۰ نفر جاش و با سادار با سلاحهای سنگین و خمپاره روستای نجف آباد حمله بردند اما در اثر مقاومت بیسمرگان نتوانستند به داخل آبادی نفوذ کنند این حمله از ساعت ۱۱ تا ۱۸ ادامه داشت در این درگیری آسیبی به بیسمرگان نرسیده است. اما در اثر خمپاره باران کردن روستاهای (آسوله، نجف آباد، سرباب، کوله ساره) در آسوله یک نفر شهید و ۳ نفر زخمی شدند که حال یکی از زخمیها وخیم است. مردی که در نزد ساداران به زخمی شدن دخترش اعتراض کرده با ساداران بی شرمانه تیری به کف دست او و شیری دیگر به ران او زده اند.

بعد از تمام درگیری بلافاصله یک دسته از بیسمرگان سازمان بیکار به سر جاده (کا میاران - سندیج) رفته و برای مسافران این جاده به بحث و افشگری درباره ما هیئت دولت ایران - عراق میپردازند. حدود ساعت ۷ یکصد تریلر برنج استاننداری را گرفته و تریلر فوق را با ۲۴ تن برنج آن صادره میکنند. راننده و کمشک راننده بعد از اینکه برایشان بحث میشود آزاد میگرددند. این عمل در روحیه مردمنا شیرافروانی داشت.

مزدوران رژیم از حمل میوه روستا نشینان اطراف کا میاران به شهرمانعت به عمل میآورد. تمام میوه های فوق در معرض فساد شدن است. روحیه مردم خوب است و این توکران سرمایه با چنین کاری میخواهند مردم را به زانو آورده تا از آنها تملق کویند اما برعکس روز بروز روحیه رزمندگی مردم بالا تر می رود.



اشاراتی...

بهری وحشی بخیاشی ارکا رکزان را بسوی خود جلب کند. پس از دست گرفتن قدرت، منافع روزواری نور و کرات را با سادارها سنگینی میکند. علیرغم آنکه سادارها امداد مانی بطور اطلاع ارضی و دولتی کردن صنایع و با نکیها و بارزکاسی خارجی در هر دو کشور اقدام کرده اند و بنا بر همان اساس حمایت و تان سیرستی که ذکر کردیم تحت فشار مینا رزبانه ها مجبور به دادن امتیازاتی محدود به بعضی از افراد زحمتمکن شده اند ولی استمار بدید کارگران و زحمتمکنان اقدام دارد با رژیمهای که دو وجه سنگینی را با بدست برای موسسات بوروکراتیک و بیلسی وارستی خسود سیرا در سیر سربا سمانند و توده های سرکوب شده همچنان با سلسله تات دروغ و انحرافی از مبارزه با امیرالاسم و ضعیف و سوس و راجع داخلی باز داشته شوند. اندیشه یکتا و حزب و سیاست ضد خلفی آن دیکر برای توده های عرب جاذبه ای ندارد و از لحاظ تاریخی به سقوط خود نزدیک میشود این سوبه کمونیستهاست که سمان دهند آلترناتیو واقعی و انقلابی هستند. یعنی ما امروز با سخطا را سیرا ریبنا از روز تا سیرا حزبان درک میکنند. ما در مینا له آینه سمان خواهیم داد که روبرو سیرا سیرا خاشن سوری و عرافی ایمن همیالکی های حزب بوده، چگونه به بیای سوس این رژیمها رفته و وجه ضرات دردناکی بسه جس کمونیستی و انقلابی این دو کشور وارد آورده اند

توضیح درباره کمکهای مالی

هموطنان مبارز، رفقا! سازمان ما همواره با پشتیبانی و حمایت همه جا نه تنها توانسته است اهداف انقلابی خود را پیش برد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید دست ما برسانید.

برای اطمینان از اینکه کمکهای شما توسط سازمان دریافت شده، حتماً عددی بگرمی، یا دو رقمی و یا سه رقمی (حداکثر سه رقمی) بیاورید. "کد" انتخاب کرده و همراه با حرفی دلخواه و نیز نام شهر خود به دریافت کننده کمک مالی بدهید. سازمان "کد" انتخابی شما را به ترتیب در ۱۰۰۰ یا ۱۰۰ و یا ۱۰۰۰ عدد برای "کد" یک رقمی، ۱۰۰ برای دو رقمی و ۱۰ برای سه رقمی ضرب کرده و حاصل آن را مبلغی که پرداخت کرده اید اضافه نموده و همراه با حرف اول نام شما در نشریه "بیکار" چاپ میکند. به این ترتیب شما مطمئن میشوید که کمک مالیتان در اختیار سازمان قرار گرفته است.

مثلاً اگر مبلغ پرداختی ۲۵۰۰۰ ریال و "کد" عدد ۸۸ و حرف اول نام انتخابی شما "ت" و نام شهرتان آبادان باشد در ستون کمکهای مالی دریافت شده و در قسمت مربوط به آبادان (آ ۳۰۸۰۰) را ملاحظه خواهید کرد.

۵۸×۱۰۰= ۵۸۰۰
۲۵۰۰۰+ ۵۸۰۰= ۳۰۸۰۰

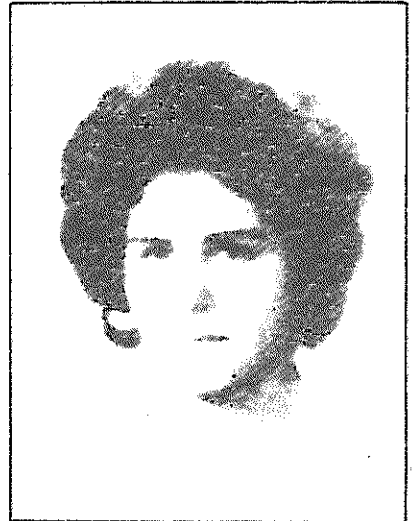
کمکهای مالی دریافت شده

هموطنان مبارز! رفقا!
چون از این بین کمکهای مالی شما در هر شهر به تفکیک در بیکار چاپ میشود از اینرولازمست که همراه "کد" و حرف انتخابی خود نام شهرتان را بنویسید و بفرستید.

اصفهان	۲۰۰۰	شهرکرد	۸۰۰
ج-ع	۲۰۰۰	ر- (ج، ن) کارگر	۱۰۰۰
سروجر	۲۰۰۰	ر- علی (فرخ شهر)	۱۰۰۰
ج-ا-ج	۲۰۰۰	ر- مادر	۵۰۰
شیریز	۲۰۰۰	ر- منظم	۵۰۰
ر-ب	۲۰۰۰	میانته	
ر- راننده ناکی	۱۶۰۰۰	رفقای هوادار	۳۸۰۰۰
بار		میانته و آب	
شهران	۲۲۰۰۰	میانته	۱۰۰۰
رفقای بارکد شهر	۲۲۰۰۰	سرباز	۱۲۰۰
رفقای دانش آموز		ر- صنعتکار	۵۰۰
(نازی آباد)	۸۰۰۰	ر- راننده کامیون	۲۰۰
ن	۳۰۰۰	ر- کمک راننده	۲۰۰
ت	۶۲۰۰	همدان	
سمنان		رفقای هوادار	۳۰۰۰
ی	۱۲۱۰۰	کانادا	
		رفقای هوادار	
		مونترال	۴۵۰۰۰

۵۸۰۰	۴۸۰۰	ق	۱۴۹۹
۲۷۹۲۰	۵۲۰۰	ک	۵۵۰۰
۱۷۹۰۰	۵۰۰۰	س	۱۰۰۰۰
۱۳۰۰۰	۷۰۰۰	ه	۶۵۰۰
۲۰۰۰۰	۶۵۰۰	ه	۴۱۰۰
۲۳۷۰	۶۰۰۰	م	۷۰۰۰
۶۳۷۰	۱۱۳۲۰	ی	۲۹۰۰
۲۹۲۰۰	۶۳۰۰	ع	۱۷۵۰۰
۱۶۱۰۰	۶۰۰۰	ع	۱۱۱۰۰
۱۱۲۰۰	۶۰۰۰	ع	۱۶۶۶۰
۱۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	ع	۱۳۰۰۰
۵۸۰۰	۴۲۰۰	ع	۲۷۰۰
۱۰۷۵۰	۱۳۱۰۰	ع	۷۰۰۰
۲۰۰۰	۲۵۰۰	ن	۶۰۰۰
۲۰۰۰	۷۵۶۰	ف	۲۵۰۰
۲۲۰۰۰	۶۶۰۰	ر	۴۵۰۰
۴۹۷۰	۶۵۰۰	ر	۱۰۰۰۰
۱۹۰۰۰	۱۱۲۴۰	ر	۱۱۲۴۰
	۱۲۸۰۰	ر	۱۲۸۰۰

- | | |
|-----------------|---------------|
| (الف د. ۳۰۰۰) | (ل. ک. ۱۷۵۰۰) |
| (الف و م. ۹۶۰۰) | (م. ه. ۷۰۰۰) |
| (ب. ک. ۷۵۰۰) | (م. ب. ۵۰۰۰) |
| (ب. ت. ۲۲۰۰) | (ن. ش. ۱۰۰۰۰) |
| (د. ن. ۱۰۰۰۰) | (ن. ق. ۲۸۰۰) |
| (س. م. ۲۳۲۰۰) | (ن. ش. ۲۲۰۰) |
| (ش. ل. ۷۰۰۰) | (ه. ک. ۱۳۲۰۰) |
| (ا. ع. ۶۲۰۰) | (ه. ر. ۳۰۰۰) |
| (ب. ع. ۱۰۴۰۰) | (A. ۱۱۰۰۰) |
| (ن. ع. ۱۵۰۰) | (A. ۳۱۰۰) |
| (ع. ک. ۳۴۰۰) | |
- رفیق کاشی ۱۵۰۰۰ ریال
ر- کارگر مکانیک ۱۰۰۰
ر- ج- ست (کارگر) ۱۰۰۰
م- ب (معلم) ۵۰۰۰
بی نام ۵۶۰
ر- ف (دانش آموز) ۱۰۰۰
ر- س ج ۱۰۰۰
ر- اکبر م ۲۰۰۰۰
رفیق م، هدیه ت رسید.
رفیق ف، مبلغ ۵۰۰۰ ریال برای احداث بیمه رستان صحرائی در خوزستان.



"برگورهای کماناں اکرسکی سب"

برگیرید
ساجسهای منتظر و کوشده تان
در کوجه ها و خیا با تپاشی که سبیا ریر آن
تنها رزمیده اند
اینبار ریکرنده که جکوبه اسوه ما هیا ن سرخ
پر در بای سوده ها
در قلب سوفا تپای با دن آورد

بدین می نسازد
تا بکنند ، این بار

بر هر درخت برهنه
خوشیده است کلپای سرخ جوان
سروک

۲۵ مهر امسال معاد است با چهارمین
سالگشت نیادت رفیق شهید سیمین تاج (اکرم)
جریبی تشریحی و سومین سالروز عدا مرفیق
محمد رضا (داود) آخوندی بدست مزدوران رژیم
مزدور شاه جلاد .

رفیق سیمین معلم منمیدی بود در مقام سل
اسارت سوده های زحمتکش خلق فربا در زم زم آورد
و به صف مبارزه انقلابیون جان برکف مبین ما
پیوست . رفیق در حرکت بالنده و یویبسیای
مبارزاتی اش به حقیقت ما رگسیم . لنینیم ،
چنان بینی پیروزی بخش طبقه کارگردست یافته
و در بخش منسعب از زمان مجاهدین خلق تمام
توان خود را به خدمت گرفت و راه سرخ انقلاب را
یعنوان یک مبارز انقلابی مخفی دنبال کرد .
رفیق در بخش نگینگی از زمان فعالیت میکرد و
با استواری و یسکار آموخته ای تمام مکانات
خود را در خدمت مبارزه سازمانش قرار میداد .
در روزها شکره رژیم مزدور و پهلوی امکانات
کسبیده لیمی خود را با نیت هر چه بیشتر جهت
بدام ایداحس انقلابیون به خدمت گرفته و
مزدوران را برای تعقیب و دستگیری فرزندان
راستین خلق بسیج کرده بود در ۲۵ مهر ۱۳۵۵ رفیق
سید در محاصره در خمیان فرا گرفت و طی یک درگیری

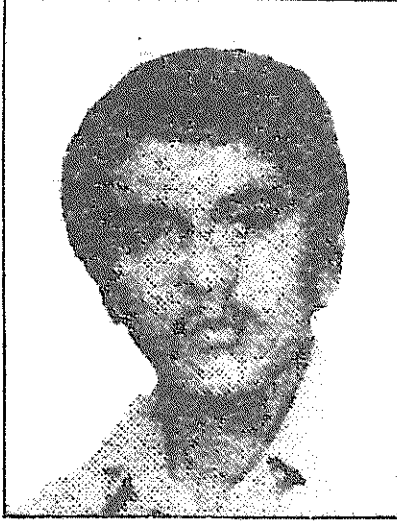
یادرفقای شهید سیمین جریبی و محمد رضا آخوندی را گرامی میداریم

مسلحانه با بریا رگنوله های مزدوران
ساواک بخون سرخ خود غلطید .

رفیق محمد رضا آخوندی در یک خانواده مذهبی
در شیران بدنیا آمد . پس از طی دوره متوسطه در
دسرستان علوی در سال ۵۵ به دانشکده پزشکی
سربزرا هافت . محیط پر شور دانشکا در حوضه
مبارزه جویا ندر رفیق را قوی تر ساخت و سب
مبارزات او جهت داد . او در جریان مبارزات
انقلابی دانشجویی در سال ۵۲ سوسله مزدوران
ساواک دستگیر و سبسی از طی دوره زندان در او اخر
سال ۵۲ در اسرا ط با رفیق شهید مهدی سوسوی
- صمی به "سازمان مجاهدین خلق ایران" پیوست
در جریان نحول ایدئولوژیک درونی بحثی از
سازمان رفیق سببیا بدیرش ما رگسیم لنینیم به
عنوان تنها راهنمای پیروز ماندن به برای رهائی
رحمتگان از یوغ استعمار و استعمار رفعا لیت
انقلابی اش را در سخن منسعب از سی . م . خ . ا . ا . ا . م
داود در چارچوب مشی جریکی بد مبارزه مخفی
پیوست . رفیق در سخن کارگری و ندر کارکسی
سازمان فعالیت میکرد . در روزهای اول ماه
آبان ۱۳۵۵ رفیق در امفیان در دام پلیس ساک
رژیم شاه می افتد و با وجود فرار و استفاده از اسلحه
بدست مزدوران سرمایه دستگیر میشود و تحت شکنجه
و حیسانه دژ خمیان در تهران و اصفهان تزار میگردد .

یکی از رفقای همزنجیر محمد رضا در خاطراتش
از روزهای اسارت چنین می گوید :

"موقعی که رفیق آخوندی را در تاسمان
۵۶ دیدم هنوز آثار شکنجه در کف پاشش میسود
نیافته بود . در آن زمان مسئله باز دیده هشتت
طیبت سرخ از زندان مطرح بود عضدی (جلاد
ساواک) با او صحبت کرده و گفته بود "اگر با طیب
سرخي ها دربارا شکنجه ات صحبت کنی پس از رفتن
آنها ترا زیر شکنجه خوا همگشت چون بهرحال تو
اعدامی هستی " ولی رفیق به این شهید سوجویی
نکرده و با وجودیکه او را به انفرادی منتقل کرده
بودند ، تمام شرایط اختناق و شکنجه را با نشان
دادن آنها ر شکنجه در بدن خویش ، برای نمایندگان
طیبت سرخ مفعلا بیان کرده بود (این نکته را
خود "هیات در بند عمومی میگفتند) . رفیق می -
خواست از تریبون دادگاه برای افشای رژیم و
ساواک و برای دفاع از اهداف انقلابی سازمان



و آرمان طبقه کارگر و دیگر زحمتگان استفاده
کند . لذا نما موقت خود را صرف تدوین دفاعیه
میکرد . رفیق دفاعیاتش را که شامل تاریخچه
نفوذ امیرالیم در ایران ، تاریخچه مبارزات
خلق ، و تحلیلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی
آن روزها معواضات حقا سبت مبارزه انقلابی
بود . روی سکه کا عندها ثی بخط بسیار بر زمینونت
آن را در یک خمیر سندان جاسازی میکرد که اگر
او را محدودا و قبل از "دادگاه" به انفرادی بردند
همرا ه با وسائل شخصی اش حفظ کند و سپس آن را به
شکلی به "دادگاه" ببرد آن را در اختیار رهبر -
سکاران خارجی قرار دهند .

اما رژیم از "دادگاه" علنی منصرف نشد و
رفیق در "دادگاه" غیر علنی اول به اتهامات
مخلف محکوم شد و دوسا را عدا م گرفت در "دادگاه"
دوم همچون گذشته از مواضع سیاسی و انقلابی
خود دوسا زمانش دفاع کرد . باز هم همان محکومینا
تکرار شد و به سلول انفرادی منتقل گشت . و یک
ماه پس از محکومیت در سیدادگاه دوم ، در سرگاه ۲۵ مهر
۱۳۵۶ در مقابل جوخه اعدام مزدوران شاه شهادت رسید .
عداقت انقلابی و مقاومت و روحیه عالی و
تزلزل ناپذیر این رفیق - که تمام هستی خویش را در
راه های طبقه کارگر و زحمتگان گذارده بود -
مرا و همه رفقای زندانی را تحت تاثیر قرار داده
بود و خاطرهای دردناک همزمان زندانی و
توده های زحمتکش ایران زنده و جاوید خواهد
ماند . رفیق حتی پس از محکومیت به اعدام که در
بین ما بود ، لحظه ای هم گرفته و ناراحت نبود
و همیشه چهره ای خندان و بهشان داشت .

در سالروز شهادت رفقا سیمین تاج و محمد
- رضا با آنها و دیگر شهیدان راه های زحمتگان
تجدید بیمان میکنیم که : رفقا ! بخون سرخستان
سوزگند که با یاداروا استوار و با ایمان راسخ به
آرمان رهائی بخش طبقه کارگر ، راه گلگون شمارا که راه
سرخ انقلاب بود تا پیروزی زحمتگان ادا ما خواهیم داد .
درود بر رفقای شهید سیمین جریبی و محمد رضا آخوندی !

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

شورای عالی دفاع:
تلاش لیبرالها برای تمرکز،
کوشش ولایت فقیه برای
تقویت حزب جمهوری،
و مصالحه‌های دیگر...

بی آمدن جنگ ایران و عراق، تقویت ارتش و
نرالیبرالها در هیئت حاکمه بود.

ساز به جنگ منظم و سیرا استفاده از نیروی
هوانی برای بمباران، برنا مریزهای جنگی
و... وضعیت ماسی برای ارتش و لیبرالها که
بد ارتش نیکه داشتند، سوخود آورد. لیبرالها که
سبی از جنگ، عقب نشینی های جسمکسری در
مقابل رقب خود، حزب جمهوری در عرصه انتخاب
دولت داشتند، اکنون با انگا، به در دست داشتن
فرماندهی کل قوا و همراهی فرماندهان ارتش،
تدرت سستری یافته بودند. سبی صدر برای حکیم
وضعیت خود به نا واردی رقبایش در مورحنگی
تکبه میکرد (بطوریکه حتی بهستی و رجائی را
پیرزنان غرغروئی نامیده بود که سبی آنکه چیزی
بدانند، در صدد اظهار نظرند، خاطرات رئیس
جمهور، انقلاب اسلامی، به سببه ۲۲ مهر، داستان
معما ربائی و بیروزن و دیوار کج) و اونا آماجبرود
که خامنه‌ای را به تضعیف روح و جدار ارتش متهم
میکند و در خاطرات رئیس جمهوری انقلاب اسلامی
۲۱ مهر، رقبایش را کفتران فرصت طلبی می-
نامد که اکنون در حاشیه اند و منتظر نده مبدان
بیرند "و حاصل زحمت لیبرالها و ارتش را بریابند
اما یک مسئله در اعمال قدرت لیبرالها و

ارتش اخلال ایجاد میکرد و آن تا هما هنگی و
حرف نشوی ارگانهای زیر رهبری لیبرالها از
آنها بود، سبی صدر در سخنانی به روحا نیونسی
اشاره میکرد که بدون داشتن اطلاعات نظامی، سر
خود عمل کرده و به رژیم ضربه زده اند. او خواهان
وحدت در فرماندهی و تمرکز قوا بود منشی زیر
رهبری لیبرالها، سبی صدر این خواست تمرکز
خود را در سببش از صدر فرمان ولایت فقیه
سببی بر تشکیل شورای عالی دفاع جنسی
اعتراف میکند:

"سیاست خارجی ما و تمرکز و یکسانسبی اش
بسیار اهمیت دارد. سیاست تبلیغاتی ما
هم بسیار اهمیت دارد و روحیه نیروهای ما
هم که در آن محل می جنگند اهمیت دارد. این
است که چند روز پیش که پیش ما بودم این
چهار مطلب را با ایشان در میان گذاشتم و

یادداشت‌های سیاسی هفتگانه

قرار شد که این را با صورت یک پیش‌نویس
منظم بکنیم... و ما با اصلاح یک پیش‌نویس
نهی کردیم... که استایان تکلیف
فرمودند چیزها شی هم برایش اضا فکر کردیم
... سیاست تبلیغاتی ما هما هنگی بیسدا
بکند، معلوم بشود از چه مرجعی بیروی میکند
این حالتی هم که حالا هست، رئیس جمهور و
فرمانده کل قوا حرف میزند، دولت تصمیم
میکرد، مجلس بمناست اطلاعاتی کسب
میکرد مطلب عنوان میکند، دستگا و قضا شی
بهمن ترتیب، اینها با یکدیگر جمع میشد
که هم همه آنها شی خاطر داشته باشد، هم
تمرکز باشد... " (انقلاب اسلامی ۲۱ مهر)
بدین ترتیب سبی صدر خواهان بوجود
آوردن قدرتی بود که همه و بخصوص حزب جمهوری
اسلامی و ارگانهای تابعه از آن اطاعت کنند،
و فکر میکرد در شرایط مخصوص کنونی و بدلیل
احشای همه جناحهای هیئت حاکمه به ارتش، او
بتواند چنین وضعیتی را تحت رهبری فرمانده
کل قوا بوجود آورد. از طرف دیگر رقبیت جاره ای
نداشت که این تمرکز را بپذیرد، مشتجانقبیخواست
این تمرکز زیر رهبری لیبرالها باشد، بدین
ترتیب به تمرکز رضا دادمنتها با گرفتن فرماندهی
واقعی کل قوا؛ زنی صدرو سپردن آن به شورای
عالی دفاع که فرمان ولایت فقیه ترکیب آن
ضرر سبی صدر تغییر یافته بود اثرکریب قبلی ۴
بقیه در صفحه ۱۸

دسته‌های گل بر مزار شهیدان



روز بیستم ۲۵ مهر ما مصافق بودیم

چهارمین سالروز شهادت رفیق شهید سیمین
جریری و سومین سالروز شهادت رفیق شهید محمدرضا
احمدآخوندی، اعضای بخش مشعب از سازمان مجاهدین
خلق ایران، بدین مناسبت جمعی از رفقا بسر
مزار این شهیدان و مزار رفیق شهید تقی شرام
دسته‌های گل شکار کردند. همچنین بیانی از
سوی سازمان به مراسم یادداشت‌های که بر
مزار رفیق سیمین جریری برپا شده بود داده شد
که در آن جمع قرائت گردید. در پایان سازمان
چنین آمده بود:

"رفیق شهید سیمین جریری بمنا به یک
روشنفکر انقلابی که همه وجود خود را وقف مبارزه
با امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده شاه‌خائن کرد،
بمنا به کسی که راه‌های طبقه کارگر را آرزومان
خوبی قرار داد و دورا آن عاشقانه جان باخت،
و بمنا به زنی انقلابی و دلیر که در آن سالهای
سیاه‌خفقان و یاس روشنفکران پایه عرصه مبارزه
انقلابی گذارد و نشان داد که زنان میتوانند
در نبرد سرخوش علیها امپریالیسم و دشمنان
طبقه کارگر نقش مساوی با مردان ایفا کنند،
همیشه در قلب همزمانش، در قلب زحمتکشان
ایران زنده است.

رفیق سیمین برای زنان زحمتکش و انقلابی
میهن ما، یک سمبل و یک قهرمان است. او که
معلم فرزندان ما در مدرسه بود با مشارکت
فعالانه و فداکارانه خود در انقلاب، در صحنه
نبرد خونین با دشمن شی فرزندان ما را معلم
بود...

خاطر این رفقا و همه شهیدای راه آزادی
طبقه کارگر و زحمتکشان گرامی باد!

۵ سال زندان بخاطر فروش کتاب

چندی پیش یکی از رفقای هوادار هنگام
فروش کتابهای سازمان در قزوین، در محلی که
همه گروههای سیاسی کتاب میفروختند، دستگیر
شد. این رفیق که در اوایل مرداد ما توسط
پاداران سرما به دستگیر شده بود در هفته آخر
شهریور ما در قزوین محاکمه شد و با اتهامات
واهی و دروغینی که به او بستند به ۵ سال زندان
درزادگان محکوم شد. رژیم حاکم از فروش کتاب -
های انقلابی و آگاه شدن توده‌های هراس‌و در
قبال انقلابیون همان راهی را در پیش گرفته
که محمدرضا شاه‌خائن می بپمود.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک!

"بسیار خوب آزادی در شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردیست فقط با بیدار کردن وجدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد ناشرافتمندانه فرق گذاشت".

لنین - کاوتسکی مرتد
 "اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک - صداقت انقلابی است. صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از اظہار صریح (و غیر صریح - پیکار) نویسنده نوشته، یعنی اتکا به واقعیت، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک علاوه بر آنکه مربوط به انگیزه در مبارزه ایدئولوژیک میگردد، حقیرانه و مذبحانه برخورد نکردن (و نه تنها این، بلکه غیر کمونیستی و غیر سیاسی و به سبک روشنفکرانه برخورد نکردن - پیکار) را در بر میگیرد". (تاکیدات از ما ست) *

رزمندگان شماره ۲۳

نگاهی به برخورد رزمندگان نسبت به پیکار در مورد مسئله سوئیال امپریالیسم

سوئیال امپریالیسم؟ پاسخ ما به این سؤال منفی است. هر که چنین بیندیشد نتوانسته است کینه حقیقت موجود را دریابد. زیرا که رزمندگان در حقیقت به تز سوئیال امپریالیسم و مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی در این زمینه حمله میکنند و به پیکار، و ما این را در خلال این نوشته قدم به قدم دنبال خواهیم کرد.

اکنون با بیدار کردن رزمندگان نسبت به مسئله سوئیال امپریالیسم شروع می‌کنیم. بی‌شک ما اگر بخواهیم در توضیح این مسئله تحلیل خود را محدود به تشریح شماره ۲۳ رزمندگان بنماییم، هرگز نخواهیم توانست به درک عمیقی از مسئله برسیم. از این رو با یاد اندکی به عقب برگشتن و از گذشته دورتری این مسئله را مورد بررسی قرار دادیم:

گسترش مبارزه طبقاتی در درون جامعه ما طی سالهای ۵۶ و ۵۷ که منجر به قیام بهمن ماه ۵۷ گردید، وادامه انقلابی در دوره پس از قیام، دوره جدیدی از مبارزه طبقاتی را با صف بندی جدیدی از نیروهای طبقاتی بوجود آورد. اگر در دوران رژیم مزدور شاه و دیکتاتور خشن موجود در کودتای مومنان در جنبش، طی دوران طولانی ای با عنایت آن گشته بود که صف طبقات مختلف خلقی جامعه بصورت فشرده در کنار هم با شدو این صفوف از یکدیگر متمایز نگردد، اما گسترش مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی ناشی از آن و بویژه سرنگونی رژیم شاهنشاهی، نمیتوانست صف این طبقات را بطور روشن از یکدیگر جدا ننماید. این صف بندی جدید طبقاتی، با انعکاس خود را نیز در نیروهای جنبش کمونیستی باقی میگذاشت و بنا بر گرایشات ایدئولوژیک کوناگونی را در این نیروها بوجود آورد و با تشدید نمودن هر یک از آشکارا بسوی منافع طبقاتی خاص خویش سوق داد. در غلطیدن سازمان چریکهای فدائیان خلق (اکثریت) به دام رویزیونیسم، در افتادن اتحادیه کمونیستها "به دام بورژوازیونیسم و گرایشات آشکارا رویزیونیستی راه کارگر، گواها از این حقیقت است.

بدین ترتیب با پیوستن فدائیان (اکثریت) به رویزیونیسم و در غلطیدن اتحادیه کمونیستها به دام بورژوازیونیسم، صف رویزیونیستها و بورژوازیونیستها در درون جامعه تثبیت گشت. تا آنجا که مسوول گرایشات رویزیونیستی، دامن سایر نیروها را نیز در بر گرفت. تنزلات و انحراف رویزیونیستی که در برخورد به سوئیال امپریالیسم شوروی در اواخر

زدن به مبارزه ایدئولوژیک بر مبنای مبارزه طبقاتی پرولتاریاست و هر نوع مبارزه ایدئولوژیک که در خدمت برآورده نمودن تمایلات روشنفکرانه ناسالیم و گروها گرایانه قرار گیرد و بدین ترتیب آن سال مبارزه ایدئولوژیک را در جنبش کمونیستی آلوده و تیره نماید، نه تنها در جهت حل معضلات و تشتت ایدئولوژیک جنبش نیست، بلکه به آن بطور جدی آسیب میرساند. ما آموخته ایم که با ضعفای خود و دیگران برخوردی انقلابی داشته باشیم. ما آموخته ایم که مبارزه ایدئولوژیک را بر مبنای مبارزه طبقاتی پرولتاریا به پیش ببریم و آنرا بسوی اهداف انقلابی و روشنفکرانه خویش تبدیل ننماییم و هم اکنون نیز می‌کوشیم تا با رعایت این اصل که خود دیدان معتقدیم، به مضمون **و شکل مبارزه ایدئولوژیک رفقای رزمندگان** که در نشریه اخیر (شماره ۲۳) آنها آمده است، برخورد نماییم.

برخورد رزمندگان نسبت به مسئله سوئیال امپریالیسم

شاید خواننده از ما سؤال کند که مگر مقاله رفقای رزمندگان با عنوان "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." خود نشان دهنده آن نیست که هدف این رفقا در این مقاله، برخورد به شیوه مبارزه ایدئولوژیک پیکار راست و نه مسئله

شاید خواننده با تعجب بپرسد عجب! شما نقل قولهای را که رفقای رزمندگان علیه شما بکار برده اند، نقل کرده ایم. مگر انشاد آنها را به خود قبول دارید؟ بدون تردید نه! آنچه که در اینجا حائز اهمیت است اینست که آنچه که رزمندگان بدرستی ذکر میکنند (چهار لنین وجه خودش)، با بدبختی موزده خود نیز بکار برده، شیوه برخورد صافانه و شرافتمندانه را برای دیگران پسندیدند، اما خود بیکار نسبت به یک شیوه بورژوازیونیستی و غیر کمونیستی است. این همان شیوه ایست که رفیق ما شود را به آن میگوید: ما رگسیسم را برای دیگران پسندیدیم و لیبیرالیسم را برای خود. رفقای رزمندگان گوئی شیوه برخورد ما رگسیستی را در مبارزه ایدئولوژیک فرا موش کرده اند. ذکر نقل قولهای رزمندگان در مورد شیوه مبارزه ایدئولوژیک که درست و برحق است، شاید بتواند آموزشی یا شد برای خود رزمندگان که آنرا فراموش کرده است!

هر کمونیستی که ذره ای صداقت انقلابی داشته باشد (تکیه میکنیم حتی ذره ای) نمیتواند آنچه را که رزمندگان در شیوه برخورد به مبارزه ایدئولوژیک علیه ما (و جنبش کمونیستی) صورت داده است، محکوم ننماید. ساکت بماند و خمیه ابرویاورد. چه هر کمونیستی که تشنه وحدت جنبش کمونیستی است، نیک مینداند که شرط چنین وحدتی، **د! من** *

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

سوسیال امپریالیسم از سوی رفقا، حقیقت دارد و برای رسیدن به اهداف ما، باید برای رشد گرایش‌ها و تقویت زمین‌ها برای بسیاری از اعضا و هم‌پیمانان رزمندگان که فاقد چنین گرایشی بودند، ضرورت موضعگیری انقلابی بر سر مسئله سوسیال امپریالیسم مطرح گردید.

۴ - سازمان رزمندگان را نیز وادار به تغییر

رزمندگان که متأسفانه دیرآغاز گشت (این خود جدا از خود انحراف راستروانه در سازمان ما نبود که البته این تاخیر در رشد این تزلزلات در رزمندگان نیز بی تأثیر نبوده است)، ضربه کوبنده‌ای بود علیه این تزلزلات، تزلزلاتی که میتوانست دامنگیر سایر نیروهای جنبش کمونیستی و بویژه آنها که به نقش ایدئولوژی کم‌بها می‌دهند نیز بشود.

سال ۵۸ در رزمندگان بیدار گشت، نمونه‌ای از این گرایش‌ها بود. ایجاد شک و ابهام در باره سوسیال امپریالیسم از طرف رفقای رزمندگان در آن دوره، ضمن آنکه رویزونیست‌ها را خوشنود میساخت، نمیتوانست برای جنبش کمونیستی زیان آورده باشد. چرا که این حرکت جدید در صدد آن بوده که با ایجاد شک و ابهام در برخورد به مقوله سوسیال امپریالیسم، آنرا از مره‌اصل جنبش کمونیستی و معیار وحدت خارج سازد. رزمندگان از همین دوره بعد است که معتقد می‌شوند سوسیال امپریالیسم جزواصول جنبش کمونیستی نبوده و معیار وحدت نمیتواند باشد (مراجعه کنید به رزمندگان شماره ۵).

آیا پرستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنتی مرفه متحد پیکار است؟ و آیا واقعا پیکار برای "درمان نداشتن متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی) مسئله نابودی فیزیکی آنرا بهمان کشیده است؟ و آیا نتیجه منطقی چنین اتهامی این نیست که پیکار نیروی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟ آفرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک!!

همانطور که میدانیم این انحراف محدود به رزمندگان نگردید و دیده‌یم که چگونه این تزلزلات و انحراف حتی برخی از نیروها را به زیر پا گذاشتن اصول کماندو به سمت خویش جذب نمود. از آنجمله است سرنوشت گروه "اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر" که بر تئوری و اصول رادامورد مقوله سوسیال امپریالیسم به زیر پا گذاشت و حاضر به وحدت ایدئولوژیک (بخوان سازش ایدئولوژیک) با جریان‌های گردید که سوسیال امپریالیسم را ملاک وحدت و از اصول جنبش کمونیستی نمیدانست. در همین رابطه سمکری برخی دیگر از گروهها نظیر گروه "سرد"، "سکار رطلق"، "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" و... جهت وحدت با رزمندگان نمیتوانست زمینه‌های هر چه سمکری برای گسترش و تقویت این انحراف در جنبش کمونیستی فراهم آورد که خوشبختانه این نیروها در برخورد عمیقتر و نزدیکتر با رزمندگان، به درک درستی از این نیرو و مواضع آن مایل آمده و نه تنها حاضر به سازش ایدئولوژیک و زیر پا گذاشتن اصول و خلاصه وحدت با رزمندگان نشدند، بلکه بر عکس با مرز بندی با تزلزلات و انحراف رزمندگان (و البته نه فقط در این زمینه) به مبارزه ایدئولوژیک علیه گرایشها، رویزونیستی و تروتسکیستی رزمندگان برخاستند.

اینک بخش وسیعی از جنبش کمونیستی ایران متحداً به مبارزه علیه هر گونه تزلزل در برابر سوسیال امپریالیسم برخاسته بود. بویژه آنکه سازمان ما جهت لحاظ برخورد همه جانبه تر و بردمادی بیشتر مبارزه ایدئولوژیک و میسر تا سر آن در جنبش، ضربه شکننده‌ای برای تزلزلات و انحراف رویزونیستی وارد آورد. به همین ترتیب موضع گیری سازمان ما در برابر سوسیال امپریالیسم در کنفرانس اخیر جنبش کمونیستی ایران (و در اینجا بخش دیگری از اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد استقبال آنان قرار نگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و انحراف رویزونیستی شان نمی توانستند از این موضع گیری، غمگین و افسرده نباشند!

اگرچه مبارزه ایدئولوژیک این گروهها علیه انحراف رزمندگان بویژه در برخورد سوسیال امپریالیسم برای جنبش کمونیستی ایران امیدبخش بود، اما به لحاظ محدودیت توان عینی و ذهنی اینان در گسترش مبارزه ایدئولوژیک علیه انحراف رزمندگان و محدودیت بردمادی این مبارزات ایدئولوژیک نمی توانست تا شریک‌فی و همه جانبه ای در شکست این تزلزلات و انحرافات داشته باشد (روشن است که بهیچوجه منظور کم اهمیت جلوه دادن مبارزه ایدئولوژیک این گروهها با رزمندگان نیست، بلکه سخن بر سر میزان تأثیر آن بدلالی است که از آنها نام بردیم).

مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما علیه تزلزلات و گرایشها رویزونیستی و تروتسکیستی

- ۱ - با عث آن دیده تر شدن و استوار گشتن بخش بیکر جنبش کمونیستی بر مقوله سوسیال امپریالیسم گردید.
 - ۲ - تزلزلات و انحراف رویزونیستی در این باره را که آشکارا در حال رشد بودند، به عقب راند و موقتاً این گرایشها را در لاک خود سترد، بطوریکه راه گویا را در برابر این مبارزه ایدئولوژیک و بجای برخورد با آن برگزیدند و این خود نشان "ضعف" و "عقب نشینی" حاملین این گرایشها بود.
 - ۳ - در درون جریان متزلزلی که از طریق ایجاد اینها موشک به نفعی سوسیال امپریالیسم میسر داشت، یعنی رزمندگان (امیدواریم که رفقای رزمندگان از این عبارت دچار آشفتنگی نشوند و اندکی حوصله بخرج دهند، چرا که در همین نوشته خواهد دید که آیا نفعی
- جهت و تشدید افشاکری علیه سوسیال امپریالیسم نمود (البته با درکی که خود رفقا از آن دارند و ما آنرا قیلاً توضیح داده و باز هم خواهیم داد).
- اینها نکاتی مثبتی بود که مبارزه ایدئولوژیک سازمان ما و سایر نیروهای جنبش کمونیستی بدان دست یافت و طبیعتاً انتظار میرفت که رفقای رزمندگان نیز با یک شیوه برخورد کمونیستی به اطلاع گرایشها و رویزونیستی تروتسکیستی خویش بپردازند. همه منتظر با سخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما مان زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه بیکار در مبارزه ایدئولوژیک..." جنبش کمونیستی و از جمله سازمان ما را تا حدی مایوس نمود. برخلاف انتظار، رزمندگان در برخورد به این مسئله، با بکار گرفتن شیوه برخورد غیر کمونیستی، غیر رفیقانه و از آنهم بدتر غیر سیاسی در مبارزه ایدئولوژیک، بجای پاسخ به مبارزه ایدئولوژیک ما و دیگران، به فحاشی علیه ما پرداخت و بدین ترتیب کوشید:

رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

ما در این نوشته میکوشیم آنچه را که در بالا گفتیم مورد بررسی قرار داده و آنرا صرفاً در حد "احکام کلی" نگاه نداریم. بنا بر این ما نوشته اخیر رزمندگان را در دو بخش مورد بررسی قرار میدهیم:

الف - شیوه برخورد رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک و رابطه آن با گرایش رویزیونیستی و تروتسکیستی این رفقا.

ب - مضامین نوشته رزمندگان، چه آنها که بصورت سؤال از ما مطرح شده و چه آنها که خود این رفقا در دفاع از خویش مطرح کرده اند.

شیوه برخورد خرده بورژوائی رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک

گفتم هر کس نوشته اخیر رزمندگان (شماره ۳۳) را مطالعه کند، با نا باوری از خود میبرد چرا رفقای رزمندگان این چنین غیررفیقا نه و غیر کمونیستی برخورد می کنند؟ چرا با کینه و لعن و نفرین به پیکار برخورد میکنند؟ مگر پیکار دشمن طبقاتی رزمندگان است؟ و یا آخرین این سؤال را از خود میپرسند چرا رزمندگان از برخورد با انحرافات خود طفره رفته است؟

بنظر ما پاسخ روشن است. علت نوع برخورد رزمندگان عبارتست از استیصال ایدئولوژیک در مبارزه ایدئولوژیک. جنبش کمونیستی، انحرافات رویزیونیستی رزمندگان را به انتقاد کشیده و محکوم ساخته است، لیکن رزمندگان بدلیل همان انحراف رویزیونیستی خود شیوه ناسالم در مبارزه خود را در نیست به مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی پاسخ پرولتری ارائه دهند. رزمندگان از جواب روشن و صریح به مبارزه جنبش کمونیستی طفره میروند و این نشان ضعف و عقب نشینی رزمندگان است. رزمندگان به فحاشی دست میزنند، اما این برخورد از استیصال ایدئولوژیک نشئت میگیرد. جنبش کمونیستی، رزمندگان را با خطر مواضع انحرافیشان در قبال رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم به انتقاد کشیده است، اما رفقای رزمندگان بدلیل همان انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی تروتسکیستی و عدم انتقاد پرولتری از مواضع خود قادر به پاسخگویی صریح و کمونیستی نمی باشند. جنبش کمونیستی جای حساس را نشان نرفته است و به این دلیل رزمندگان نشان در آمده و با هیاهو و ناشکیبائی به دفاع از خویش برخاسته است.

ممکن است خواننده مقاله مزبور رزمندگان با تشنج از شیوه برخورد رزمندگان که سرآیات تحقیر و تمسخر و توهین است یاد کنند. اگر چنین خواننده ای برای اولین بار است که به نوشته های رزمندگان برخورد ننموده، در تعجب خویش بی تقصیر است، اما اگر او نوشته های قبلی رزمندگان را نیز مطالعه

کرده باشد، درخواهد یافت که این شیوه خاص مبارزه ایدئولوژیک رزمندگان است. متأسفانه رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبک برخورد خود مرتزاهای نیست، این سیاست، ادا مینویشته های قبلی رزمندگان و بموازات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاه به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان میدهد. رزمندگان در شریکه شماره ۸ خویش در تحلیل از برخورد سازمان ما نسبت به مسئله قطع رابطه هیئت خاکه ایران با آمریکا در مقاله ای تحت عنوان: "پیکار: احتیاج با مبارزه طبقاتی" مینویسد:

"اکنون بنظر میرسد که این سازمان بیکار است که با اعلامیه شماره ۶۷ خود: "قطع رابطه آمریکا با ایران و موضع هیئت خاکه... استین بالازده است تا از فروری بیوهم توده ها و انفرادیست خاکه جلو" گیرد. ساده پنداری سازمان بیکار..."

براستی رفقا، "ساده پنداری" ما باعث گشته تا به کمک هیئت خاکه ارتجاعی پشتا بییم آنکه ما "استین بالازده ایم"؟ آیا ما نیروی ضد انقلابی و رویزیونیست می باشیم که "استین بالازده" تا جلوی انفرادیست خاکه و فروری بیوهم توده ها را بگیریم؟ چه ما معتقدیم بورتوئیستها و بطور مشخص رویزیونیستهای اکثریت و حزب بوده اند، امروز "استین بالازده" تا از فروری بیوهم توده ها و انفرادیست خاکه جلو گیری نمی کنند. ممکن است موضع گیری سیاسی نیروی عملاً به چنین نتیجه ای منجر شود، اما این غیر اصولی است که گفته شود این نیرو "استین بالازده است". رزمندگان در همان مقاله در ادا مینویسند که "ایدئولوژیک! رزمندگان چه خوب از زمین نقل می کنند:

"بسیار خوب آوادی شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردی است، فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد ناشرافتمندانه تفرق گذاشت."

ایکاش رزمندگان خود چنین شیوه ای را فراموش نمی کرد!

رزمندگان در جای دیگر در رابطه با نظرات ما در مورد سرمایه داری وابسته می نویسد:

"اگر واقعاً پیکار در این زمینه ها تحلیلی فرا هم کرده است، نیک است که آنها را در سطح جنبش منتشر سازد تا جریانی ما نماند مسامحت از ضلالت و گمراهی نجات یابد و به طریق مبین رهشمن شوند! حتی اگر تحلیل ها در سطحی نیستند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای پیکار آنها را لااقل در اختیار ما بگذارند تا از انحراف راهی شده شویم. آنطور که از نوشته های پیکار بر میآید پیکار هیچ تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا ساقف میزند."

رزمندگان میگویند باید تحلیل داد:

ما رکیستی؟ یا کدما مسند و درک و توضیح و مقایسه این را نشان دادید؟ بنده مقایسه ای بین اعلامیه سازمان و ما همدین میگردید تا حکمتان ثابت شود. آیا این شیوه برخورد صادقانه و کمونیستی است؟ آیا با یکا بریدن کلمه تمسخر آمیز بورژوازی "بخنا مترقی" طرفی میتوان بر بست؟ میتوان به مقصودنا ثل گشت؟ آیا این شیوه برخورد تمسخر آمیز و ناسالم را راضی می کند؟ آیا شما می پندارید میتوان با تحریف نظرات دیگران، با زخم زبان زدن، برخورد تحقیر آمیز و ناسالم، معطلات جنبش را حل نمود؟ نه، هرگز! این شیوه برخورد غیر کمونیستی جز ضرر زدن به جنبش کمونیستی نتیجه دیگری ندارد. رفقا آیا شیوه کار شما مارکسیسم را برای دیگران پسندیدن و لیبرالیسم را برای خود پسندیدن نمی باشد؟ آیا با چنین برخوردهائی "سیم عمده در رشد مبارزه ایدئولوژیک جنبش" داشته اید؟

رزمندگان حتی به این شیوه برخورد بسنده نمی کنند و در جای دیگری می نویسد:

"پیکار برای درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما یعنی خرده بورژوازی سنی مرفه از دم تیغ انقلاب... ما بودی فیزیکی را همان میکند."

(رزمندگان ۲۰، مقاله اسطراب)

آیا برستی رزمندگان معتقد است که خرده بورژوازی سنی مرفه پیکار راست؟ و آیا واقعاً پیکار برای "درامان نگهداشتن متحد طبیعی خود" (یعنی خرده بورژوازی مرفه سنی) مسئله نایب بودی فیزیکی آنرا همان کشیده است؟ و آیا نتیجه چنین انتهای این نیست که پیکار رنبروئی ضد انقلابی و ضد خلقی می باشد؟ آیا نیروی ضد انقلابی میتواند متحد طبیعی یک سازمان کمونیستی و انقلابی باشد؟ آفرین به این شیوه مبارزه ایدئولوژیک! رزمندگان چه خوب از زمین نقل می کنند:

"بسیار خوب آوادی شیوه برخورد به مطلب حق مقدس هر فردی است، فقط باید برخورد جدی و شرافتمندانه به مطلب را با برخورد ناشرافتمندانه تفرق گذاشت."

ایکاش رزمندگان خود چنین شیوه ای را فراموش نمی کرد!

رزمندگان در جای دیگر در رابطه با نظرات ما در مورد سرمایه داری وابسته می نویسد:

"اگر واقعاً پیکار در این زمینه ها تحلیلی فرا هم کرده است، نیک است که آنها را در سطح جنبش منتشر سازد تا جریانی ما نماند مسامحت از ضلالت و گمراهی نجات یابد و به طریق مبین رهشمن شوند! حتی اگر تحلیل ها در سطحی نیستند که قابل انتشار باشند، بجا است که رفقای پیکار آنها را لااقل در اختیار ما بگذارند تا از انحراف راهی شده شویم. آنطور که از نوشته های پیکار بر میآید پیکار هیچ تحلیل مشخصی از این موضوعات ندارد و بلکه بر روی هوا ساقف میزند."

رزمندگان میگویند باید تحلیل داد:

"نه اینکه با حدس و فرض بپوشانیم و رمالانه به غلط درسی ظاهر مواضع، غولهای بی شناخ و دم ردیف کرده و بزور حدس و تقریب نسبتها بی را وارد کرد". (شماره ۲۲).

آیا براساسی رزمندگان با بکار بردن و نسبت دادن الفاظی مانند "رمالانه" و "پیشگویا نه" ردیف نمودن غولهای بی شناخ و دم، سقف زدن روی هوا، برخورد کمونیستی و رقیقا نه میکند؟ آیا رزمندگان آنچه تا بسته شیوه برخورد است یعنی محتانت پرولتری را در مبارزه ایدئولوژیک خویش رعایت میکنند؟ واقعیت این است که چنین نیست. آری این واقعیتی است که جنبش کمونیستی نیز به آن اذعان دارد. البته پرواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک را بطنه مستقیم بی انحرافات ایدئولوژیک آنان ندارد. هرکسی بجز این فکر کند به جراه افتاده است. گرایش تروتسکیستی در این رفا نمیتواند انحراف چپ را نه و نه سالها در سیکار میسارزه ایدئولوژیک آنان بیارنیا وارد، بعد از زنگره گذشته رزمندگان و روشنگری ثبات تروتسکیستی - رویزیونیستی در برخورد به سوسیال امپریالیسم ساخت جا معه، قدرت سیاسی، وحدت و...، ایمن گرایشات انحرافی، نمی توانست در شیوه مبارزه ایدئولوژیک نیز بروز نماید. این شیوه مبارزه ایدئولوژیک، شیوه ای سکتاریستی (گروه گرایی) و روشنگرانه است. و در خدمت وحدت جنبش کمونیستی نمینا شد. و با لعکس در جهت به آنتا گونیسم کشیدن کاذب مبارزه ایدئولوژیک قرار دارد. چنین است که میگوئیم شیوه برخورد رزمندگان در نوشته اخیرش را نباید دیدیده جدید و غربیتی دانست. چه ادا منه منطقی برخورد های انحرافی رزمندگان، چنانچه اصلاح نمی گشت (که نگشته است) تا گزیریدینجا کشیده میشد که در برخورد اخیرش مشا هده میکنیم. آنچه در برخورد اخیر رزمندگان تا زگی دارد، همانها عمق بی بی پیش از پیش گرایشات انحرافی اوست (و البته نه فقط در شیوه، بلکه در مضمون نیز این انحرافات تشدید شده است).

اکنون به بررسی شیوه برخورد رزمندگان در نشریه شماره ۳۳ "رزمندگان" بپردازیم. تا عمیق تر شدن انحراف بورژوازی رزمندگان را نشان دهیم.

رزمندگان درس شیوه مبارزه ایدئولوژیک می دهد

در نوشته اخیر، رزمندگان مدعی است که به تز سوسیال امپریالیسم شوروی اعتقاد کامل دارد و بیکیا ربه دروغ میگوید که رزمندگان این تز را قبول ندارد. سپس در مدعی بیکار از برنامها سازمان خویش نقل میکند که ضمن آنکه در درون رزمندگان دو نظریه وجود دارد "اما موضع سازمان، سوسیال امپریالیسم میباشد." و با اضافه میکند که: "دارد مقاله خود بنام "راه کار گرد فاسع رویزیونیستی از ما رکیسم صحبت از: کلیه دست اندرکاران ما برای افغانستان اعم از

سوسیال امپریالیستهای روسیه... "کرده ایم و در آخرین مقالات خود "لستان، کارگران بر علیه رویزیونیسم" و درباره اتحاد عمل، در مورد سوسیال امپریالیسم سخن گفته ایم و بالاخره رزمندگان جمع بندی میکنند که بیکار دروغ میگوید و "شیوه مبارزه ایدئولوژیک بیکار را نتساب دروغ و سفاهت به دیگران و سپس رد آن است." (رزمندگان شماره ۳۳)

سپس رزمندگان با ذکر نقل قول لنین که میگوید: "... با بیدر خوردی جدی و شرافتمندانه به مطلب را بیا بر خوردن اشرافتمندانه فرق گذاشت." در پی آن است که به خواشنده الحاق کند که شیوه برخورد بیکار را شرافتمندانه است و در ادا مه "آموزش" مبارزه ایدئولوژیک بما، میگوید:

"اولین شرط در مبارزه ایدئولوژیک صداقت انقلابی است، صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی اتکا به نوشته و سند و کشف انحراف از اظهار صریح (و ما اضافه میکنیم همچنین از اظهارات غیر صریح - بیکار) نویسنده نوشته یعنی اتکابه واقعیت... (همانجا)

بدین ترتیب رزمندگان شیوه برخورد مارانه تنها شرافتمندانه میخوانند، بلکه "دروغیسن"، "فاقد صداقت انقلابی"، "حقیرانه"، "مذبوحانه" برخورد کردن "و تاشی از انحراف انگیزه ای "در مبارزه ایدئولوژیک میخوانند و برای آنکه برای خواننده سو، تفا همی پیش نیا بد توضیح میده که: "ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک بر سر سوسیال امپریالیسم نیستیم، اما مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رقیقا نه و غیر کمونیستی مسا ثلی را در جنبش طرح شما کنیم که فقط باعث سردرگمی میشود. (مثل انتسابات رفقای بیکار بما). (همانجا).

معنای حرف رزمندگان چیست؟ مضمون این حرف بدان معنی است که اولاً خود رزمندگان شیوه برخورد رقیقا نه و کمونیستی در پیش میگیرد و مخالف شیوه غیر رقیقا نه است (البته لابد همین آخرین مقاله از نظر رزمندگان برای جنبش کمونیستی نمونه شا هکاری از شیوه برخورد کمونیستی است! او تا نیا بیکار با این شیوه برخورد غیر کمونیستی و غیر رقیقا نه که در شماره بر سر سوسیال امپریالیسم قلم زده است تا انتساب ناروا به رزمندگان فقط به ایجا در سردرگمی کمک کرده است.

رزمندگان که شدیداً عصبانی و ناراحت بنظر میرسد ۷۰ شماره بی در پی مبارزه ایدئولوژیک بیکار بر سر تز لولت رویزیونیستی رزمندگان را داستا نراشی و تئوری با فی بوجی میخوانند که بیکار برای نشان دادن آن در رزمندگان تلاش میکند: "و پس از این، داستا نراشی و تئوری با فی بوجی را آغاز کرده است تا مگر بیدینوسیله وجود رویزیونیسم در ما وانعکاس آن را در مبارزه ما در جنبش و تا کتیکهای ما نشان دهد." (همانجا).

چرا رزمندگان مبارزه ایدئولوژیک بیکار را داستا نراشی و تئوری با فی میخوانند؟ زیرا معتقد است که در هیچ کجا رزمندگان به ورده تیز

سوسیال امپریالیسم نبرد اخته است و طرح آن از جانب بیکار از جمله دروغ و توغوثی، ها و داستا نراشی - های بیکار است.

رزمندگان بیکار را متهم به تا بعه بیکار کنسی میکنند، چرا که بزمعوی بیکار رسندی در نشان دادن "رد تز سوسیال امپریالیسم از جانب رزمندگان" ارائه نکرده است. او میگوید:

"بنا بر این، بیکار با استناد به کدا متحلیلی با کدا مبررسی ارائه شده از طرف ما اظهار میدارد که ما سوسیال امپریالیسم را رد کرده ایم؟ و آیا این توسل به تا بعه بیکار کنسی در مبارزه ایدئولوژیک چه معنایی دارد؟ (همانجا)

و همچنین میگوید تا به خواشنده نشان دهد که: "ما هم بنویسه خود ما مبارزه ایدئولوژیک در سطح جنبش کمونیستی و در باره تا کتیک و استراتژی پرولتاریای جهانی استقبال میکنیم و بیا خواهیم برداخت."

و با زیبا زبانی میگوید که دلخوری خویش را از این "شیوه" مبارزه ایدئولوژیک بیکار نشان دهد، چه بلافا صله اضا فه میکند: "اما این مبارزه تنها زمانی میتواند سودمند و مفید باشد (مانند مبارزه ایدئولوژیک در عرصه های دیگر) که انگیزه آن نمایان ساختن راه صحیح پیروزی پرولتاریا باشد و در صورت است که برده کلی کوئی ها و اظهار نظر های فیلسوف ما بانه و در عین حال کودکا نه کتا رفته و واقعیت پدیدها خود را نشان میدهد." (همانجا).

رزمندگان با تا راحتی میبرسد که چرا ما در بیکار به پذیرش سوسیال امپریالیسم از طرف رزمندگان اذعان داشته ایم جای دیگر به رد آن برداخته ایم (بیکار ۶۹ و ۷۰ را مقایسه میکنند) و چنین شیوه برخوردی را از طرف بیکار نه تنها کمونیستی نمیدانند، بلکه شیوه دشمنان کمونیستها میداند:

"چرا بیکار برای مبارزه ما ابتدا موضعی دروغی خود ساخته را به ما منسوب میکند و سپس به رد آن میپردازد. این شیوه یعنی انتساب دروغ و سفاهت ب دیگران و سپس رد آن شیوه کمونیستی نیست" و "فقط از دشمنان کمونیستیا برمی آید." (همانجا)

بدنیا ل آن رزمندگان ضمن بمیان کتیبیدن "۱۵۰ سال مبارزه ایدئولوژیک جنبش کمونیستی" که خود را نیز "وارث" آن میداند معتقد است: "دومین کاری که بیکار کرده است یعنی پس از دروغ نخبتین، انتساب سفا هت به مخالف خود است. این سفا هت اعتقاد داشتن به نظام تولیدی جدید است." (همانجا).

رزمندگان سپس با اعتراض به این برخورد بما "تیا موز" که: "تعیین موضعی سفا هت آمیز که مبتنی به فروریختن ما تریا لیم تا ریخی و منطقی کا پیتال مارکس و امپریالیسم لنین میباشد برای دیگران و سپس رد آن چیزی است که لنین درباره اش میگوید: (وجه خوب، کوئی

پیکار

رفقای پیکار را در برابر خود دارد) نسبت دادن یک سفاقت انگاری به مخالفین خود و سپس رد آن شیوه افرادی است که چندان عقل درستی ندارند (لنین، کائوتسکی مرتد) (همانجا) بدین ترتیب رزمندگان ما "درس مبارزه ایدئولوژیک" می آموزد، و میگوید اولاً ما عقل چندان درستی نداریم و ثانیاً مبارزه ایدئولوژیک بین ما و خودشان همچون مبارزه ایدئولوژیک کائوتسکی و لنین است و ما همچون کائوتسکی به مخالف خود انتساب سفاقت می دهیم و رزمندگان همچون لنین به رادایین شیوه می پردازد! رزمندگان که همچنان مخالف برخورد غیر کمونیستی و غیررفیقانه است، به پیکار می آموزد که برخورد های "ساده لوحانه" اش بسودر و بیوزنیستیا پایان یافته است:

"ما نمونه های متعددی را از اینگونه برخورد های رفقای پیکار در ابریم که نه تنها از موضعی اصولی انجام نشده، بلکه به طور ساده لوحانه بود و بیوزنیستیا خاتمه یافته است."

و بعداً زدگرا دلخواه مثل هاشی که بزم خود، نشان داده لوجی پیکار در مبارزه ایدئولوژیک است، میگوید "سومین مشخصه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک" را که همانا به همه چیز تا ختن، بدون اینکه درک عمیق و دقیقی از مسائل داشته باشد" را نشان دهد. سز عمر رزمندگان اظهار نظرهای پیکار خواننده را از اثر مدعا "حیرت زده می کند و آنگاه رزمندگان به فکر فرو می رود که چرا:

"رفقای پیکار را بیدر مبارزه ایدئولوژیک مثل دن کیشوتی که فقط با اوها و متخیلات خود به جنگ می رود، تا این حد اعتبار روارزش مبارزه ایدئولوژیک را، آنهم با توسل بسفاهت و دروغ و انتساب سفاقت و اظهار نظرهای که جدا انسان را به فکر فرو میبرد (مثل نمونه ها) که گفتیم) با شین بیا ورنه". (همانجا) و البته معطل نمی ماند و "عجالتاً" یک علت ذکر میکند (تا بعد) و آنهم این است که:

"پیکار خود را نیروی تعیین کننده جنبش کمونیستی میدانند، پس باید در باره همه چیز اظهار نظر نماید، حتی اگر هیچگونه دلیلی برای آن آراء نداشته باشد... بهمین علت رفقای پیکار بدون اینکه کوچکترین تلاشی در توضیح دقیق تر و سوسال امیریا لیسیم، بررسی شرایط تاریخی پیدا بشود، مرتزبندی آن با سه چنان و غیره کرده باشند، ترجیح می دهند که ابتدا آن را به معنای اصلی الهی و آسمانی بابک قضیه اصولی هندسی پذیرفته و سپس دیگران را که درک عمیقتری از مشکلات و ابهامات این ندارند، به رد آن متهم نموده... و منشی کلیات را بر سر آنها بگویند". (همانجا)

البته رزمندگان "تعمایا با استناد به نقل قول و سند و مدرک" این حدسیات خود را در مورد علت این نوع برخورد پیکار و اعتقادش به "الهی بودن این تز" ثابت میکنند، چه رزمندگان "عادت" ندارند که "اعتیاد بیزند"، "دروغ بگویند" و "برخورد

غیررفیقانه و غیر کمونیستی" بنمایند! رزمندگان برای وارد آوردن دومین ضربه (اولین ضربه را موقع همانند کردن پیکار رو کائوتسکی "بی عقل" بزم خویش وارد آورد) میگوید همزمانی خائنین ضد انقلابی "زبیرنجبران" را با پیکار نشان دهد! و میگوید: "بیهوده نیست که رنجبران گمانی که در شمار ۱۰۲ خودکلی باقی های پیکار را بر علیه ما نقل میکنند، آنقدر کلی باقی که رنجبران این سر سخت ترین مبلغ سوسال

شماره ۱۰۲ - پیکار شماره ۶۹). (همانجا) آیا واقعا رزمندگان مبنای متدولوژیک پیکار را همچون سه جہانی ها میدانند؟! آیا این همان شیوه برخورد ما کما و لیستی رویونیستهای اکثریت نیست که برای تخطئه م، ل ها میگویند: "سه جہانی ها میگویند "سوسال امیریا لیسیم" شما (منظور م، ل هاست) میگویند "سوسال امیریا لیسیم"، بین شما و آنها هیچ تفاوت کیفی در عمل وجود ندارد" (نقل بمعنی از کار سلسله

همه منتظر پاسخ رزمندگان به مبارزه ایدئولوژیک که از سوی جنبش کمونیستی و از جمله سازمان مادا من زده شده بود، بودند. اما رزمندگان با انتشار مقاله "شیوه پیکار در مبارزه ایدئولوژیک" ... جنبش کمونیستی و از جمله سازمان اتحادی مایوس نمود.

شماره های مربوط به رد سوسال امیریا لیسیم) آری، این است شیوه برخورد "رفیقانه و کمونیستی و شرافتمندانه". رفقای رزمندگان در ادامه تحلیل های "عمیق" و "مستدل" و "مستند" خویش میگویند:

"پیکار که شناخت ما رکیستی را اساساً از زاویه ای دیگری شناخت و معتقد به نوعی دیگر شناخت است، برخلاف راه و رسم متداول در مارکسیسم ابتدا حکم میدهد و بعد در پی اثبات آن است پیکار به شیوه ای اشرافی و افلاطونی بدون آنکه ذره ای جای بحث باشد میگوید: اگر سوسال لیسیم نیست پس امیریا لیسیم است و انتظار دارد، خواننده نیز به سبک ایده آلیست ها بگوید: آری همین است. "این یا آن" شناخت پیکار رنجبین است، وقتی پای تحقیق و تحلیل به پیش می آید برعکس یا ساده لوحی و ندانم کاری آنکار میگوید: رویونیسم حاکم است پس سوسال امیریا لیسیم است... پیکار با متدولوژی خود که عبارت است از تحلیل

مشخص لازم نیست: این یا آن... (همانجا) بسیار خوب! دیدیم که رزمندگان چگونه بدون "انتساب دروغ و سفاقت بدیگران و سپس رد آن"، بر اساس اظهارت صریح نویسنده و با نقل قولهای فراوان به شیوه ای کاملاً غیر مذبحانه و غیر حقیرانه جوهر تحلیل و شناخت پیکار را ثابت نمود! روشن شد که: الف - پیکار ذره ای جای بحث نمی بیند (نمونه ای از صداقت انقلابی رزمندگان). ب - شناخت پیکار رنجبین است با این و با آن یعنی افلاطونی و اشرافی و سر

یا به "ساده لوحی" پیکار، متدولوژی "تحلیل منحص لازم نیست"، چنین است درس آموزی رزمندگان به ما در چگونگی مبارزه ایدئولوژیک و برخورد "کمونیستی و سیاسی" رزمندگان برای اینکه به ما "بیا موزد" که با بد نسبت به مسئله تحلیل داشت از ما می پرسد:

"آقایان با کدام تحلیل اینطور سخن می گویند: "تحلیل اولیه چینی؟ تحلیل سه جہانی ها؟ تحلیل بتلهایم؟ تحلیل آلبانی؟ تحلیل بورژوازی اروپا و آمریکا؟ (همانجا)

امیریا لیسیم سه جہانی هم آنها را پسندیده و ترجیح داده است از زبان پیکار بر ما حمله کند تا پیکار را نیز تلویحاً تا شید کرده باشد. رفقا! شیوه خوبی است! یا لا جبارنعل به پیش! (همانجا)

رزمندگان اولاً با مبارزه ایدئولوژیک که "معمول" خود است، نشان داد که حزب رنجبران، پیکار را تلویحاً تا شید می کند! و ثانیاً پیکار چنان رنعل به پیش سمت حزب رنجبران میتازد! (همزمانی پیکار و رنجبران در حمله به تنزلات رزمندگان نیز گواهی این واقعیت است!!)

و آنگاه که شیک است بین برخورد شرافتمندانه و کمونیستی و برخورد غیر شرافتمندانه - فرق گذاشتن! آیا این شیوه استدلال رویونیستهای خائن حزب توده و شرکا نیست که مرتباً به م، ل ها، گوشزد میگردند: امیریا لیسیم غرب، شوروی را تجا و زکا رو توسعه طلب و امیریا لیسیم مبدانند، شما نیز همانا آنها ما امیریا لیسیم ها را میزنید، چه فرقی بین شما و امیریا لیسیم است؟ (نقل به معنی از بسوی حزب) و یا: رژیم پادشاه، نیز دشمن سر سخت حزب توده است، شما (منظور کمونیستهاست) نیز با حزب توده دشمنی و عناد می ورزید! آیا این

شناخت همزمانی شما با رژیم نیست؟ (نقل بمعنی از همانجا). با چربکها سز در د نظرات م، ل ها در مورد بطلان مشی جریکی می گفتند: رفرمیستها و رویونیستهای مشی جریکی را رد میکنند، شما نیز (منظور م، ل هاست) چنین می کنید. آیا این نشان دهنده متدولوژی یکسان شما نیست؟ آیا این نشان نمیدهد که یک چیز را می گویند؟ آری رزمندگان که مخالف سر سخت برخورد "غیر رفیقانه و غیر کمونیستی" است، شیوه برخورد رویونیستها را در پیش گرفته است و برای تخطئه نظرات پیکار، میگوید این نظرات را مبنای متدولوژیک سه جہانی ها جلوه دهد! و با میگوید: "بیهوده نیست که ما می بینیم اصول متدولوژیک پیکار را رنجبران شماره ۱۰۲ بعنوان مبنای

مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسال امیریا لیسیم تظا هر پیدا کرده است" - رنجبران

مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسال امیریا لیسیم تظا هر پیدا کرده است" - رنجبران

مورد قبول خود تکرار می کند "در سطح جنبش کمونیستی ایران فلسفه شکاکیت از جمله در ارتباط با واقعیت سوسال امیریا لیسیم تظا هر پیدا کرده است" - رنجبران

و آبرای رزمندگان زوشی نیست که ما بسا تحلیل سوزواری آمریکا و اروپا و سه چپانی ها نرسوسال امیرالایسم را قبول داریم تا بسا تحلیل دیگری؟! البته رزمندگان ایرادوار د نیست اگر ندانند که تحلیل ما از سوسال امیرالایسم منطق بر نظرات آلبانی، سلیتیا مورق قسای ما رکست لنینست جن است با نظرات دیگری، ولی آبا رزمندگان و افساسی دانند که تحلیل ما با سوزواری امیرالایستی آمریکا و اروپا و سه چپانی ها فرق دارد؟ آبا برای کله کمونیستیا حتی نیروهای منزله لزی جون راه کارگر رونس نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ روسسال امیرالایسم با تحلیل سوزواری آمریکا و اروپا و سه چپانی ها فرق دارد؟ سروض است که نما بندگان سوزواری آمریکا و اروپا در دفاع امیرالایسم غرب، در سترگرفا با سوسال امیرالایسم منظور تخطئه کمونیسم است که اصطلاح سوسال امیرالایسم را کار میبرد. سه چپانی ها نیز از موضع رفاست جو با نه دو سوزواری و در دفاع از امیرالایسم آمریکا و اروپا و در سرتن با سوزواری و از موضع ضد رولتری اصطلاح سوسال امیرالایسم را کار میبرند. آ نهاد دفاع از خزیلات "امیرالایسم میرنده آمریکا" و "امیرالایسم لنده سواری" سنان میدهند که فاقد درک علمی از مقوله امیرالایسم که دوران میرندگی و گنبدیگی سرمایه داری است می باشند و "امیرالایسم لنده" سه چپانی ها همان سسز احقانه ای است که منطق بر ترهات رویزیونیستی کا شوتسکی، میتنی بر "ولترا امیرالایسم" است و این نظرا ز لحاظ ایدئولوژیک نیز بریا به خیانت بی رولتاریا و انقلاب و خدمت به سوزواری است که به "سوسال امیرالایسم" معتقد است. آبا مقایسه تحلیل ما از این مقوله با تحلیل سوزواری آمریکا و اروپا و سه چپانی ها "برخورد شرافتمندانه و صادقانه" است؟! رزمندگان گستاخی ربه آنجا میکنند که میگوید: "بیکار میگوید: "من همه چیز را میدانم" و وقتی دهانش را باز میکند فقط تکرار میکند سوسال امیرالایسم است... خلاصه سوسال امیرالایسم است چون سوسالایسم نیست، دلایل: همان چیزهایی که هر روز میتوان در ستون روزنامه های جمهوری اسلامی، رنجبران و انقلاب اسلامی پیدا کرد. تحلیل: زورنا لایسم سوزواری" (همانجا) کافی است ذره ای مذاقت در کار باشد، ذره ای متانت بی رولتری در کار باشد، تا از اینجهم برخورد غیر سیاسی، نه تنها روتحریف آمیز خودداری نمود، آبا هر خواننده ما دقتی آنچرا که بیکار تا کنون در تحلیل از سوسال امیرالایسم گفته است (چه در برخورد به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه های که در مورد سوزواری نموده است، چه در وقایع و آمارهایی که از

سوزواری ارائه داده است) - اگر حد بسیار محدود است - همانی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران میخوانند؟! این همه کینه توری رزمندگان نسبت به سوزواری امیرالایسم سوزواری (با سه سبوه رخورد سکار؟) ناسی ارحست؟ آنرا بعد توضیح میدهم. رزمندگان همچنان به برخورد های "رفیقانه" "آموزشی"، "کمونیستی"، "مستند"، "مستدل"،

می بینیم، اما شما را رویزیونیست نمی دانیم. چه یک انحراف هنوز یک جریان تمام عیار نیست. چیزی است که هنوز میتواند ملاح گردد (تفصیل معنی از انحراف آنرا رگوستدیکالستی در حزب ما - لنین) ما فدائیان (اکثریت) را رویزیونیست میدانیم، یعنی آنها مرتدگشته اند و دیگر جزو چنین کمونیستی نیستند، اما شما دچار انحراف هستید، نگذارید بین بدیهیات را هم نمیدانید و باید

رفقای رزمندگان نه تنها شیوه برخورد و مبارزه خود را اصلاح نکرده اند، بلکه روز بروز نیز آلوده تر گردیده اند. بنظر ما نوشته جدید رزمندگان در سبیک برخورد خود امر تازه ای نیست این سیاست، ادامه نوشته های قبلی رزمندگان و به عبارات انحرافات این رفقا وجود داشته است. نگاهی به شیوه برخورد رزمندگان در گذشته این حقیقت را نشان می دهد.

البته برواضح است که از نظر ما این انحراف رزمندگان در مبارزه ایدئولوژیک رابطه مستقیمی با انحرافات ایدئولوژیک آنان دارد. هر کسی بجز این فکر کند به گمراهی رفته است. گرایش تروتسکیستی در این رفقا نمی تواند انحراف چپروانه و ناسالم را در سبیک مبارزه ایدئولوژیک آنان بیار نییارد.

آنرا بسا آموخت آیا آنکه میداند و بداند جنسین تحریف آنکار میگویند یا مظلوم نمایی، بلکه برک برنده ای بدست آورد!

رفقا! در خلال حذر سطر چگونه "تحلیل" نمودید که شیوه سیکار از شناخت مکانیکی است نه دبا لکتیکی و آنرا مشخصا در مورد سوسال امیرالایسم سنان دادیم و می گوئید: سیکار مطرح میکند "ما میگوئیم سوسال امیرالایسم، سس مسئله روشن است تحلیل میخواند... اگر چه شما کوچکترین تلاشی در جهت اثبات حکمتان با "دلیل"، مدرک و یا تگای به "ظواهرات مریح نویسنده (خودتان) منتقدید که مذاقت در مبارزه ایدئولوژیک یعنی این صورت نداده اند، اما حرف خود را زده اند. رزمندگان با نقل قبول از انگلس در مورد این امر که "ما رکن در نظر نداریم که چون این جریان رانفی در نفی مینامد، از اینرو میخواند آرا بسنوا ن ضرورت تاریخی به اثبات برساند" و ذکر این نکته که:

"بدون تحریف"، "بدون دروغ برداری" و... ادامه میدهد:

"نفی سیکار از بدیده در بر و سه شناخت، نفی دبا لکتیکی نیست، نفی ساده و مکانیکی است... سیکار در حالیکه هرگز یک تحلیل جدی، عمیق و اساسی ربه جنبش کمونیستی ارائه نداده است، با اصرار شما تقریباً میزند: "ما می گوئیم سوسال امیرالایسم! سس مسئله روشن است. تحلیل میخواند، رزمندگان هم که میگویند تحلیل کنیم، رویزیونیست وجه سوسال امیرالایسم است! و این را میتوان در همه جا دید، در ناکتیک های مبارزاتی رزمندگان هم بعلت دید انحرافی در باره سواری رویزیونیسم بوجود آمده است." این است شیوه سیکار در تحقیق علمی و مطالعه مارکسیستی - لنینیستی بدیده ها هر جزی این نیست. آن است. تحلیل نمیخواند متدولوژی متافیزیکی، نه دبا لکتیکی." (همانجا).

"لایدا برسانتلی را که مارکسیستها برای نخستین بار به آنها برده اخته اند، در واقع بطریق غیر علمی (از نظریه کار) صورت مطالعه قرار داده اند" (همانجا)

در حقیقت میخواند با زبان بی زبانی میگوید مسئله سوسال امیرالایسم مسئله ای نیست که ثابت شده باشد، بلکه مورد تحقیق است. چه، استنتاج میکنند که سیکار همان برخوردی را که نسبت به سوسال امیرالایسم میکنند لایسنست به سارسانتلی که مارکسیستها برای نخستین بار به آنها برده اخته اند، صورت میدهد، یعنی آنسرا غیر علمی میدانند!

رفقا! چه می گوئید؟ نکنند خیال می کنید سوسال امیرالایسم مسئله ای است که اثبات

بیکار در کار گفته است سوسال امیرالایسم تحلیل نمیخواند؟ رفقا، شما خودتان میگوئید: مذاقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک یعنی استناد به سند و مدرک و نوشته صریح نویسنده، کجا سیکار گفته است رزمندگان چون میگویند تحلیل کنیم، رویزیونیست وجه سوسال امیرالایسم است! آیا این تحریف آشکارا و مغرنا نه نیست؟ از این مظلوم نمایی که گویا بیکار رتمسار را "رویزیونیست" وجه سوسال امیرالایسم میدانند، چه سودی میرید؟ ما معتقد نیستیم شما رویزیونیست و سوسال امیرالایسم هستید. این دروغ آشکارا است، رجوع به نوشته های ما بهترین دلیل این امر است، ما در شما انحراف رویزیونیستی

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

نشده است و برای نخستین بار باید به آن پرداخت
رزمندگان برخوردار ما را که رواج شک در مورد این
مسئله را برخورد غیر علمی میدانیم، همان برخوردی
میدانند که لابد به سایر مسائل کلی که نخستین بار به
آنها پرداخته میشود می‌کنیم. با زبانی این مسئله
در انتها خواهیم پرداخت.

رزمندگان آموزش را با تعریف و تمجید از
خود علیه ما بیایان میبرد:

"چرا پیکار به مبارزه ایدئولوژیک متخص
پاسخ نداده است، هر کسی که یکبار رنج
رزمندگان را خوانده باشد به نقش فعالی که
ما در مبارزه علیه رویزیونیسم داشته ایم
پی میبرد... مبارزه‌ای که ما داشته ایم
تاثير عمده‌ای را در رشد مبارزه ایدئولوژیک
در جنبش و طرح مسائل انقلاب داشته است."

و اضافه میکند:

"و از این جمله است برخوردهای ما با سازمان
پیکار بر روی خلق و فداکاری، جامعه‌سرمایه
داری و بسته... در همه این موارد پیکار
مسئله را با سکوت برگزارد می‌کند، ترجیح
میدهد مواضع خود را مثل لب‌های هر روز عوض
کندولی بر سر آنها مبارزه ایدئولوژیک نکند
پیکار ترجیح میدهد بنا به میل خود ابتدا
انتهای ما را بزند و بعد از زیر پاخ دادن
مقابل شانه‌خالی کند. برای پیکار مبارزه
ایدئولوژیک اهمیت ندارد. اظهار بعضی
مواضع، بستن آنها مات دروغین بدیگران
این است که اهمیت دارد. برای آنها هیچ
اهمیتی ندارد که جنبش کمونیستی بدانند که
آیا رفقای پیکار را بلاخره به یورژوازی ملی
و غیر وابسته... در جامعه ما اعتقاد دارند
بیا نه، مهم آنست که با بدیگران را به هر
قیمت کوبید، ما مخالف مبارزه ایدئولوژیک
بر سر مسائل امپریالیسم نیستیم، ما
مخالف آن هستیم که اولاً بطور غیر رقیبانه
و غیر کمونیستی مسائلی را در جنبش مطرح
نمائیم که فقط باعث سردرگمی میشود (مثل
انتسابات رفقای پیکار) و ثانیاً مسائلی
اصلی جنبش را مسکوت بگذاریم." (همانجا)

سیس رزمندگان غرق در شغف، شعری از خود
را به بدترین برخوردهای غیر سیاسی ممکنه
می‌کشند:

"در حالیکه ما تا کتیک اتحاد عمل را طرح
کردیم، دفاع از میهن را رد کردیم (وجه
کارهای دیگر که نکردیم - پیکار)... پیکار
مشغول خریدن سرخود بود، آنگاه پیکار
کیا بود تا از تا کتیک انقلاب دفاع کند که
حالا تا کتیک بنظر آمده است ما که مبارزه
خود را با رویزیونیسم علی‌الخصوص در رابطه

با مسائل جنبش موفق میدانیم، رویزیو -
نیستهای جنبش هستیم. علت آنهم داشتن
اینها می‌تواند در مورد سوسال امپریالیسم
است." (همانجا)

بدین ترتیب رزمندگان در چند سطر نشان
میدهد:

- ۱ - پیکار را تنها دروغین میزند.
- ۲ - برای این مبارزه ایدئولوژیک اهمیت ندارد.

بهمین ترتیب موضعگیری سازمان مادر بر سر سوسال امپریالیسم در کنگره اخیر برای جنبش
کمونیستی ایران (و در اینجا بخش بدیگران) دارای اهمیت فراوان بود و نمیتوانست مورد
استقبال آن قرار نگیرد. همانطور که متقابلاً برخی از نیروها نیز بدلیل همان تزلزلات و
انحراف رویزیونیستی شان نمی‌توانستند از این موضعگیری غمگین و افسرده نباشند!

آیا رزمندگان واقعا نمیدانند که تحلیل ما با یورژوازی امپریالیستی آمریکا و اروپا و
سه جهانی هافرق دارد؟ آیا برای کمونیست ما حتی نیروهای متزلزلی چون "راه کارگر"
روشن نیست که تحلیل نیروهای خط ۳ از سوسال امپریالیسم با تحلیل یورژوازی
آمریکا و اروپا و سه جهانی هافرق دارد؟

شیوه برخورد مارکسیستی لنینیستی در مبارزه ایدئولوژیک چيست؟

گفتیم اگر مبارزه ایدئولوژیک بر متن سایر
انگال مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا و جزئی از آن
نباشد، مبارزه ایدئولوژیک پرولتری نیست،
جدال روشنفکرانه است. اولین اصلی که در
مبارزه ایدئولوژیک باید همواره در نظر داشت،
استنتاج نکاتی است که نه در خدمت ارضای
تمایلات روشنفکرانه و تنگ نظران، بلکه در
خدمت گره‌گشایی از معضلات و مشکلات جنبش
کمونیستی و انکشاف مبارزه طبقه‌ای پرولتاریاست
این مبارزه در خدمت دفاع از یک کیزگی مارکسیسم
لنینیسم میباشد. این مبارزه با نقد و طرد
انحرافات ایدئولوژیک غیر پرولتری، مواضع
پرولتری را تحکیم نموده و مبارزه پرولتاریا را
ارتقاء می‌بخشد. این مبارزه متین طبقه‌ای می
کوشد تا یورژوازی، نمایندگان فکری آن و
ایدئولوژی او را بسمت شکست قطعی سوق دهد.
در مبارزه ایدئولوژیک، بدون انحراف
میتواند بروز نماید؛ انحراف استروانسه و
رویزیونیستی و انحراف چپروانه و روشنفکرانه،
انحراف نوع اول در کم یه‌دان به مبارزه
ایدئولوژیک، دردمساز و سازش، در ارزیابی
راستروانسه از عمق یک انحراف
ایدئولوژیک، در دیدن وحدت و ندیدن تفا دو...

- ۳ - برای این کوبیدن دیگران مهم است.
- ۴ - بطور غیر رقیبانه و غیر کمونیستی مبارزه
ایدئولوژیک میکند.
- ۵ - مسائل اصلی جنبش را مسکوت میگذارد.
- ۶ - پیکار در موقعی که رزمندگان مشغول
دفاع قهرمانانه از مارکسیسم بود، مشغول
سرخا ریدن بود.
- ۷ - پیکار رزمندگان را رویزیونیست میداند.
- ۸ - رزمندگان کماکان در مورد سوسال
امپریالیسم بی‌خبر دارد.
- ۹ - موضعش در مورد سوسال امپریالیسم حتی
بیشتر از پیکار روشن است.
- ۱۰ - پیکار بدیگران (و از جمله رزمندگان را) که
درک عمیقتری از مشکلات و بیخامات این تز
دارند بر آن متهم می‌کند.



آخزین آموزش رزمندگان در مبارزه
ایدئولوژیک با پیکار رکه "شاکار" جنبش کمونیستی
است، این است که به پیکار روا مثالیم هندا ردهد:
"خشکی و جمودی تشویک پیکار رزنگ خطری
است که هرگاه بدان توجه نشود و رفع نگردد.
مدامات جدی بسا رخا هدا مد... رفقای پیکار
با این شیوه برخورد در عمل (تا کیدا زخبود
رزمندگان است) و برخلاف خواسته و نیسات
خود را را بر رویزیونیسم می‌کشایند."

و اینچنین مسابقه پایانی می‌یابند و
رزمندگان حریف را که مسائل "نا مربوط و دروغی"
را در باره تزلزلات رویزیونیستی رزمندگان
مطرح ساخته بود از دور خارج میکنند. نتیجه: هم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

خود را بروز میدهد. انحراف رویزیونیستی می -
 کوشد تا بین ایدئولوژی پرولتاریا و ایدئولوژی
 بورژوازی سازش دهد و منافع پرولتاریا را قربانی
 نماید. انحراف رویزیونیستی مبارزه ایدئولوژی -
 ژیک را اخته میکند و برای پرولتاریائی را از آن
 میگیرد. این انحراف، شرایط تداوم انحرافات
 غیرپرولتری را بوجود می آورد و از هر جسته شدن
 خط پرولتری مانع می آید. انحراف
 نوع دوم در شکل دیگری بروز می نماید: -
 آنتاگونیسم کشاندن مبارزه ایدئولوژیستیک،
 برخورد کینه توزانه، مغرضانه و منفعت طلبانه در
 مبارزه ایدئولوژیک، بازی با الفاظ، تکه پیرائی
 شمسخر، بسط گری، زخم زبان زدن، تحقیر نمودن
 و... از جمله مشخصات این انحراف روشنفکرانه
 میباشند. نیروها (بویژه در خارج از کشور) که
 دغدغه فکری منافع طبقاتی پرولتاریا را ندارند
 به این سبک از مبارزه ایدئولوژیک روی می -
 آورند، آنان ساعتها به جدلهای از مضطربت جنین
 پرداخته می آنگه بخوانند گری از مضطربت جنین
 و طبقه کارگر را بکشایند. این شیوه برخورد
 تروتسکیستی، آنتاگونیستی، سکتاریستی و
 آنتاگونیستی میباشد. این انحراف برای
 مفلوب کردن حریف به تحریف و وارونه جلوه
 دادن حقایق میپردازد. این انحراف در واقع
 بیگ سبک مبارزه ایدئولوژیک بورژوازی روی
 می آورد. بنظر ما رفقای رزمندگان دچا چنین
 سبکی در مبارزه ایدئولوژیک میباشند. آنان می -
 کوشند با تحریف مسائل و حملات غیررفیقا نه خود
 را محق جلوه دهند.

نمیخواهند با یکدیگر همان برخوردی را بنمایند
 که با اپورتونیستها، رویزیونیستها، بورژوازی
 و کلیه دشمنان طبقه کارگر صورت میدهند. اگر
 مبارزه ایدئولوژیک ما با نیروهای رویزیونیست
 آنتاگونیستی است، این امر ناشی از آنست که
 دوا ایدئولوژی آنتاگونیستی یعنی مارکسیسم
 لنینیسم و رویزیونیسم در برابر هم قرار گرفته اند
 آری پیگیری در مبارزه علیه انحرافات و در همان
 زمان رعایت متناسبت پرولتری در مبارزه ایدئو -
 لویژیک از شروط اولیه مبارزه ایدئولوژیستیک
 پرولتری میباشد.

میکند. اما رزمندگان تمام مواردی را که ما در
 نوشته خود مورد نقد کمونیستی خود قرار داده ایم،
 نا دیده میگیرید و از کما رآنها میگذرد. رزمندگان
 آگاهانها انحرافات را که توسط ما بنقد کشیده
 شده است، بدست فراموشی می سپارند و به تحریف
 دست میزنند. تحریف دو نوع است:
 الف - دروغپردازی آشکار، وارونه جلوه دادن
 نظریات دیگران، ذهنی بافی بر اساس تمایلات
 ذهنی خود.
 ب - تکیه بر گوشه ای از واقعیت، بریدن ارتباط
 مطالب از یکدیگر، سرتوته مطلب را زدن و بقول

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به شیوه پرولتری برخورد کنند. کمونیستها فراموش
 نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین
 و رفیقا نه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با یکدیگر همان پرولتاریا، وحدت، مبارزه،
 وحدت است. آنان مبارزه می کنند که به وحدت دست یابند و نه اینکه باشیوه های
 تروتسکیستی نقش وحدت را ناپدید بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند.

کافی است ذره ای صداقت انقلابی در کار باشد، ذره ای متانت پرولتری در کار باشد تا از
 این همه برخورد غیرصمیمی، ناهنجار و تحریف آمیز خودداری نمود. آیا هر خواننده
 صادقی آنچه را که پیکار تاکنون در تحلیل از سوسیال امپریالیسم گفته است (چه در برخورد
 به فدائیان، چه در برخورد به رزمندگان، چه در ترجمه هائی که در مورد شوروی نمود
 است، چه در وقایع و آمارهائی که از شوروی ارائه داده است) - اگر چه بسیار صحت دارد
 است - همانسی است که در روزنامه های انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی و رنجبران
 می خواند؟!

معمروف "مح گیری" و "بل گیری" نمودن. متاسفانه
 رفقای رزمندگان به این شیوه دست یازیدند و
 بجای انتقاد از خود کمونیستی، بی پروا و با
 شها مت به پرده پوشی انتقاد برداخته و در پی
 آن نیستند تا عمق انحراف رویزیونیستی را
 برملا کرده و زمینه طرد آنرا مهیا نمایند و روشن
 است هرگاه به بررسی ریشه ای انحراف و علل
 بروز آن پرداخته نشود و هرگاه در طی مبارزه
 ایدئولوژیک، نوع و مضمون انحراف مشخص
 نگردد، بیما از مریضی نجات نخواهیم یافت. عدم
 برخورد کمونیستی و طبقاتی به انحرافات
 زمینه گشایدگی و بسوسیدگی را مهیا می سازد.
 (ادامه دارد)

روشن است که آنچه برای کمونیستها اهمیت
 حیاتی دارد مضمون مبارزه ایدئولوژیک است.
 اما اگر شیوه مبارزه ایدئولوژیک انحرافی و
 تروتسکیستی باشد این انحراف مضمون مبارزه
 را تحت الشعاع خود قرار میدهد، برخورد شرافت -
 مندانه و صداقت انقلابی در مبارزه ایدئولوژیک
 هرگز نباید تحت الشعاع منافع محدود و تنگ -
 نظرانه قرار گیرد. برخورد شرافتمندانانه و صادقانه
 در مبارزه ایدئولوژیک یعنی "اتکا به نوشته و سند
 و کشف انحراف"، و این سبک مبارزه ای است که
 ما در برخورد به رفقای رزمندگان رعایت نمودیم
 مبارزه ما متکی بر "نوشته و سند" رزمندگان بوده
 و انحراف رویزیونیستی آنان را بصراحت اثبات

کمونیستها در مبارزه ایدئولوژیک باید به
 شیوه پرولتری برخورد کنند. کمونیستها فراموش
 نمی کنند که مبارزه ایدئولوژیک شان با دیگر
 نیروهای کمونیست، شیوه ای لنینی، متین،
 رفیقا نه و وحدت طلبانه است. چه مبارزه آنان با
 یکدیگر همان پرولتاریا، وحدت، مبارزه، وحدت است.
 آنان مبارزه میکنند که به وحدت دست یابند و نه
 اینکه باشیوه های تروتسکیستی نقش وحدت را
 ناپدید بگیرند و صرفا مبارزه را ببینند. کمونیستها

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست